



اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَبَا عَبْدِاللهِ

وَالْمُوَالِي لَوْلِيكَ وَالْمُعَادَا لِعَدُوِّكَ وَقَصِّدْ

حَرَمَكَ وَاسْتَجِازِ بَيْتَكَ وَتَقَرَّبْ اِلَيْكَ بِقَصْدِكَ

سلام بر تو ای ابا عبدالله... آن غلامیکه دوست دارد دوستان
شما و دشمن دشمنان شما است قصد آستان شعارا کرده و بسه
زیارتگاهت پناه آورده و به قصد توبه تو تقرب من جوید.

طرافتای صلح امام حسن (ع)

گید هتین

فَاتَمِّعَ الْمُسْتَرِيحَا اَزَمَعَ الْمُسْتَرْسِرَا

لاه مجاهد

در راه خدا بپوشید و در صف بپوشید و شمشیر و شمشیر

نهیست نهضت مجاهدین خلق ایران

سال اول، شماره ۱۲ آبان ماه - ۱۳۶۱

بها ۶۰

در سوگ شهادت

آیت ا... اشرفی اصفهانی



نهضت مجاهدین شهادت
آیت الله اشرفی اصفهانی
راه امام امت و امت شهید پرور
و خانواده ایشان تیرسک
و تسلیم نمیکردند.

شهادت این شهید محراب
دلایل رشد انقلاب و لکه تنگی
است به دامن تهوریسم امریکایی
جاده صاف کن حاکمیت خطوط
عالمیت طلب و فیرمکتبی مقدس

مآب و فیرمبارز، تهوریستشان
اولاً ضد حمله به روز چشم گیر
عملیات مسلم بن عقیل علیه
گفرت کس دیویدی در غرب کشور
و ثانیا ضد حمله به روزی انقلاب

در مرحله سازماندهی امام
جماعت و سازماندهی امام
خمینی است. چرا که ایشان
نمایند امام و امام جمعه
در استان باختران بودند.

تالفا از آنجا که نماز جمعه سهیل
اسلام راهنمای عمل و اسلام
به عنوان دین سیاست است
و سهیل تشکیلات الهی خلقی
و جهادی سیاسی است لذا

شهادت ایشان ضد حمله
چهره انانی است که سیاست را از
دین و راه بشروا از راه انیساه
و الله اظهار میخوانند جدا کنند
و بر این کار اصرار دارند. مسعود
رحمی قاتل آیت الله اشرفی
در زمین چمن دانشگاه تهران

بقیه در صفحه ۲۷

مزو طرافت استقاو

... فلنم الله اه است
اساس الظم والفسور...
... پس خدا لعنت کند
مردی را که پایه گذاری کرد
اساس ظلم و جور...
زیارت عاشورا

یکی از توطئه های امپریالیسم
نسبت به سازمانها و انقلابهای
سازش ناپذیر گشتن و ترور کادرها
ی انقلابی و مکتبی آن است.

شهادت رساندن کادرها
مکتبی خلاقی را ایجاد میکند
که پرکردن آنها به
تلاش بسیار نیازمند است.

فقدان کادرها در اصلاح
موجب میشود افرادی انقلابی
ولیکن کم کیفیت جای شهدا
را برنمایند بطوریکه قدرت
را برنمایند بطوریکه

قدرت برخوردار باشند
گذشته و مشکلات جدید
راند داشته باشند.

پس از شهادت
کادرها مکتبی و فقدان کادر
های در اصلاح به روز نارسایی
و ناراضی جبری می باشد.

اصلی ترین کار در چینیسی
شرایطی این است که عامل
تروریزم و طرح فونیکس را که
یک طرح امپریالیستی است
در هیچ لحظه ای از نظر
بقیه در صفحه ۳۷

نحوه مقابله با دستهای مرموز

الف - برای دشمن روشن
شده که این انقلاب با توطئه
های نظامی و تروریستی از راه
د رنی آید پس باید کاری کند
که ملت به حالت پاس و زدگی و
ناپاوری نسبت به آینده انقلاب
برسد.

در این رابطه نباید
تزیق عوامل نفوذی دشمن که
مناقضانه و فرصت طلبانه خود را
مکتبی و در خط امام جازده اند
غافل ماند.

ایمان تهرانسی
کوشند جو سوظن و بدبینی را بین
نیروهای مومن و اضیل انقلاب
تشدید کنند و سپهرهای خود را
پس از خالی نمودن پستهای

حساس از افراد مومن و متعهد
بکارها بگمارند تا بتوانند بشکل
پهچیدهای فرصت هارا از بین
ببرند و ناراضی تد ر جسیسی
و هموسی راه ارمغان بیاورند.

قسمتی از پیام آیت الله
منتظری به مناسبت ده فجر
ب - برخوردار فعال با دست
های مرموز.

دستهای مرموز بشکل نفوذی
و با پوشش خطا امام عمل مینمایند
و هدف راد نهال میکنند.

اول اینکه نیروهای اصیل
انقلاب را طوری منفعل نماید
که معتقد شوند مبارزه فایده ای
ندارد. فشارها به حدی است
که قصد کشت دارند و معسولا
مورد تأیید هیچ مقامی نیست
تنها راه راین شرایط حفظ
جان خود مان است.

بامسائل
نباید برخوردار فعال کرد.
اگر
دسوزی کم پیشنهادی
بقیه در صفحه ۲۴

ویژگیهای خط امام

ریشه یابی و تحلیل يك
گروه عافیت طلب

راه مجاهد ۶
کدام است؟

بیوا مون
ولایت فقیه

مقاومت لبنان و
توطئه دو قطبی کاذب منطقه

حرف آفرینی
با حرکت جوهری امام حسین
حسب ابن مظاهر
و حساب خون

اهداء های غیبی
زنایمی و شهادت يك روحانی انقلابی
شهید مصطفی خمینی

سخن امام راهنمای مستضعفین

رابطه امام و امت
انفعال پایگاه شیطان
خط مشی آزادی قهر
و خط خزننده فرهنگی

نقد اجمالی نهضت مجاهدین خلق
در روزنامه جمهوری اسلامی

سازماندهی
و مکتب
نهادگرایی اسلامی جوهره تشکیلات الهی

مقاومت لبنان و توطئه دو قطبی کاذب
خبرنامه استراتژیک
سازماندهی مکتب
مکتبی تاریخی

طرافت های صلح امام حسن (ع)
حرف آفرینی
جنبش بن مظاهر و خضاب خون
زندگی و شهادت شهید مصطفی خمینی
به مناسبت شهادت دکتر فاطمی

راه مجاهد کدام است
دیدگاه و جریان فکری رباوولا بیت فقیه
پیرامون ولایت فقیه
اهداء های غیبی
مکتبی نظامی
بررسی و جمع بندی مراحل جنگ
ادبیات انقلاب



نگاهی کوتاه به عملیات مسلم ابن عقیل

استقلال آزادی جمهوری اسلامی

بسمه رب الشهدا

بعد از سالها که دشمنان اسلام تبلیغ کردند دین از سیاست جداست و روحانیت نباید در مسائل سیاسی اجتماعی دخالت کند. و این مسئله را جا انداختن که فقه و حوزه علمیه کاری به مسائل اقتصادی و اجتماعی سیاسی و نظامی ندارد. امام خمینی مسئله ولایت فقیه را مطرح کردند و در طی بحثهای ارزنده شان نشان دادند که ولی فقیه کسی است که استقلال و آزادی مملکت اسلامی را تأمین می کند و در تمام شؤون اجتماعی و سیاسی دخالت و ولایت دارد. امام معتقدند، علم جدا از عدالت نیست و فقهت جدا از سیاست نیست. و فقیه علامه در چهار چوب اسلام برجای و مال مرد ولایت دارد. ایشان این موضوع را از روشنترین مبانی اسلام می دانند.

در مقابل این تز امام خمینی عده ای می گویند این نظر شخصی و اجتهاد امام خمینی است و باید به نظر سایر مراجع و مجتهدین هم توجه کرد. اینها اصل ولایت فقیه را جز احکام واجب و مستحب و یا فروعات مذهب بشمار می آورند. آنها سعی دارند اصل ولایت فقیه را در حوزه اجتهاد و تقلید محدود کرده و در نتیجه این اصل اصیل اسلام را که تقلید بر دار نیست تحت عنوان "سلیقه شخصی" امام خمینی از کار آبی بپندارند و وقتی به آنها اعتراض می شود که چرا حوزه فقاقت را از سیاست و اجتماعات جدا می کنید و اصل ولایت فقیه را قبول ندارید آنها موضع مشرکانه ای گرفته و در پناه مراجع و مجتهدین مخالف این مسئله سنگر می گیرند. و پاسخ می دهند ما مقلد مرجع دیگری هستیم غیر از امام خمینی که آن مرجع در سیر اجتهاد خود ولایت فقیه را حاکم بر جان و مال مردم نمی داند. و اینک بحث ما حول این محور می باشد که اساساً آیا ولایت فقیه جز احکام و فروعات است و تقلید بر دار است؟ و آیا اصل ولایت فقیه فتوا بر دار است و می توان آنرا مشروط و منوط به نظر مجتهدین کرد؟ و آیا اینکه آیا اصل ولایت فقیه خود جز مبانی مکتب اسلام بوده و در حوزه تقلید قرار می گیرد؟

این نوشته مختصرگامی است در این راه که اولین و آخرین گام نبوده و انشاء... ادامه پیدا خواهد کرد. از خوانندگان این گامی است در این راه که اولین و آخرین گام نبوده و انشاء... ادامه پیدا خواهد کرد. از خوانندگان خواهر برادر تقاضا می کنیم که با این نوشته برخورد فعال نمایند.

بحث ما شامل دو قسمت است:
طرح نقطه نظرهای مختلف راجع به ولایت فقیه
الف - آنهايي که معتقدند مسئله ولایت فقیه جز احکام بوده و احکام بستگی به نظر مجتهدین دارد و دلايلشان شرح زیر است:
ب. برداشت توحیدی
۱ - جریانی معتقد است: آنچه اصل است اصل امامت است و ولایت فقیه تحقق اصل امامت در زمان غیبت است. چون در زمان غیبت امام زمان (عج) از ولی فقیه بهشتا تراست لذا ولی فقیه قابل تغییر بوده و بنا براین ولایت فقیه جز احکام است.
جواب - بین ولی فقیه و اصل ولایت فقیه فرق است اصل ولایت فقیه تجلی اصل امامت است. و لذا جز احکام اصول بشمار می آید و اصول هم همانطور که در اول رساله ها نوشته شده یعنی فطری و استدلالی بوده و قابل تقلید نیست. یعنی هیچ مجتهدی نمی تواند بگوید اصل ولایت فقیه را بدین صورت که حاکم بر جان و مال مردم است قبول ندارم چرا که اصل ولایت فقیه بالاتر از احکام واجب و مستحب است و بدیهی و فطری است. در کتاب ولایت فقیه امام خمینی صفحه ۱۱ آمده است "ولی فقیه تحقیق دهنده این وظایف و ملاکهاست و اگر از آنها عدول کند از ولایت ساقط میشود. و لذا ولی فقیه قابل تغییر است ولی ولایت فقیه اصل است".

۲ - بعضی معتقدند: ولایت فقیه به اعتبار اینکه امر و خط مشی امام زمان (عج) را تحقق می دهد حکم است و چون امری است اعتباری لذا ولایت فقیه جز احکام محسوب می شود.
جواب - حال آنکه امام زمان (عج) هم امر خدا را تحقق می دهد و مایک امر بیشتر نداریم و آن امر خداست که همه درین تحقیق آن هستند.
۳ - عده ای معتقدند: اصل چیزی است که در مراتب مختلف وجود نفی آن نفی توحید می باشد، ولایت فقیه تحقیق مرام امام زمان (عج) است و رگاد را اصول توحید می توان به آن انتقاد کرد و مضمون از خطا نیست و لذا ولایت فقیه جز احکام است. ولی امام عصر (عج) معصوم است و نمی توان به او انتقاد نمود.

چرا که ولی فقیه در هر زمانی فرق میکند و بنا می زند دارد. اگر چه اساساً هم هیچوقت نفی نمیشود.
ج - اصل ولایت فقیه تجلی اصل امامت است. اگر ولایت فقیه جز احکام شود. ولی فقیه بعدی ممکن است فتوای دیگر دهد و اصل ولایت فقیه را بدین صورت حاکم بر جان و مال قبول نکند همینطور که میگویند مثلاً "شیخ مرتضی" هم ولایت فقیه را بدین صورت قبول نداشت. در حالی که همه دست اندرکاران جوهر قانون اساسی را اصل ولایت فقیه می دانند و در این صورت تضمینی برای تداوم اصل ولایت فقیه و قانون اساسی وجود نداشته و قانون هم سرعاً از اعتبار می افتد.
۸ - جریانی معتقد است: اصل آن است که با ایمان به توحید بلا واسطه به آن می رسمیم. حکم آن است که از اصول

دیدگاه دو جریان فکری در باره اصل ولایت فقیه

ج - اگر چه ما به ولی فقیه در کار اصول می توانیم. انتقاد کنیم ولی انتقاد به ولی فقیه اصل ولایت فقیه را مخدوش نمی کند چون اصل ولایت فقیه بر ولی فقیه نیز حاکم است.
۴ - جریانی معتقد است: امام خمینی ولایت فقیه را جز احکام بشمار می آورد و به کتاب ولایت فقیه امام بشرح زیر استناد میکنند: "هر کس عقاید و احکام اسلامی را اجمالاً دریافته باشد چون به ولایت فقیه برسد و آن را بدین صورت درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری بدیهی خواهد شناخت."
ج - امام در جمله بالا به اصل بودن ولایت فقیه اشاره کرده اند. چرا که آنرا ضروری بدیهی میدانند و اینها میدانند که بداهت مختص اصول است. علاوه بر این امام در مقدمه کتاب ولایت فقیه می گویند "ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن موجب تصدیق است و چندین بهره ای احتیاج ندارد. و لذا از نظر امام هم ولایت فقیه چندان به برهان نیازی ندارد و بدیهی است و لذا جز اصول بدیهی بحساب می آید.
۵ - بعضی معتقدند که: معصوم کامل است و در برگزیده و منطوق ولی فقیه و لذا ولایت امام زمان (عج) - (اصل امامت) اصل است و این تفکر معتقد است که ولی فقیه غیر معصوم و نسبی است و چون امام زمان محکم است و در برگزیده مرتبه ولی فقیه است ذکر ولایت فقیه به عنوان اصل در کار امام زمان نادیده گرفتن تفاوت مراتب قانون توحید است.
ج - منظور اصل امامت و اصل ولایت فقیه است که اصل امامت هم بر امام معصوم حاکم است و هم بر ولی فقیه و اصل ولایت فقیه هم بر ولی فقیه حاکم است. در اصل ولایت فقیه تغییرات بدیهی راه نباید پیدا کند ولی در ولی فقیه ممکن است تغییراتی رخ دهد.
۶ - عده ای اینطور میگویند که: اصول اسلام قابل تغییر نیست. امام خمینی در کتاب ولایت فقیه صفحه ۱۱ میگویند: "اگر فقها تابع قدرت حاکم شوند نباید از آنرا تبعیت کرد" و لذا نتیجه میگیریم که ولایت فقیه قابل تغییر است. و جز اصول نمی تواند باشد.
ج - اگر یک فقیهی منحرف شده و تابع قدرت و زور شود دلیلی ندارد که ولایت فقیه و اصل امامت قابل تغییر باشد مثلاً بگوییم فقها تابع قرآنند و اگر فقیهیی سازشکار شود پس قرآن قابل تغییر است این شیوه استدلال درست نیست.
۷ - بعضی معتقدند نماز بنا می زند دارد ولی هیچوقت نمیتواند اساس نفی شود واجب هم هست و جز احکام هم میباشد. ولایت فقیه هم بنا می زند دارد پس حکم است

همان اختیارات و ولایتی که حضرت رسول و دیگران اطهار صلوات... علیهم در تدارک و بسیج سپاه، تعیین ولایت و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشته اند همان اختیارات را برای حکومت مملتی قرار داده است، سنتی شخصی معینی نیست، روی عنوان عالم عادل است. امام خمینی

ویژگیهای

خط امام

- ۱- در وجه سیاسی: "خدا، قرآن، خمینی" - استقلال، آزادی، حکومت اسلامی
- "مشرق، مغرب، حکومت اسلامی" - تشکیل جبهه مستضعفین علیه مستکبرین - "صدور انقلاب"
- ۲- در وجه خط مشی: "آزادی قدس از طریق کربلا" - "بسیج اصولی توده ها" - "شیوه فهمیده های جنگ"
- ۳- در وجه اقتصادی: "خدا مالکی - کالا امانت" - مالکیت اعتباری
- ۴- در وجه تشکیلات: "نهاد گرای اسلامی" - "حزب الله، تشکل الهی"
- ۵- در وجه مکتبی: "اساس فهم، درک رابطه حق و خلق است" - "انسان خدا جو" - "علم و عمل، وسیله بیداری نفس" - "روش شناخت قلبی" - "جنت لقا"

پنجاه صفحه ۱ پنجم خدای مستضعفین

بدون درک ویژگیهای يك جریان تحقق و تدام آن غیر ممکن است وجه بسادگی میان راه بدام روشهای انحرافی بیافتم. در رابطه با خط اسلامی امام، نیاز مستضعفین ایران و منطقه کشف ویژگیهای آن است تا بتواند آنها را راهنمای عمل خود قرار دهند.

در شرایط فعلی همگی نیازمندیم که با درک عمیق "خط اسلامی امام" آنها در وجه مختلف تحقق دهیم. ما نیازمندیم که سیستم اقتصادی بر مبنای خط اسلامی امام هستیم. ما نیازمندیم که دانشگاه جنگ بر اساس خط اسلامی امام هستیم. ما نیازمندیم که دانشگاه امام صادق (ع) (سیستم کادرسازی) بر مبنای خط اسلامی امام هستیم. ما نیازمندیم که روش تحلیل مسائل بر مبنای خط اسلامی امام هستیم. ما نیازمندیم که روش سازماندهی و تشکل بر مبنای خط اسلامی امام هستیم. ما نیازمندیم که ما امام با خطوط ظاهر مشابهی که در محتوا اختلاف فاحش با خط اسلامی امام دارند کاملاً مزیندی شود تا در این رهگذر هر اشتباه و خلاق راه حساب جوهره خط اسلامی امام نگذاریم و توده ها صاحب آنچنان تشخیص شوند که چه در اصول وجه در شیوه ها خطوط عاقبت طلب و باطل را از خط اصیل امام تفکیک کنند.

در اینجا سعی بر آن شده است که با طرح "عمده ترس" ویژگیهای خط اسلامی امام "گامی در جهت خدمت مستضعفین برداشته شود. این گام نیازمند نقد و بررسی و تدام است. منظور ما در این مقاله صرفاً اشاره مختصره ویژگیهای خط امام است نه شرح و تفسیر آن. از امام و نزدیکان ایشان و دفتر امام تقاضا داریم که رهنمودهای خود را در این زمینه تصریح و تدوین نمایند که مسلماً به انسجام و تدام نهضت اسلامی ایران کمک بزرگی میکند.

۱- ویژگی خط امام در وجه سیاسی

الف: "خدا، قرآن، خمینی"

این شعار شعاری شعور و شعور و اسلامی شهدای زنده انقلاب اسلامی است که در جریان انقلاب از عزم باور هابلند شد و مورد تأیید روحانیت مکتبی و مبارزه قرار گرفت. توده های مؤمن و خدا جو خواهند باتوسل به ملاکهای توحیدی امامشان را بیابند. آنها در خداوند شک ندارند و سپس باتوسل به همین ملاکها از قرآن بهره میگیرند. بدنبال آن از قرآن نیز به "امام" می رسند. یعنی امام را از عشق او به خدا و راه انبیا شناخته و رهبری او را پذیرند و از آنجا که امام در جریان امت واحد و ورشد آن قرار دارد به رهبری امام رسیده اند. چنین رهبری بطور حتم بالاترین موضع "ضد امپریالیستی" ضد صهیونیستی بود سلطنتی "رانیز دارد. قرآن برای رهبری معیارهایی ارائه داده است. قرآن می فرماید: "اتبعوا من لا یستلکم اجرا و هم مهتدون" (۱). یعنی بدنبال مرجع و رهبری بروید که "اجری از شما نخواهد" و "اجرش با خدا باشد" و "هدایت یافته هم باشد". ملاکهای هدایت هم در قرآن آمده است.

امام خمینی نیز در کتاب ولایت فقیه "اصول و قوانین الهی"

را حاکم بر امامت دانسته اند. ایشان می گویند: "حکومت اسلامی حکومت قانون است، در این طرز حکومت حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد همه افراد از رسول اکرم (هر گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد تا ابد تابع قانون هستند. همان قانونی که از طرف خداوند تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم بیان شده است." (۲)

البته جریانی است که خود را در خط امام می دانند و معتقد است شعار "خدا، قرآن، خمینی" شعاری است که بقالها و شاگردان بازارها و مردم عوام در آوردند و از هیچ مرجعی استفتاء کنی نشده و مورد تأیید روحانیت نیست.

ب: "استقلال، آزادی، حکومت اسلامی"

ویژگی بعدی خط امام شعار فوق است. منظموارز استقلال این است که در تمامی وجوه مکتبی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، و تمامیت ارضی در سایه ربط و توکل به خدا از تمامی قدرتهای کاذب و ارسته شویم. تحقق استقلال خود کفایسی کامل در برابر امپریالیسم و صهیونیسم است.

منظور از آزادی، بی بند و باری و بی قیدی و لا ابالی گری نیست. آزادی یعنی آزادی و رهبری. آزادی هم یعنی "سليم به خدا". آزادی یعنی "تسليم به امت واحد و گسترش امت واحد در سیر همدفد ارتاخی". منظور از آزادی دموکراسی غربی نیست. بلکه آزادی هم در کاد اصول اسلام مطرح است. آزادی چیزی جز تسلیم به "جریان رشد یابنده تاریخ" نیست.

منظور از حکومت اسلامی پیاده کردن قوانینی است که با قرآن و نهج البلاغه تطبیق داشته باشد. حکومت اسلامی با حکومت بظواهر اسلامی کشورهای عربی که مؤید موجودیت اسرائیل غاصب هستند، تفاوت دارد. اسلام "حکومت اسلامی" "اسلام عربستان" نیست. "اسلام پاکستان" نیست. "اسلام مؤید کمپ دیوید و فهد و فاس" نیست. اسلام "حکومت اسلامی" "اسلام ملک فهد" نیست که در کاخهای افسانه ای نماز میخواند و نفت را به کپانیهای آمریکایی می دهد در حالیکه توده های گزیر پایشان نفت شناور است هنوز با برهنه هستند. "قویل للمصلین ه الذین هم عن صلوتهم ساهون ه الذین هم براون و یضعون الماعون". بر اوای بر نمازگزاران همانان که از نماز نا آگاه و فاقند ه همانها که خود نما می نمایند و ماعون (خیر و بخشش) را بازی داند. (رجوع شود به تفسیر بر توی از قرآن).

اسلام "حکومت اسلامی" اسلام محمد (هر) و اسلام علی (ع) و اسلام قیام و شهادت است. اسلام "حکومت اسلامی" اسلام حامی منافع مستضعفین که در شرایط فعلی اسلام خط امام است.

ج: "نه شرقی نه غربی، حکومت اسلامی"

به این معنی که خط اسلامی امام نه خط شرق است، نه خط غرب. خط اسلامی امام خط "تفاعم شرق و غرب" و خط یکمان شمردن شرق و غرب "هم نیست خط امام آمریکارا بعنوان شیطان بزرگ و دشمن اصلی تمامی مستضعفین جهان

معرفی کرده و شوروی را هم باز چه دست آمریکا مید اند.

د: "تشکیل جبهه مستضعفین علیه مستکبرین"

یکی از حکمات خط امام بسیج مستضعفین علیه مستکبرین است. در اینجا مستضعف و مستکبر را ملاک قرآنی "اصالت انسان" مزیندی میشود. در منطق قرآن مستضعف کسی است که در جهت "امت واحد" و در جهت "جامعه توحیدی بدون طبقات ظالم و استثمارگر" حرکت کند. با این منطق سد کنندگان این حرکت اصیل، "جبهه مستکبرین" را تشکیل می دهند. ملاک استضعاف درجه قرب به خدا و عمل کردن به قرآن که مستلزم درگیری با کمپ دیوید در این شرایط است، می باشد.

ه: صدور انقلاب

بعد از سرنگونی سلطنت و گسترش روابط امت واحد در بین مستضعفین ایران، سیر انقلاب بسوی گسترش امت واحد در فراسوی مرزها به پیش می رود. این همان صدور انقلاب است. امام "صدور انقلاب" را "بیداری ملت" میداند. چرا که امام می دانند فطرت عدل طلب توده های مستضعف هر حرکت حق طلبانه را تشخیص داده و با آن پیوند می خورد و در جهت رشد بیشتر امت واحد و از بین بردن ظافوتهای زمان فعال شده و زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) خواهند شد. بنابراین صدور انقلاب، اشغال صهیونیستی و تحمیلی نیست بلکه اگر شکل نظامی آنها مطرح می شود وقتی است که ملتی آنرا پذیرا بوده و جنبه رهایی بخشی پیدا نماید (رجوع شود به مقاله تبیین مکتبی خط مشی آزادی قدس سراز طریق کربلا، راه مجاهد شماره ۱۱).

۲- ویژگی خط امام در وجه خط مشی (استراتژی)

الف: "آزادی قدس از طریق کربلا"

آزادی بیت المقدس از دست کفار و مبارزه با کمپ دیوید، بعنوان يك خط مشی اصیل از طرف امام و امت شهید پرور مطرح شده است. با توجه به ویژگیهای ضد صهیونیستی توده های مستضعف منطقه، این خط مشی "وحدت کلمه ای" است تعالی بخش که می تواند انقلاب اسلامی را در منطقه گسترش و آنرا با انقلاب فلسطین پیوند دهد.

خط مشی آزادی قدس را، مبارزه بی امان و برانداز با اسرائیل است. امام می گویند: "اسرائیل باید نابود شود" و لذا ارتجاع و رفرویس منطقه که ماهیتاً مؤید موجودیت اسرائیل هستند، سد راه این حرکت اصیل می گردند. دیدیم که صدام بخاطر جلوگیری از پیوند توده های عراقی با انقلاب اسلامی، به کشورمان تجاوز نمود و کربلاهای بیشمار بوجود آورد. همانطور که امام گفتند تکلیف الهی ماست که مسلمانان عراق را از جنگال کفار یعنی نجات دهیم.

سران وابسته ممالک اسلامی ظاهر برای نجات فلسطین و در محتوای خاطر تشبیت اسرائیل طرحهایی مثل کمپ دیوید و فهد و... مطرح کرده و به تصویب رسانند. امام بنا همین خط مشی برانداز است که علیه آنان دست به افشاگری زده و ماهیت وابسته شان را به توده های منطقه می شناساند.

ویژگیهای خط امام...

ب- بسیج اصولی توده‌ها

امام خمینی در تبیین انسان معتقدند که همه انسانها خدا جوه هستند. امام معتقدند که تمام انسانها می‌توانند در طی یک حرکت اصولی والهی بسیج گردند. واژگونی سلطنت نیازمندی، تاریخی مستضعفین ایران بود و مبارزه با صهیونیسم برای آزادی قدس و تحقق جامعه عدل اسلامی در منطقه نیازمندی، تاریخی توده‌های عدل-طلب منطقه است. این نیاز را امام به بهترین وجهی درک کردند و به بهترین وجهی پاسخ دادند. امام با توجه به ویژگی انسانها که همان خدا طلبی و عدل طلبی است توانستند در طول انقلاب و جنگ اسلام و کفر انسانها را بسیج کنند.

تحقق این دیدگاه الهی امام را می‌توان در شیوه‌هایش دید. شیوه‌هایی نظیر تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی، راهپیمایی بسط کربلا و قدس، مبارزه با محاصره اقتصادی و...

ج- شیوه "فهمیدهای جنگ"

ویژگی دیگر استراتژی نظامی امام، شیوه فهمیدهای جنگ است. همان شیوه‌ای که طفل ۱۳ ساله شهید حسین فهمیده اتخاذ کرد. این شیوه را نباید در حد یک تاکتیک ساده نظامی دانست، بلکه از اهمیت استراتژیک برخوردار است. این شیوه گیرنده‌ی عده زیادی، راکه نسبت به پیروزی توده‌های مستضعف برابر ایلیسم می‌پوشیدند، حل‌گردد و خوف بسیاری را فرو ریخت.

امام شهید حسین فهمیده را رهبر خود نامیدند و با این عمل نشان دادند که راه اسلام و راه امام همانا شیوه‌های ایثارگرانه و خودجوش "فهمیدها" است. امام نشان دادند که تنها با اتخاذ شیوه فهمیدهای جنگ است که خوف امپریالیسم در دل‌ها شکسته می‌شود. شیوه فهمیدهای جنگ تنها شیوه‌ای است که استقلال و خودکفایی ماراد جنگ اسلام و کفرو سایر جنگهای تحمیلی تا دفع تجاوز کامل برابر ایلیسم و صهیونیسم از اسلام و سرزمینهای مسلمین تضمین می‌نماید. در برابر این ویژگی خط اسلامی امام ابزارهای شیطانسی نظیر آواکس چه می‌توانند بکنند؟ بطور دقیق این آواکس‌ها نمی‌توانند شهید حسین فهمیده را که بایک نارنجک ساده جلری پیشروی ستون نظامی دشمن راهی گردید رد یابی کنند. (رجوع شود به مقاله اسلام، امام، عمل صالح فهمیده راه مجاهد شماره ۱)

۳- ویژگی خط امام در روجه اقتصادی

صل خدا مالکی - کالا امانتی - مالکیت محدود و اعتباری

امام ویژگی باید ارفطری انسان را کمال طلبی و خدا جویی می‌دانند. امام، انسان و اعضا بدن او مال و ثروتش را متعلق به خدا می‌دانند. این بینش کار را برای رشد انسان در مسیر الی الله می‌داند. امام در تفسیر الحمد می‌گویند: "ما خیال می‌کنیم که خودمان یک استقلال داریم، یک چیزی هستیم لکن اینطور نیست. این دست هم جلوه خداست منتهم ماها محجوب هستیم." و نیز در رکاب دعای سحر می‌گویند: "بسی مالکیت آسمان و زمین و ملکوت آنها از آن خدای تعالی است و از ملکوتش امکان فرار نبوده..."

با این تبیین انسان تسلط و مالکیت بوجود خود راند ارد تا چه رسد به اینکه خود را مالک دیگری دیده‌ها نیز بداند. در این دیدگاه فقط خدا اصالت دارد و مالکیت هم از آن خداست. ما باید بدنبال اقتصادی باشیم که اندیشه مالکیت را در انسان

ازین ببرد

برومنی آیة قرآنی "..... ان الارض میرثها عبیدی الصالحون" کالا در دست کسی امانت است که در وجه قریش به خدا بیشتر بوده و صلاحیت بیشتری برای نگهداری از امانت خدا داشته باشد (خلیفه الله) به عبارت دیگر کسی امانت دار کالا است که شکر آنرا بیشتر جا آورد و بهترین استفاده را از آن بکند. امام خمینی در سخنرانی در تاریخ ۷/۱/۵۶ چنین می‌گویند: "ارایه زن، فرزند امانت‌های خدا هستند جوانهای ما از خدا هستند و در راه خدا افداکاری کردند و به خدا مراجعت می‌کنند. اگر چنانچه هر چه دارند بفهمد که از خداست، اگر زندگی دارد خدا به او داده است و اگر اولاد دارد خدا به او عطا کرده است و اگر ثروت دارد، خدا به او عطا کرده است. همه چیز را خدا ای تبارک و تعالی عطا فرموده. اگر انسان به این معنا ایمان بیاورد و اطمینان به این داشته باشد، چیزی که امانت الهی است بخدا بر گرداند. اولادها اماناتی هستند از خدا، زن و فرزند امانت‌هایی هستند از خدا و در اینها امانت‌هایی هستند از خدا و به او عطا شده و ما از خدا هستیم و بسوی او رجوع می‌کنیم قبول خدا مالکی به معنای نفی مالکیت اعتباری و محدود نبوده و حد چنین مالکیتی را ولایت فقیه در هر شرایطی تعیین میکند."

در وجه قرب به خدا

ملاک در دست گرفتن کالا و نعمات

ولایت فقیه در جامعه از بالاترین مرتبه و قرب به الله برخوردار است. با این دیدگاه ولایت فقیه بیشترین صلاحیت را در حفظ استفاده از امانات خداوند، دارا می‌باشد. در جریان انقلاب، بنابه فرمایش امام از کسانی که خطشان در جهت ضد انقلاب بود، مصادره اموال بعمل آمد. یعنی از آنها که صلاحیت برای استفاده از نعمتهای الهی راند داشتند، سلب مالکیت شد و به مستضعفین و محرومین جامعه داده شد. خط امام مالکیت اعتباری را از آن کسی می‌داند که در جهت استقلال مبین اسلامی و آزادی قدس فعالیت داشته. فلسفه تشکیل بنیاد مستضعفین نیز بر همین اساس است.

این دیدگاه زمین راهم متعلق به خدا می‌داند و معتقد به توزیع زمین در بین افراد مستضعف، زیر نظر حکومت اسلامی می‌باشد. چنانکه امام می‌گویند: "حقوق حقه مردم محروم راکه عمری است مالکین و سرمایه داران بزرگ خورد و مانند به محرومین بازرس داده می‌شود." (۵۷/۱/۷) این تفکر بصورت دین "بندج" از طرف آیت ۱۰۰۰ منتظری، آیتا ۱۰۰۰ مشکینی و شهید بهشتی تحقیق یافت. اعمال ولایت فقیه بر جان و مال

از آنجائیکه امام قادر به هدایت و تغییر توده‌های مستضعف هستند می‌توانند در طی یک بسیج اصولی و عمل صالح بر جان و مال مومنین ولایت واقعی پیدا نمایند، که این حاکمیت و ولایت با پذیرش آگاهانه توده‌های فطری است نه اینکه تحمیلی باشد. امروز نیز می‌بینیم که هزاران رزنده مسلمان و جان برکف از دادن جان و مال خود در راه اسلام و امام در رخند ازند و فریاد می‌زنند "تا خون درگ ماست، خمینی رهبر ماست." "خمینی عزیزم، بگو تا خون بریزم." و این قدرت بسیج و تغییر انسانها الهی کردن آنها خود بهترین دلیل بر ولایت امام خمینی بر جان و مال است. البته مستکبرین ممکن است در مورد اعمال ولایت فقیه کراهتهایی نشان دهند که بدلیل حق بودن مستضعفین آنها هم تابع شده یا منزوی می‌گردند.

۴- ویژگی خط امام در روجه تشکیلات

نهادگرایی اسلامی (سازماندهی در طی حرکت)

ویژگی بارز سازماندهی و تشکیلات امام را در بسیج مرگ بسر

شاه و پیروزی انقلاب اسلامی دیدیم. سازماندهی اسلام، سازماندهی خود جوش در دل حرکت بود. عینیت این سازماندهی - هی را در حرکت جوانان مسلمان و عدل طلبی می‌توان دید که با تشکل در مساجد و ایجاد هسته‌های مقاومت سیاسی نظامی به رژیم ضربه زدند. کمیته‌های انقلاب اسلامی جوشیده ازین همین گروه‌های خود جوش مساجد بود. با این شیوه در طی یک بسیج اصولی و عمل صالح افراد نیازمند که در طی حرکت صلاحیتشان مسلم شده است، شناخته می‌شوند. در این شیوه افراد صالح امکان دستیابی به مسئولیتهای حساس را پیدا می‌کنند. این افراد چون در عمل صالح فعال بودند، منظوری حرکت شده و قادر به بسیج توده‌ها و تدابیر اصولی می‌باشند. نمونه بارز این سازماندهی شهید حسین فهمیده است که بظاهر هیچیک از ارگانها و نهادهای بطور رسمی عضویت نداشت ولی مرتبه‌اش در تشکیلات امام آنقدر بالا بود که امام او را رهبر نامیدند.

در مقابل این شیوه، سازماندهی در سگون مطرح می‌شود که در آن صلاحیت افراد جدا از عمل صالح و ممالکهای تخصصی و تجربه، مشخص می‌شود طبیعی است که این افراد چون از درون عمل صالح نجوشید و منظوری حرکت نمی‌باشند دینا - مینم لازم راند داشته و عملاً کارایی ندارند.

نهادگرایی اسلامی از ویژگیهای تشکیلاتی خط امام است که در همین شماره راه مجاهد تحت عنوان سازماندهی و مکتب مفصلاً توضیح داده شده. کمیته‌های انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی، بسیج مستضعفین، ارتش ۲۰ میلیونی، بسیج عشایری، سازماندهی امداد در جبهه‌ها و... همگی جوشیده از دل حرکت اسلامی و ضد سلطنتی، ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی است. بطور خلاصه نظریه تشکیلاتی خط امام همانا بوجود آمدن تشکیلات در دل حرکت عمل صالح است و چنانکه بنی صدر "باندگرا" تبلیغ می‌کرد، خط امام خط ضد تشکیلات نیست.

حزب الله، تشکل الهی

جریانی با استفاده از شعار "حزب فقط حزب الله" سعی در زنی وجود تشکیلات می‌نماید. باید بدانیم که، حزب الله یعنی تشکل الهی. اسلام بهترین تشکیلات را ارائه می‌دهد منتهم تشکیلاتی که الله بر آن حاکم باشد. تشکیلات وسیله ای برای تقرب به خداست. در دعای افتتاح آمده است: "اللهم انانوربک الیک فی دوله کریمه تعزبها الاسلام واهله واوله بها النفاق واهله" یعنی خداوند امام به توحش و نزدیکی می‌جویم از طریق دولت کریمه... در دعای افتتاح حتی خود امامت واحد هدف نیست بلکه "هدف تقرب به الله" و "پیاده کردن احکام الهی" است. آنهایی که غیر از خدای واحد چیز دیگری را هدف قرار می‌دهند، در نهایت به گروه‌گرایی و سازمان خدایی می‌رسند. امام در یکی از صحبتهایشان فرمودند: "با گروه‌هایی که مسلمان هستند و استقلال، آزادی جمهوری اسلامی را قبول دارند، تفاهم داشته باشید." امام معتقد به تشکیلات هستند که اسلام و پایبندی به اصول حاکم بر انقلاب اسلامی را ممالک خود قرار میدهند. حزب الله برخلاف آنچه عده‌های خط دارند می‌گویند، بدون خط و چند خطی نیست حزب الله برخلاف آنچه عده‌های باند باز می‌گویند ضد تشکیلات نیست. این حرفها برای آنستکه تشکیلات واقعی امام که همان "حزب اللواتع" است متلاشی شود.

همانطور که در انقلاب مرگ بر شاه و در مراحل جنگ اسلام و کفر دیدیم "گادرهای واقعی امام" یعنی "حزب الهی" های واقعی، تحلیل دارند، جناح‌های شناسند و در عمل صالح زمانشان فعال هستند. حرفهای امام و آیت الله منتظری را راهنمای عمل خود قرار می‌دهند و بدنبال کشف علق آن می‌روند، دوستان و دشمنان اسلام را می‌شناسند و در برابر ایلیسم مخفی کاری هم می‌کنند. بقیه در صفحه ۳۱

حضرت سید الشهدا به ما تعلیم کرد که: باید آنهایی که اهل مبارزه مسلحانه هستند، چه جور مبارزه بکنند و باید آنهایی

که در پشت جبهه هستند، چه جور تبلیغ بکنند

امام خمینی

بررسی و جمع‌بندی

مراحل جنگ اسلام و کفر

طوت حمله عراق به ایران :

با رشد انقلاب و صدور آن ، امریکا و متحدانش که منافع خود را در خطر میدانند از طسرق مختلف سعی می کردند انقلاب اسلامی ما را به سازش کشانده و با سرکوب نمایند . لذا مهمنم که در طول انقلاب امپریالیسم سعی داشت با تشبیت مهره های سازش کاره انقلاب را به سازش بکشاند که در این امر موفق نشد و از طرفی چون در مورد مسئله گروگان‌ها و حمله طس نیز شکست خورده بود تصمیم به حمله نظامی بوسیله صدام نفی شرقی نما گرفت . چنانکه در اسناد بدست آمده از لانس جاسوسی سولیمان سفیر امریکا در ایران گفته بود اگر جبهه ان افراطی خمینی حاکم شود باید به فکر سرکوبی بود سپس طسرق مختلف حمله به ایران را بررسی میکنند و بهترین راه را حمله ارتش عراق می دانند و سپس د و ارتش ایران عراقی را مقایسه می کند (از نظر مهمات ، نفرات و ...) تا با مقایسه این د و ارتش چگونگی جنگ را برآورد کند و اینکه این د و ارتش تا چه حد قادر به ادامه جنگ هستند .

طوت انتخاب عراق از طرف امریکا برای تهاجم نظامی به انقلاب اسلامی :

طوت اینکه امریکا عراق را برای رتاری با انقلاب اسلامی در نظر گرفت این بود که :
اولاً - رژیم عراق شرقی ناهوده و با شکل ضد امریکایی ولی با محتوای نفی که داشت (وابسته به کمپانیهای نفت) مورد انتخاب امریکا قرار گرفت .
ثانیاً - رژیم عراق تنها کشور منطقه بود که میتواند با حفظ ثبات و انسجام ظاهری خود در حمله و تجاوز به ایران پایداری داشته باشد در حالیکه کشورهای دیگر و همجوار ایران ایمن و بزرگی را ندا شتند . رژیم عراق ثبات ظاهری ، سیاسی ، اقتصادی نظامی و ... داشت .
ثالثاً - بافت امریکایی رژیم عراق ، که سولیمان بیشتر ازها از آن آگاه بود . عراق کشوری است که از نظر اقتصادی تک پایه و

وابسته به غرب است که تنسها صادرات عمده آن نفت می باشد از آن جهت هم وابسته به غرب است سیستم عراق نفی است پس هر سیستم دیگری که در این کشور وجود می آید در رابطه با پول نفت خواهد بود که همان پول شرکتیهای چند ملیتی است و در واقع عراق کشوری است که وابسته به شرکتیهای چند ملیتی (نفی) است (تملیحاتی بانکی و مالی) است که پیچیده ترین شکل وابستگی به امپریالیسم غرب است .
رابعاً - عراق نسبت به سایر کشورهای همسایه ، بهانه مسئله ارض شط العرب ، ناسیونالیسم عرب در خوزستان را داشت ضمن اینکه در داخل نیز بعلت شرقی نمایی هایش در بین گروهیهای داخلی ساده اندیش و بظاهرا مترقی پایگاه داشت در بین اعراب خوزستان نیز کار کرده بود و بطور کلی در منطقه قبلا نسبت به ماهیت رژیم عراق ساده اندیشی وجود داشت .

محورهای مقاله :

- ۱- علت حمله عراق به ایران
- ۲- علت انتخاب عراق از طرف امریکا برای تهاجم نظامی به انقلاب اسلامی
- ۳- مکانیزم حمله عراق به ایران
- ۴- ضرورت جمع بندی جنگ اسلام و کفر

مکانیزم حمله عراق به ایران :

قرار بود عراق همزمان با کودتا ی موسوم به نوره حطیات مرزی خود را تشدید کند و ارتش مجبور به پاسخگویی شود و سپس ده های از خلبانان کودتاچی با دگان نوره سوار فانتوم ها شده و برای سرکوب عراق بلند شوند که از آنجا مسیر خود را منحرف کرده و به بیت اسام و نماز جمعه ها ... رفته و ایمن نقاط را بمباران کنند و صدام نیز تجاوز خود را در خوزستان شروع کند . ولی خوشبختانه این کودتا چنان به علت ضربهای که خورده بودند مجبور شدند زودتر دستبکار شوند و کودتا شکست خورد . بعد از کودتا سپاه و کمیته ها برای دستگیری هر چه بیشتر شبکه کودتاچیان و نیز پیشین کودتا های دیگر دست به تشکیل هسته های نظامی محلی در شهرها زدند که موثر بود . تمام توطئه های نظامی که

امپریالیسم علیه انقلاب خونین ما کرده است شکست خورده و امروز بیشتر از د و سال از جنگ تملیاتی عراق بر علیه ایران مرگش زود سیستم روزیهای چشمگیری نصیب وجود می آید در رابطه با پول نفت خواهد بود که همان پول شرکتیهای چند ملیتی است و در واقع عراق کشوری است که وابسته به شرکتیهای چند ملیتی (نفی) است (تملیحاتی بانکی و مالی) است که پیچیده ترین شکل وابستگی به امپریالیسم غرب است .
رابعاً - عراق نسبت به سایر کشورهای همسایه ، بهانه مسئله ارض شط العرب ، ناسیونالیسم عرب در خوزستان را داشت ضمن اینکه در داخل نیز بعلت شرقی نمایی هایش در بین گروهیهای داخلی ساده اندیش و بظاهرا مترقی پایگاه داشت در بین اعراب خوزستان نیز کار کرده بود و بطور کلی در منطقه قبلا نسبت به ماهیت رژیم عراق ساده اندیشی وجود داشت .

مراحل جنگ اسلام و کفر :

- ۱- شروع مقاومت های مردمی
- ۲- مرحله جنگ و گریز
- ۳- مرحله تک محدود
- ۴- مرحله تک گسترده

و به شعار آزادی قدس از طسرق کربلا جاه عمل بپوشانیم . امید است که با رهنمود گرفتن از شیوه های اسلامی جنگ بتوانیم این شیوه ها را بارورتر کرده و در مرحله کنونی جنگ (مرحله کربلا) از آنها به بهترین وجهی استفاد کنیم و جمع بندی صحیح از تجربیا گذشته را فزا راه خود قرار دهیم
ضرورت جمع بندی جنگ اسلام و کفر :
دلایلی که ما را بران داشت تا به جمع بندی جبهه ها بپردازیم عبارتند از :
۱- از آنجایی که جنگ ، جنگ اسلام و کفر است بررسی و تحلیل آن میتواند کمک شایانی به رشد جامعه و حل مسائل انقلاب بنماید .
۲- دستاوردها و برکات جبهه ها اگر در دسترس نیازمندان و دلسوزان انقلاب قرار گیرد در رشد مثل در غرب در شهرهای قصر شیرین جنگ اسلام و کفر و گسترش شیوه های نفت شهره سرپل ذهاب و گیلانغرب

اسلامی جنگ در منطقه و داخلی مقاومت های صورت گرفت چنانکه مؤثر است .
۳- این حرکت پاسخی است به خون شهدا ، بخصوص شهدای جنگ اسلام و کفر زیرا این دستاوردها ارزشیهای است که شهدا بخاطرش خون دادند لذا برای پاسخگویی به شهدا لازم است این ارزشها ثابت شود .
۴- جمع بندی و تدوین تجربیات و حرکتیهای انقلابی در جبهه ها گامی است در جهت استقلال آموزش نظامی و تغییر بنیادی در نظام آموزش دانشکده های افسری - چر که ضرورت انقلاب و جنگ اسلام و کفر ایجاب میکند که دانشکده های نظامی ما بجای آموزش معیارها و شیوه های غیر اسلامی کلاسیک غرب آموزش واقعی را در جبهه های جنگ اسلام و کفر ببینند .
۵- ما با ایمان به اینکه این دستاوردهای با ارزش میتواند ما را در ادامه راه که همان مرحله کربلا - بی شدن جنگ است رهنمون باشد به جمع بندی مراحل جنگ سپردیم امید داریم که با این تفکر که دستاوردهای د و ساله جنگ و مراحل انرا (مقاومت ، جنگ و گریز تک محدود) میدهند

بهبوده و بیفایده بنداشته مبارزه شود .
لازم به توضیح است که این مقاله شد و با مقاومت شدید مردم خلاصه بخشی از دستاوردهای جنگ شهرهای مختلف بخصوص خونین که در جزوه دانشگاه اسلام جنگ شهر روبرو گشت بطوریکه مردم جان آمده است من باشد ضمن اینکه از کلبه رزمندگان خواستاریم که این مقاومت طفلی ۱۳ ساله جوشید که امام او را رهبر نامیدند که موجب تشبیت شیوه ها و ایثار گرانه و چریکی در جنگ شد . این مقاومت مردم خوزستان بخصوص مردم عرب بود که چپ نمایی عراق و ناسیونالیسم کمپ و وابسته او را افشا کردند و او که با شعار آزاد کردن مردم عربیه خوزستان حمله کرده بود و امید کمک از جانب مردم عرب را داشت بدلیل مقاومت همه جانبه مردم ناچار شد ماهیت واقعی خود را نشان داده و به سرکوب مردم و حتی اعراب نیز بپردازد مقاومت های دلیرانه دیگری در شهر های سوسنگرد ، حمیدیه و اهواز و بخصوص آبادان نیز صورت گرفت که مانع شد شهرها توسط کفار بعضی اشغال شود .

پس از تجاوز ارتش بعثی بداخل حال ایران مراحل جنگ برای دفع تجاوز کفار بعثی شروع شد که ایسی مراحل عبارتند از :
۱- شروع مقاومت های مردمی :
اوایل جنگ بدلیل عدم انسجام ارتش و سپاه و توطئه های داخلی و اینکه ارتش ما بتازگی یک کودتا بزرگ (نوره) را از سر گذرانده بود نیروهای نظامی مانعیتوانستند در مقابل ارتش مکتبزه عراق بایستند
بهمین جهت اولین مقاومتها در مقابل ارتش بعثی ، توسط مردم شهرها بود مثل در غرب در شهرهای قصر شیرین جنگ اسلام و کفر و گسترش شیوه های نفت شهره سرپل ذهاب و گیلانغرب

در گیلانغرب مردم در میدانهای ورودی شهر با آرپی جی هفت و تفنگ شکاری ، برنو ، بیل تکنگ و ... و شیوه های از قبیل باز کردن آب جلوی تانکهای دشمن پیشروی آنها را سد کردند و با منهدم کردن تانکها و زره پوشهای دشمن توسط آرپی جی هفت و آتش زدن آنها با بوته های آغشته به نفت و ... روحیه مقاومت خود را نشان دادند و این در حالی بود که جان برکفان اسلام بشدت از کمبود مهمات در ضیقه بودند و روی هر فشنگی حساب میکردند و بدین ترتیب اولین مقاومت مسلحانه با پشتوانه توده های را در غرب بنیان آزارند . شرکت و کمک مردم گیلانغرب نقش عمده ای در جلوگیری از پیشروی دشمن داشت و منجر به حفظ شهر و عقب نشینی دشمن و استقرار در کوهیهای مشرف به شهر گردید و بدین ترتیب اولین جبهه کشور در گیلان غرب بوجود آمد . رزمندگان اسلام بدنیال آن با یاری مردم در مقابل نیروهای عراقی مستقر گشتند و اولین جبهه خودی را تشکیل

مقاومت ، جنگ و گریز تک محدود) میدهند
بهبوده و بیفایده بنداشته مبارزه شود .
لازم به توضیح است که این مقاله شد و با مقاومت شدید مردم خلاصه بخشی از دستاوردهای جنگ شهرهای مختلف بخصوص خونین که در جزوه دانشگاه اسلام جنگ شهر روبرو گشت بطوریکه مردم جان آمده است من باشد ضمن اینکه از کلبه رزمندگان خواستاریم که این مقاومت طفلی ۱۳ ساله جوشید که امام او را رهبر نامیدند که موجب تشبیت شیوه ها و ایثار گرانه و چریکی در جنگ شد . این مقاومت مردم خوزستان بخصوص مردم عرب بود که چپ نمایی عراق و ناسیونالیسم کمپ و وابسته او را افشا کردند و او که با شعار آزاد کردن مردم عربیه خوزستان حمله کرده بود و امید کمک از جانب مردم عرب را داشت بدلیل مقاومت همه جانبه مردم ناچار شد ماهیت واقعی خود را نشان داده و به سرکوب مردم و حتی اعراب نیز بپردازد مقاومت های دلیرانه دیگری در شهر های سوسنگرد ، حمیدیه و اهواز و بخصوص آبادان نیز صورت گرفت که مانع شد شهرها توسط کفار بعضی اشغال شود .

جمع بندی مرحله مقاومت و ارتقا آن به جنگ و گریز (مرحله اول جنگ های چریکی) :
۱- ایمان آوردن مردم و رزمندگان به نیروی مقاومت خود شان بعنوان عامل اصلی شروع جنگ چریکی .
۲- شیوه ها و عواملی که در شکل گیری جنگ چریکی موثر واقع شد بقرار زیر بود :
الف- وجود شیوه های مردمی بقیه ر صفحه ۳۳

راه مجاهد کدام است؟

راه مجاهد راه خدا، قرآن، خمینی است.

«بررسی شیوه‌های حکومتی»

ایمان به نظم واحد جهان

شیوه حکومتی خدا بر مردم "شیوه امامتی"

از تجلیات توحید و ایمان به
خدای واحد، ایمان به نظم واحد
جهان است که این ایمان و این
نیاز، ویژگی پادشاهان است.
فطرتی که به نظم واحد جهان
مومن باشد هیچگونه بی‌نظمی
نظور و یا عدم انسجامی را در نظم
عالم نمی‌پذیرد. مارتی فی‌الخلق
الرحمن من تفاوت فارغ البصر
هل تری من فطور؟ در اینجا قرآن
استدلال می‌کند که در نظم عالم
اختلافی و یا عدم انسجامی نیست.
تحقق انسجام طلبی و ایمان
بعظم واحد جهان را در انسان
بخوبی می‌توان مشاهده کرد.
بعنوان مثال هر انسانی معتقد
به هر مکتبی که باشد می‌خواهد
کتابی را که مطالعه می‌کند منسجم
و منظم بوده و در آن تناقض نباشد
و یا اینکه هر کس در زندگی به دنبال
افراد صادق می‌گردد، یعنی کسی
که در رفتار و گفتارش تناقض نباشد
و یا می‌خواهد مکتب و ایدئولوژی
را که قبول دارد منسجم بوده
و دارای تناقض نباشد، و بدین
ترتیب است که فلسفه‌های دینی
و یا چند بنی انسان را از راه راست
که مطابق نیازهای اصلش است
منحرف نموده و به دوگانگی
می‌گشاید. بنابراین فطرت انسجام
طلب و مومن به نظم واحد جهان
به چیزی کمتر از قانون واحد
(قرآن) و نظم واحد قانع نیست.
ایمان به است واحد

از دید ایمان تا کنون ایمان به
حکومت واحد و ایمان به است واحد
که از تجلیات مستقیم توحید در هر
انسانی است وجود دارد که این
اعتقاد در مذاهب و فرقه‌های
مختلف به انحای گوناگون خود را
نشان داده است و در مذاهب ما
بصورت ایمان فطری به جامعه توحیدی
امام زمان (عج) است که برقرار
کننده قسط و عدل می‌باشد.
است واحد و امام زمان (عج)
می‌دانیم که تمام پدیده‌ها در
مبنی حرکت تکاملی بجانب خدا
هر يك مراتبی از جلوه حقیقی
می‌باشند و هر پدیده‌ای به میزان
بر خورداری از نور الهی رشد
یافته‌تر و متکامل‌تر می‌گردد و مقام
بالا تری را در نظام هستی داراست.
می‌بینیم که مراتب رشد در تمام
پدیده‌ها از حیوانات و فلزات و غیر
فلزات و خلاصه در همه جاهست.
مثلاً همه هیدروژنهای عالم گر چه
در ظاهر شبیه هم هستند ولی
مراتبشان با هم فرق دارد و بین
تمام این مولکولها يك مولکول است
که در راس همه قرار دارد و منظوی
دیگران است.
در بین پدیده‌ها انسان
خلیفه‌الله از بالا ترین مرتبه
وجودی برخوردار است و بالا ترین
سعه و بهره را از هستی دارد
و بدین ترتیب خود منظوی
و در بر گیرنده پدیده‌های دیگر نیز
بقیه رصفحه ۳۲

و تبیین این مسائل را ایده آلیستی
می‌نامد و در حول و حوش تجربه
تا حد معینی تجرید و تعمیم
می‌کند، بدون دلیل به ماده ازلی
و ابدی معتقد است و اینرا جزو
ارکان ماتریالیسم می‌شمارد. با چه
تجربه علمی توانسته است تا چنین
مرتبه‌ای پیش رود؟ آیا با شناخت
انعکاسی چطور می‌توان در مورد
ازلیت و ابدیت حکم کرد و آنرا قبول
و یا نفی کرد؟ آیا این دال بر
پاسخ دادن به ندای فطرت
خداجوی انسان نیست که بدنبال
حقیقتی ازلی و ابدی می‌گردد؟
۶- حاصل بقا ماده و انرژی می‌گوید
هیچ چیز خودی خود موجود نشده
و معدوم نمی‌شود بلکه شکل خود را
عوض می‌کند که در حقیقت واقعیت
ازلی و ابدی بودن را پذیرفته است.
۷- نظریه وحدت جهان معتقد
است جهان دارای يك پیوند واحد
است منتهی این وحدت را مادی
می‌داند.

از آنجائیکه وحدت جهان را
می‌پذیرد تن به واقعیتی داده‌اند
منتهی مادی دانستن این وحدت
توجه‌گرا است، که انسان را به
گفرت می‌اندازد.
وجود نه قابل اثبات است و نه
قابل انکار و همانگونه که ما
خورشید و ستاره‌ها را بدون دلیل
می‌پذیریم و هیچگاه در صد اثبات
ماه برنی‌آئیم به همین ترتیب هیچگاه
خدا را ثابت نمی‌کنیم.
فطرت خدا جو حاضر نیست از
حقیقتی کمتر از خدا به خدا برسد
و یا عبارت دیگر حاضر نیست با
واسطه به خدا برسد و یا از طریق
تجربه و علوم تجربی مثل فیزيك و
شیمی یا از طریق علم آمار و احتمالات
یا از طریق منطق‌های بشری
(منطق ریاضیات، ارسطو-
دیا لکتیک و علم) به خدا برسد و
حاضر نیست خدا را با ذهن
محدود خود تعریف و یا اثبات
کند، چرا که قبل از راه مادی به
خدا آن چیزی را که اصل و بدیهی
فرض می‌کند همان، حجابی بین او
خدا می‌گردد و منحرفش می‌کند.
فطرت خدا جو ضمن دست‌های
به وجود به صفات خدا هم ایمان
دارد و خدا و صفات خدا را مبنای
استدلال و فهم و تفقه خود قرار
می‌دهد و این محکمترین استدلال
است. ببینیم یوسف صدیق چگونه
مستقیماً و بلاواسطه به خدا
و وحدانیت و سپس قهاریت خدا
رسیده است و به رفیق هم بنفش
می‌گوید "أرأب متفرقون خیر
إم الله الواحد القهار" ای دوست
زندانی، خدای واحد قهار بهتر
است یا ارباب متفرق؟

واحد بوده است و هر کس و هر قوم
یا دسته‌ای ادعا داشته است که
حق است و حقیقت را منحصر به خود
میدانسته است و بدین ترتیب از
مؤمن و منافق تا کافر در نظر ایمان
به وجود واحد (حقیقت) شك
نداشته‌اند و هر کس بخواهد این
وجود را نفی کند باید آنرا قبلاً
بپذیرد. همزمان با قبول وجود
، قبول می‌کنیم که وجودی است واحد
، ثابت و مطلق و کمال مطلق و حاکم
بر پدیده‌ها و عامل وحدت جهان
نظری به مکاتب مختلف نشان
میدهد که هر يك بنحوی یکی از
صفات خدا را قبول دارند و بدین
ترتیب هیچکس در اصل وجود شك
نکرده است.
۱- "مادیون" در تعریف ماده
آنرا يك مقوله فلسفی می‌دانند. در
این مکتب که همه چیز با هستی از
طریق حواس و تجربه دریافت شود
خود واقعیت‌ماده را مقوله‌ای فلسفی
و مستقل از این محسوسات می‌دانند
چرا باید به واقعیتی مومن بود که
نمی‌توان از طریق تجربی یا علمی
برای آن تعریفی نمود؟ حتی
نمی‌شود آنرا تصور کرد، این خود باور
بدون دلیل و جسی از حقیقت وجود است
۲- معتقدین به دیا لکتیک
می‌گویند که همه پدیده‌ها در حال
حرکت و تغییر و تکاملند غیر از اصل
حرکت که مطلق است. در بطن این
استدلال هم ایمان به اصل ثابت
نهفته است و هم ایمان به اشیاء
متحرک، که باید پرسید این اصل
مطلق حرکت يك مطلق ذهنی است
یا مستقل از ذهن؟ اگر مطلق
ذهنی باشد که مشمول حرکت است
و از مطلقیت می‌افتد و اگر مستقل از
ذهن باشد همان چیزی است که
می‌گوئیم بشر همواره به دنبال آن
"حقیقت ثابت" بوده است.
۳- معتقدین به دیا لکتیک
می‌گویند که همه چیز جهان
تضاد یافت می‌شود بجز در اصل
تضاد. در بطن این استدلال نیز
همانند استدلال بالا ضمن اعتقاد
به تضاد به "حقیقت بی تضاد" نیز
معتقدند.
۴- از آنجا که شناخت ما از دور
هسته‌ایم هر روز بیشتر می‌شود و
تا کنون ذرات بنیادی زیادی در
دورن‌اتم کشف شده است، اخیراً
واژه‌ای بنام "ایده پایان ناپذیری
ماده" بنا شده که بدین ترتیب
"پایان ناپذیری" را قبول کرده است.
منتهی نسبت دادن این
پایان ناپذیری به ماده امری
است نادرست.
۵- مکتبی که در بسیاری از
مسائل آینده جامعه وارد نمی‌شود

شیوه‌ای است که در طول تاریخ،
انبیا و مستضعفین برای تحقق آن
جان باختند. این
این شعار "پر شعور" خدا، قرآن،
خمینی (منطق شهیدای زنده و زنده‌تر
انقلاب است، یعنی با هستی حاکمیت
خدا را در آیات قرآن و تحقق آیات
قرآن را در شیوه‌های امام
بطور مستمر و لحظه به لحظه ببینیم،
امامی که منظوی و در بر گیرنده
است و مستضعفین باشد، که این،
همان حکومت خدا بر مردم است.
این، همان حکومت قانون (قرآن) بر
مردم است که در کتابولا بیت فقیه
امام خمینی نیز آمده است. در اینجا
می‌بینیم که ملاک مردم منافع فردی و
طبقاتی نیست، ملاکشان این نیست
که از موضع زبانی (منافع فردی یا
گروهی) به مرجعیت برسند و آنگاه
آیات قرآن را به رای خودشان
تفسیر کنند و یا بخدای مخلوق‌زهن
و مستکبر پرور مومن شوند، بلکه
می‌گویند که از خدای فاطر و آفریننده
باید به قرآن رسید و از آیات
قرآن به کمک ملاکهای توحیدی
توجه‌گیری کنیم و با توجه به این
آیات به رهبر برسیم. مشخصات
رهبر در آیات قرآن و روایات
گفته شده است و تاکید می‌کنیم که
تنها راه ورود به قرآن و توحید-
گیری از آن را "منطق توحیدی"
میدانیم نه اینکه کلید فهم
قرآن را "منطق ریاضی" بدانیم
یا "منطق دیا لکتیک" یا "علم
کلاسیک" و یا "منطق یونانی-
ارسطو" که مینا و دانش بنیادین
علوم است، که به یقین این منطق‌های
بشری حجابی بین ما و قرآن
می‌گردند.
چگونه شعار "خدا، قرآن، خمینی"
منطق شهیدای انقلاب می‌شود؟
فطرت خدا جو
از دیدگاه اسلام (قرآن و عترت)،
همه انسانها خدا جو بوده و نیاز
به کمال مطلق دارند. (رجوع
شود به کتاب مبنای وجود). فطرت
خدا جو در طلب خدای واحد است
و مصداق آیه شریفه "فی الله شك
فاطر السموات والارض" (سوره ابراهیم
آیه ۱۰) در وجود خدا و اصل
واقعیت هیچ شکی نمی‌توان کرد
و شكاك ترین شكاکان نیز در گوشه‌ای
که برای نفی این واقعیت واحد
مستقل از ذهن و حاکم بر پدیده‌ها
بکار برده‌اند ناخود آگاه آنرا قبول
کرده‌اند. آنجا که برای نفی وجود
می‌گویند "ادراکات بشر اشتباه
می‌کند و جهان پوچ در پوچ است"
در واقع حقیقتی مستقل از ذهن
را بطور فطری قبول کرده‌اند که
می‌گویند ما آن واقعیت را اشتباه
درک می‌کنیم. در واقع بشر در تمامی
طول تاریخ در طلب این حقیقت

بنام خدای شهیدان
بررسی شیوه‌های حکومتی (۳)
راه مجاهد راه "خدا، قرآن، خمینی"
در دوشماره قبل (راه مجاهد
شماره ۱۳۶۰) گفتیم نظر به اینکه مسئله
امامت و رهبری از ارکان اصلی
انقلاب اسلامی است و وظیفه مکتبی
تمامی نیروهای مومن به انقلاب
اسلامی است که موضع قاطع روشن
خود را راجع به این اصل مقدس و
تعیین کننده روشن کنند، بدین
لحاظ بر آن شدیم تا با مشخص
کردن موضع خود راجع به این
اصل انقلاب اسلامی، گامی بسوی
وحدت عالیتر گروهها و سازمانها
و جریانهای رزمنده معتقد به رهبری
امام خمینی برداریم.
گفتیم که "راه مجاهد" راه "خدا
، قرآن، خمینی" است و اینکه سایر
شیوه‌های حکومتی هیچکدام
نیستند پاسخی صحیح به نیاز
انسان که همان تحقق جامعه قسط
و عدل امام زمان (عج) است بدهند
و فقط شیوه "امامتی لا ینفک از توحید"
است که میتواند چنین نیازی را
بر آورده کند و در این راه شیوه‌های
حکومتی مختلف را در سه محور
زیر توضیح دادیم:
۱- حکومت فرد بر مردم
۲- دیکتاتوری و استبداد فردی
(راه مجاهد شماره ۵)
۳- حکومت مردم بر مردم
۴- دیکتاتوری بورژوازی و اصطلاحاً
دموکراسی غریب (راه مجاهد شماره
۵)
۵- حکومت طبقه کارگر بر مردم
(دیکتاتوری پرولتاریا)
(راه مجاهد شماره ۷)
حکومت خدا بر مردم (شیوه امامتی
یا دموکراسی مکتبی)
چرا "خدا، قرآن، خمینی"؟
برای بررسی "حکومت خدا بر
مردم" از قیامهای مستمر توده‌های
شعبات طلبو شعارهای
مکتبی شان الهام بگیریم. از بین
شعارهایی که از دل دردمند
شهیدای زنده و زنده‌تر می‌جوشید
عبارت "این است شعار مکتبی-
خدا، قرآن، خمینی" جلب
توجه میکند و در می‌یابیم که این
شعار بیانگر واقعیتی است در
انقلاب که تنها و تنها با منطق
خود آن یعنی منطق توحیدی
فطرت و به روش صدیقین قابل
درک و شناسایی است. این شعار
بیانگر جوهری است که شیوه حکومت
و سیستم اجتماعی خاصی را نشان
می‌دهد که با سایر شیوه‌های
حکومتی تضاد بنیادی دارد و همان

ریشه یابی و تحلیل یک گروه عافیت طلب (۲)

بسم الله الرحمن الرحيم

در شماره گذشته گفته شد: جوهر توطئه های ابرهه ایلم در سده اخیر خروج خط جدایی سیاست از دین بوده است. بوسیله آن راه نفوذ غربی تفت و تفرقه در مسلمین، وابستگی و سگسوت و سازش با استعمارگران باز می شود. گروه عافیت طلب نیز در این خط حرکت میکرد که سیر آنرا کتیم. این تفکر حوزه سیاست، اقتصاد، سازماندهی و مبارزه را جزو مسائل علمی و جدا از حوزه دین میدانستند. آنها ابتدا علم قرآن را در ذهن اصل داده و تلاش میکردند اسلام را با آن تطبیق دهند. از همین طریق با غرب سخت پیدا میکردند که اینها در روش زندگی رفاهی و نحوه شغل، در روشهای تشکیلاتی، در شیوه کار اطلاعاتی، در شیوه تبلیغ، در جد اشهرن خط منی از ایدئولوژی و در نفوذ در نظام شاهنشاهی و... بررسی کردیم و ضربه آنرا در نهضت اسلامی و شرایط فعلی تاحدی نشان دادیم اکنون دنبال مطلب

در سینه کنار زدن مکتب اسلام و قرآن از صحنه سیاست و اجتماع و مبارزه و اقتصاد و سازماندهی بصورتی گسترده و وسیع انجام گرفت. این توطئه اغلب تحت پوششهای خدا پسندانه و بظاهر حقیق ترویج میشده است. بقول قرآن "زین لهم الشیطان ما کانوا یعملون" آنچه را میکردند شیطان برایشان زیبا آراست و جلوه نمای حق داد. جریان مزبور نیز عدم شرکت در براندازی رژیم سلطنتی و بی تفاوتی در قبال جنایات شاهرا بترتیبی توجیه کرده و با شکل زینت میدادند:

الف - تحت لوای دفاع از حریم ولایت

ب - تبلیغ نام و یاد امام عصر (عج)

ج - آنهايي که امام زمان (عج) را قبول ندارند و منکر میشوند و اشکال تراشی میکنند از هر دشمنی خطرناکترند.

د - سیاست پد روماد رند ارد.

ه - مبارزه فایده مند دارد، مشروطه که شکست خورد، نهضت ملی نفت شکست خورد، قیام ۱۵ خرداد هم که شکست خورد، مبارزه در نهایت به جانی نرسید و فقط نیروها تلف میشود و هرگز میسرود.

(انه لا یالیس من روح الله الا القوم الکانون از رحمت خدا جز کافران مایوس نمیشوند)

و - یا اینکه آنها که مبارزه کردند آخرش منحرف شدند و دست از امام زمان (عج) شستند.

و قیاسهای شیطانی دیگر

با این زینتها و جلوههای بسیاری افراد مذهبی را که به امام زمان (عج) و تبلیغ اسلام علاقه داشتند بخود جلب و آنها را از عمل صالح زمان بازداشتند. برای آموزشهای خود و تبلیغ افکار خود از مراجع و روحانیون تأییدیه هم میگرفتند و با خط فوق الذکر کار ساز میگردند. لذا این گروه انشایی بود موهستند که با گمان دفاع از مکتب اسلام و امام زمان (عج) این خط را دنبال کرده اند.

حوزه دین - حوزه غیر دین

این تقسیم بندی امور که يك حوزه برای "دین" و "خدا" و "وحی" و "امام زمان" و "قرآن" و "عبادت" قائل باشیم و سلك حوزه برای "سیاست" و "اقتصادیات" و "مبارزه" و "سازماندهی" و "مدیریت" ناشی از يك دیدگاه انحرافی و ایدئولوژی خاصی من در آوری است. تازه اگر امام زمان (عج) را از قرآن و عسوت جدا نکرده باشد استقلال قائل شدن برای "علم" و "سیاست" و "سازماندهی" و... ما را مجبور میکند رهبری غرب را در این

زمینهها پذیرفته ولذا برداشتهای دینی و اعتقاد اتمان نیز غیر گرایانه خواهد شد.

ریشه عافیت طلبی هم همین است که ما "علم" و "مبارزه" و "سازماندهی" و "غیره" (راه بشر) را از راه خونبارانیسا و اثم اظهار جد اکنیم و در وادی عقل حسابگر و دنیوی بیفتیم.

این تفکر زمینه اقتصاد نفت معتقد است که نفت یک کالای تجاری است و هر کس بخرد و بعمد ارز بدهد باو میفروشیم. حال میخواهد خریدار شیطان بزرگ باشد یا شیطان کوچک و دیدیم که خود آمریکا هم نفت را یک کالای تجاری ندانسته بلکه نفت را یک کالای سیاسی میداند. وقتی دانشجو مسلمانی را به خط امام به لانه جاسوسی حمله کردند، آمریکا خرید نفت را از ایران قطع کرد. تعجب اینجاست که آمریکا نفت را یک کالای سیاسی میدانند در حالیکه این تفکر نفت را یک کالای تجاری قلمداد میکند.

البته شهید رجایی و سایر مسئولین جمهوری اسلامی به رهبری امام نفت را یک کالای سیاسی ایدئولوژیک اعلام کردند که نور امید را در دل مستضعفین مشتاقان آزادی قدس زیاد تر نمودند.

بوداشت گروه از مسئله ولایت

اکنون به بررسی یکی از اعتقادات این گروه میپردازیم: این جریان در بین اعتقادات اسلامی به مسئله ولایت و مهدویت و امام زمان (عج) توجهی خاص و چشمگیر کرده خود را مدافع حریم ولایت حضرت حجت (عج) میشمرد تا آنجا که پاسداری از حریم ولایت را در انحصار خود میدانند. که بسیاری از مذہبیون نیز با يك شناخت سطحی چنین نقشی به آنها میدهند.

حزب توده نیز در تبلیغ خود تنها خود را مدافع حقوق طبقه کارگر دانسته و منافع طبقه کارگر را در انحصار خود میدانند و لسی عملکردش ۱۰۰٪ متاسفانه بعضی مذہبیون به غلط چنین قلمروی را برای آنها برسمیت می شناسند و اگر کسی از مستضعفین کارگر دفاع نماید مارک کموست و کسودهای میخورد.

اسلام راهنمای عمل

برای شیعیان آن حضرت آنچه ضروری است اینک از مسئله فیهت امام تبیین مکتبی داشته و نقش آن حضرت را در حرکت اجتماع در ریافته و در جهت آن و پیوند با سازماندهی آن حضرت حرکت کنند و از چپ و راست افتادن بر حذر مانند.

آنچه در اسلام اصالت دارد صرفاً اثبات و قبول ظاهر خدا و قرآن و امامت نیست بلکه خدا و قرآن و امامت بایستی در زندگی و شیوه و عملکرد هایمان هدایت مستمر خدا و قرآن و امام زمان را دیده و آنرا راهنمای عمل قرار داد.

وگرنه بن بستى که بهرام آرام در سازمان مجاهدین رسید اجتناب ناپذیر است، که میسرید: اگر خدا و قیامت را قبول نداشته باشیم در سازماندهی و شیوه مبارزه و مقاومت در زیر شکنجه و خط مشی چه تغییر و تائیری حاصل میشود؟

اکنون نیاز رزمندگان جبهه هاست که نحوه هدایت مستمر خدا و امام زمان (عج) را در حرکت انقلابی بپذیرند. قبول لفظی رهبری امام خمینی نیز کافی نیست. سید کاظم شریعتی هم پس از شکست کودتا میگوید از ازل انقلاب رهبری امام خمینی را قبول داشته است.

جریان فوق از مسئله غیبت امام زمان و از سیستم امامت و رهبری تبیین زیر را دارند که:

- ۱- با ملامک قرارداد علوم غریبی سعی دارند به تبیین سیستم امامت در اسلام بپردازند.
- ۲- با ملامک قرارداد دین دموکراسی غریبی و استثنای زدن به

آن میخواهند ولایت فقیه را نتیجه گیری کنند. ۳- میخواهند "راه بشر" را مبنا قرار دهند و "راه انبیا را استثنا" و پدیدهای خاص بدانند که فقط در شرایط سخت و استثنائی بدر میخورد. در این شیوه از هدایت مستمر خدا و قرآن و امام زمان خبری نیست. البته در متد لوزی علی هر استثنائی يك قاعده دارد.

رجوع میکنیم به کتاب سپیده امید از انتشارات کوکب چاپ (نیمه شعبان ۱۴۰۱) بهار ۱۳۶۰ صفحه ۷۵ تا ۷۷ - رهبری در غیبت:

(۰۰۰۰) دوهزار سال بعد از موسی، این مسئله هنوز آفتد رها تازه بود که ف و تایلور ناچار شد آنرا به صورت فورمولی (برای مدیریت سازمانهای اداری) در آورد و آنرا "اصل استثناء" بنامد. "اصول سازمان اداری" تألیف ل. اوردیک ترجمه سیرو مریهرام (۰۰۰۰)

"تفویض اختیارات" بحثی است که در هرگونه رهبری مطرح میگردد. رهبر در صدر، به امور مهم سازمان میپردازد و موارد کوچک را به باکفایتان از مردم می سپارد، تا به اندیشه و برداشت خوش و با توجه به کلیات کار و سخنان رهبر و اصول و مبادی طرح شده طرح هارا به انجام رسانند و کار را بسط دهند و سیطره آنرا به همه جابکشانند. ۰۰۰۰

..... پس از جنگ جهانی دوم، نظریه علمای فن مدیریت سازمانهای اداری "بکلی دگرگون گردید، و شیوه جدید تفویض اختیارات، عملی گردید از اینرو تحولات عمیقی در طرز فرماندهی و نظارت و چگونگی مدیریت سازمانهای عمومی و خصوصی بوجود آمد که آثار آن اغلب در مؤسسات امروزی به خوبی مشهود است. ۰۰۰۰

"اصل استثناء" بعنوان فرازی مهم از قانون کلی "تفویض اختیارات" نشان میدهد که چگونه می توان گستره رهبری را در ابعاد گوناگون توسعه داد. و با این روش، مسئولیتی مشابه مسئولیت رهبر را به مردمی کار دان سپرد، تا آنان رهبری انسانها را بدست بگیرند و در موارد گوناگون مشکلات را از راه ایشان بردارند و راه صواب را بدیشان بنمایند و تنهادر "استثنائات" و موارد اشکال اساسی که خود ناتوان می مانند به "رهبر" مراجعه کنند. ۰۰۰۰

ریشه عافیت طلبی هم همین است که ما علم و مبارزه و سازماندهی و غیره (راه بشر) را از راه خونبارانیسا و اثم اظهار جد اکنیم و در وادی عقل حسابگر و دنیوی بیفتیم.

نسبت باین جمع بندی نکات زیر بنظر میرسد:

۱- برای تبیین غیبت امام زمان (عج) و تبیین سیستم امامت در مکتب اسلام به سراغ سیستمهای غریبی رفته و سپس چنین نتیجه گرفته که همان سیستمی که در علم مدیریت غریبی و تایلور - هارسیدهاید سیستم رهبری امام عصر (عج) هم به سر آن منطبق است. و باین ترتیب مسئله غیبت و امامت را برای افراد گروه و غریبزدگان و علم گراها، غیر خرافی و حتی مطابق با سیستمهای غریبی جلوه دهد.

۲- "اصل استثناء" در مدیریت غریبی تلفیقی است از دموکراسی غریبی با سانترالیسم و دیکتاتوری. روشهای دیکتاتوری و اطاعت مطلق از مافوق (سیستم متمرکز) عملاً به پس بست رسیدند. روابط بوروکراتیک و کفایت بازی آن جلوه گرگونه انجام کار و سرعت عمل را گرفته و تمامی کارها در مرکز تراکم می یافت. در غرب برای خروج از بن بست سیستم تلفیقی فوق را برگزیدند تا از تمرکز در بالا کاسته شود. و اوخر در نظام شاهنشاهی هم نحوه اداره و تشکیلات کشوری مورد اختلاف بود. و برخی بهمین "اصل استثناء" رسیده بودند. شورسین - های رستاخیز معتقد بودند در محدودهای کار مردم را به مردم واگذازم "سیستم غیر متمرکز" و در مسائل عمد مومشکلات اساسی به مرکزیت رجوع کنند. طرح انجمن شهری و شورای شهر واداره واحد ها و شعبات حزبی نیز بهمین روش بود که آنها هم برای نظام شاهنشاهی طرفی نیست. و حالا بعنوان آخرین تجربیات علمی از طرف گروه فوق دوباره مطرح میشود.

براهیم و لایق فقیه قسمت اول

بسم الله رب الشهداء

به علت نیازمندی عامه مردم نسبت به مسئله ولایت فقیه و همچنین اصل یا حکم بودن آن، برآن شدید تسلیم مجموعه نظریات که در این موارد چه به صورت مکتوب و چه غیر مکتوب موجود است را در حد امکان در راه مجاهد بیابیم تا وسیله تحقیقی باشد برای پیوندگان راه حق

الف) اصل یا حکم بودن ولایت فقیه در کتاب نظام امامت و رهبری نوشته آیت الله صافی میخوانیم:

"مسئله امامت از مسائل مهمی است که علاوه بر آنکه خود اصل است با سایر عقاید اسلامی مرتبط است و مخصوصاً از اصل توحید که مصدر اصول دیگر است مایه و اصل است میگیرد و عقیده به توحید در ابعاد و اقسام متعددی که دارد خود بخود عقیده به نظام الهی امامت را طبق برداشتی که شیعه از آن دارد فرا میگیرد و میزان و معیار در تشخیص هر عقیده اسلامی این است که به منبع صافی و زلال عقیده توحید اتصال داشته باشد"

در صفحه ۲۲ همین کتاب میخوانیم "اساس نظام امامتین واقعیت و حقیقت است که مالک همه حاکم و سلطان بر همه و صاحب اختیار واقعی و حقیقی همه در همه چیز خداست حکومت مختص اوست، و هیچکس بدون اذن او حق حکومت ندارد و حتی در منطقه وجود خویش نیز در حدود اذن او اختیار و حق مداخله ندارد"

آیتالله حائری شیرازی در سلسله درسهای خود در دانشگاه تربیت معلم در قبال این سوال که ولایت فقیه جز اصول دین است یا فروع دین میگویند:

"..... این (ولایت فقیه) محل تلاقی هر دو است یعنی وقتی از طریق توحید، معتقد به یک ولایت شدی، ولایت رسول را از طریق ولایت الله پذیرفتی و ولایت رسول و ولایت الله را در خط ولایت رسول و ولایت الله پذیرفتی و ولایت فقیه را درست در خط ولایت گزفتی بعدش نماز میخوانی یعنی قبل از نماز خواندن بسایند فقیهات روشن شود، بعد نماز میخوانی مگر شما در امر تقلیدتان اول نماز را میخوانی بعد تقلید میکنی یا اول تقلید میکنی بعد نماز میخوانی کدامشان است، مسائل نماز را اول درست میگوید بعدش میخوانی یعنی شما این اصول

عقیدهتان زمانی برای شما تمرین بخش است که شما در خط ولایت فقیهتان باشی این میوه درخت است این نتیجه اصل توحید و نبوت و امامت است وگرنه چگونه ممکن است شما معتقد به امامت باشی و ولایت فقیه را رعایت نکنی معنی آمدن در خط ولایت امام یعنی آمدن در ولایت فقیه امام خودش در ۱۴، ۱۵ سال قبل گفت: اگر کسی ولی فقیه شد و تصور مقابلش موضع گرفت و ولایت بین تو و خدا منعقد نمی شود و شرط انعقاد ولایت بین فرد و خداوند این است که در مقابل این ولایت نایستد"

در صفحه ۶ کتاب امامت از سلسله درسهای حجة الاسلام قرائتی تحت عنوان "امامت از اصول دین است" میخوانیم:

"خدا پیامبر را تهدید میکند که اگر در معرفی و نصب جانشین بحسب کوتاهی کنی و به خاطر محافظه کاری و وحشت از کارشکنی بعضی منافقان سهل انگاری نمایی رسالت الهی را ابلاغ نکرده ای ما از آهنگ تهدید آیه و وابستگی تمام ابلاغهای رسول اکرم به بیان و نصب جانشین می فهمیم که امامت از اصول دین است" (۱)

در قسمتی از کتاب پیرامون ولایت فقیه خط حاکم بر سپاه میخوانیم:

"مسئله ولایت فقیه از مسئله حضرت صاحب الزمان (عج) ارواحنا له الفداء جدا نیست و بدون توجه و در نظر گرفتن این سخن از آن دیگری باطل و عیب است"

و در صفحه ۶۵ میخوانیم:

"نماینده امام معصوم علیه السلام به اعتبار وجود شریف امام قابل اطاعت بوده و مقبولیت و سندیت خود را کسب می کند"

با ولی فقیه و پذیرش عامه؛ در کتاب نظام امامت و رهبری نوشته آیت الله صافی میخوانیم:

"حکومت انتخابی بر اساس پذیرش اعتبار اکثریت آراء از سوی همه نظامی است که مانع از استبداد فردی شمرده شده است و به اصطلاح حکومت مردم بر مردم است و مبنایش اصلت خود انسان و جدا بودن سیاست از روحانیت و دین از دنیا نیست"

بطور معاشات و جدل و برای اتمام و اثبات حقانیت حتی طبق رای عقیده طرف است و لا در اسلام غیر از نظام امامت نظام دیگری مطرح نیست که امتداد زمانداری و ولایت پیغمبر است و همانگونه که در حیات پیغمبر غیر از زمانداری آن حضرت نظام دیگری قابل طرح نبود بعد از پیغمبر نیز همان نظام و همان ولایت ادامه میابد در ادامه این بحث میخوانیم:

"اگر گفته شود که اساساً آیات شورا دلالت بر چیزی دارد که از آن به حاکمیت عملی تعبیری شود و بنا برآن مردم مختارند هر نوع حکومت و هر کس را بخواهند به رهبری با اکثریت انتخاب نمایند جواب داده می شود که چنانچه بیان کردیم تعیین نوع نظام و رهبریت مورد مشورت قسراً نیگیرد چون مسئله است که از جانب خدا معین شده است چنانکه سایر اصول و احکام اسلام نیز در مشورت گذارده نمی شود و اما مسئله اکثریت نیز به نحوی که در زمان ما مطرح است که اصولاً ملاک و معیار آن اصل حکومت و تمام برنامه ها و قوانین رای اکثریت است، علاوه بر معایب بسیاری که دارد شرعی نیست و اینگونه

اکثریت که در همه جا ملاک و معتبر باشد، بر حسب آیات متعدد در قرآن بی اعتبار است..... اما شوراها بگونه ای که در برابر رهبر نظام حق اخذ تصمیم داشته باشند یا اکثریتشان معتبر باشد و رهبر ملزم به اجرای نظر آنها باشد اگر چه خلاف آن بر او روشن باشد در اسلام نیست"

در صفحه ۴۴ همان کتاب میخوانیم:

"اگر حاکمیت ملی به این معنی باشد که هر ملت و هر جمعیت حق دارد هر نوع نظام و هر نوع قانون را برای خود انتخاب نماید، چنانکه هر فردی می تواند هر عملی را بخواهد نسبت به مال خود و جان خود و هر چه به او تعلق دارد انجام دهد، این نیز اصالت ندارد و اسلامی نیست و فرد و ملت هیچکدام این حاکمیت مطلق را ندارند"

در صفحه ۴۳ کتاب امامت نوشته حجة الاسلام قرائتی میخوانیم:

"بهترین نوع تعیین رهبر و مقام مسئول در جوامع امروزی انتخابات است ولی ناگفته پیداست که انتخابات ممکن است راه حل باشد اما همه جا راه حق نیست زیرا انتخابات هرگز واقعیات را تغییر نمیدهد، نه حقی را باطل و نه باطلی را حق می کند حق اگر حق است با طرفداران کم باطل نمیشود و باطل اگر باطل است بارای

اکثریت حق نمیشود و هرگز بر همان و دلیل علمی و عقلی نمیگوید که چیزی که مورد انتخاب پنجاه و یک نفر قرار گرفته است از چیزی که مورد انتخاب چهار و نه نفر است بهتر است آری در مقام عمل رای اکثریت مورد نظر قرار میگیرد اما آیا این نشان دهنده حقانیت و واقعیت است؟ هرگز، اصولاً حکومت اسلامی بر پایه جعل الهی استوار است و هیچگونه حقی برای مردم (نه اکثریت و نه اقلیت) در نظر گرفته نشده زیرا حکومت، حکومت خداست و بس و چه بهتر که خدا برای انسان امام تعیین کند خدای که هم بهتر میداند و هم مهربانتر است..... آری اکثریت رشد نکرده و تربیت نشده نباید مورد عنایت قرار گیرد. اما مسئله شورا در اسلام نه مربوط به تعیین رهبر است و نه مربوط به تعیین رهبر بلکه مربوط به کیفیت اجرا احکام است اجتماعی است راستی مگر در رکعات نماز جای مشورت است و یا اگر مردم گرد سفال آمدند در میشود و یا اگر طلا را رها کردند سفال میشود.

در کتاب پیرامون ولایت فقیه از

انتشارات دفتر سیاسی سپهسالار پاسداران انقلاب اسلامی میخوانیم:

"به هر حال مسئله ولایت فقیه انتخاب مردم تنها یک بعد مسئله بوده و به عبارت دیگر فقط یک جانب قضیه است و نباید تصور شود که این انتخاب بدون دخالت حضرت ولی عصر علیه السلام صورت میپذیرد، همانطور که اشاره گردید امام غایب (ع) مجتهد جامع الشرایطی را که قابلیت و شایستگی این امر را داشته باشد به مردم معرفی نموده و دلایلی ایشان را به سوی او میکشاند و این مسئله بسیار بدیهی و واضح است زیرا ولایت امر به دست امام معصوم بوده و او خود مردم را در زمان غیبت به "ولی فقیه" مراجعه داده است مگر میتوان تصور کرد که امام علیه السلام اجازه بدهد تا کسی به ناحق و تحت نام نیابت امام معصوم (ع) مردم را به گمراهی و ضلالت بکشاند.

آیا قابل قبول است که ولی عصر علیه السلام عده ای را که خالصانه در پی یافتن نیابت او برآمده اند و این کار را نیز به دستور خود امام (ع) انجام میدهند، رهبر

گزارده و به سوی نیابت برحق خود راهنمایی نکند؟ و یا افرادی که شایستگی قرار گرفتن در مقام "ولی فقیه" را نداشته و ممکن است به نوعی سبب انحراف مردم شوند،

نست زیرا تنها خداوند خدایند حق حاکمیت بر بشر ندارد چون آفریدگار آنهاست. در کیهان ۶۱/۲/۲۸ نظر آیت العظمی منتظری را چنین میخوانیم:

"انتخابات عمومی به هیچ وجه جسامی حق را نمیگیرد و وجدان هیچکس را ملزم نمیکند که از کسیکه با رای اکثریت انتخاب شده اطاعت و پیروی کند زیرا منتخبه منزله وکیل مردم است و موکل به هیچ وجه ملزم نیست که از وکیل خود پیروی کند و بلکه حق دارد هر وقت بخواهد او را عزل کند تازه این مسئله مربوط به اکثریت است که وکیل را انتخاب کرده اند اما راجع به اقلیت مطلب واضحتر است زیرا به حکم وجدان هر هیچکس واجب نیست که از وکیل دیگری اطاعت کند و بنابراین نظام اجتماع مختل میگردد پس برای تنظیم اجتماع سیاستمداری لازم است که اطاعت از او و نفوذ حکم او ولو به ضرر محکوم هم تمام شود بر حسب وجدان لایق و واجب باشد و تنها کسیکه میتواند چنین باشد شخصی است که حکومت و ولایت او با تعیین خدا بوده حکومت و سلطنتش از شئون سلطنت مطلقه الهی باشد

گین در این بین واسطه بخورد مشکل فقیه عادل که از طرف ائمه که خودشان از طرف پیغمبر معین شده اند پیغمبر را نیز خدا نسبت به مومنین از خودشان اولی تر قرار داده است منصوب شده

بقیه در صفحه ۱۹

انتخابات عمری به هیچ وجه جای حق را نمی گیرد و وجدان هیچکس را ملزم نمی کند که از کسیکه با رای اکثریت انتخاب شده اطاعت و پیروی کند زیرا تنها خداوند خدایند حق حاکمیت بر بشر ندارد چون آفریدگار آنهاست. در کیهان ۶۱/۲/۲۸ نظر آیت العظمی منتظری را چنین میخوانیم:

"انتخابات عمومی به هیچ وجه جسامی حق را نمیگیرد و وجدان هیچکس را ملزم نمیکند که از کسیکه با رای اکثریت انتخاب شده اطاعت و پیروی کند زیرا منتخبه منزله وکیل مردم است و موکل به هیچ وجه ملزم نیست که از وکیل خود پیروی کند و بلکه حق دارد هر وقت بخواهد او را عزل کند تازه این مسئله مربوط به اکثریت است که وکیل را انتخاب کرده اند اما راجع به اقلیت مطلب واضحتر است زیرا به حکم وجدان هر هیچکس واجب نیست که از وکیل دیگری اطاعت کند و بنابراین نظام اجتماع مختل میگردد پس برای تنظیم اجتماع سیاستمداری لازم است که اطاعت از او و نفوذ حکم او ولو به ضرر محکوم هم تمام شود بر حسب وجدان لایق و واجب باشد و تنها کسیکه میتواند چنین باشد شخصی است که حکومت و ولایت او با تعیین خدا بوده حکومت و سلطنتش از شئون سلطنت مطلقه الهی باشد

گین در این بین واسطه بخورد مشکل فقیه عادل که از طرف ائمه که خودشان از طرف پیغمبر معین شده اند پیغمبر را نیز خدا نسبت به مومنین از خودشان اولی تر قرار داده است منصوب شده

بقیه در صفحه ۱۹

خلاصه مقاله تبیل

سازماندهی و مکتب

نهادگرایی اسلامی و جوهره تشکیلات الهی

در شمارگان گذشته سازماندهی و مکتب، بررسی مختصری درباره شیوه نفوذ، داشتیم و مختصراً تارمای ها و انحرافات شیوه، نفوذ بدون توجه به بیخ مستضعفین را برشمردیم و در مقابل خط مشی اسلامی، تقدم بسیج مستضعفین بر نفوذ در دشمن و برکات و نعمات آنرا متذکر شدیم.

ضرورت و انگیزه

بخاطر نیاز انقلابیون به بحث تشکیلات و ویژگیهای تشکیلات الهی و همچنین بدلیل وجود نقطه نظرهای مختلف در مورد رابطه ادارات و وزارتخانهها با نهادها و وجود نقطه نظری که میخواند نهادهای انقلاب را تابع ادارات و وزارتخانهها بگند و برآن شدیم تا در این شماره در مورد ویژگیهای سازماندهی یا نهادگرایی اسلامی، که موجب خشم امیرالمؤمنین علیه السلام گردیده است، سخن داشته باشیم.

نهادگرایی اسلامی چیست؟

از آنجا که حرکت اسلامی مستضعفین در آرای ایدئولوژی و ویاال تبع در آرای خط-شی و سازماندهی متناسب با این ایدئولوژی و خط مشی میباشد، لذا نهادگرایی اسلامی شیوه تشکیلاتی اسلامی در جهت مبارزه بنیادی با نظام طاقتور و بقایای آن میباشد.

نهادگرایی اسلامی، تشکلی در جهت جایگزینی نظام طاقتور و تشکیلات آن بوده که بدین صورت که انقلاب اسلامی را ترننداشتن تشکیلات ناگزیر از یکار - گیری تشکیلات طاقتور نباشد.

لازم به تذکر است که مبارزه تشکیلات یک رژیم ضد انقلابی، مآلاً «مبارزه بر سر و برخورد سازشکارانه بقایای آن رژیم» می اندازد.

نهاد انقلابی معمولاً در یک مبارزه در رازمدت علیه طاقتور و در طول انقلاب بوجود میآید. بطوریکه بعد از پیروزی انقلاب ناچار نیستیم که به سازمانها و ادارات طاقتور تکیه کنیم و باز طاقتور از رد یگره و از راه تشکیلات و بقایایش وارد شود.

از آنجا که مستضعفین همواره در حرکت و واقعی روستی خود را تحقق اهداف الهی خود یعنی تحقق جامعه توحیدی بدون طبقات ظالم و استثمارگر از نبلد ا

نهادگرایی اسلامی شیوه سازماندهی در حین «حرکت» و عمل صالح زمان است و با سازماندهی در سکون و سازماندهی ها - ی کلاسیک و متعارف تفاوت فاحش دارد (سازماندهی بر مبنای تخصص و سازماندهی بر مبنای سرمایه - سازماندهی بر مبنای شیوه تولید - سازماندهی بر مبنای مدارک تحصیلی ۱۰۰) نهادگرایی اسلامی موجی است که آرامش و سکون ندارد و آرامش آن در زندگی جان بگف و شهادت طلبی و پیوند با ابدیت است. (فان افرضت فأنصب والی ربك فارض)

نهادگرایی اسلامی است که در طی حرکت درازمدت و خونبار انقلاب ما را به آنچنان ملاکهای میرساند که از شر شیطانهای نفوذی و دستهای مرموز و همچنین ایدئولوژی و شیوه های نفوذی در امان بمانیم.

از آنجا که توده های مستضعف هد فی بجز لقاۃ اللعوب قرب به خدا نند، لذا هر کس مرد میدان جنگ و عمل صالح باشد و تشنه نیازمند روابطی است که در عمل صالح و در جهت عمل صالح بوجود آمده و با شعار «حق علی خیر العمل» میشتابد تا به عمل اصلاح و بهترین عمل برسد و زندگی خنجر را فدای تحقق این عمل بنماید. در این راه از پیست و مقام اداری خبری نیست و شهادت و لقاۃ الله بهترین مرتبه و مقام است.

نهادگرایی و خشم امیرالمؤمنین

چندی پیش کیسویچ در مصاحبه ای ۴ خطری برای حاکمیت امیرالمؤمنین در خاورمیانه برشمرد: «بهد اول رادیکالیسم شیعه در نهادگرایی اسلامی و سرچشمه انقلاب اسلامی ایران، و چهارم شوروی و نتیجه گیری کرد، «بهد که امریکا قادر است خطر شوروی را حل کند ولی کشورهای منطقه باید در مورد سه خطری اولی خودشان

برخورد جدی تر و فعالتری بنمایند. اخیراً «میزر» حزب کارگران گیلستان در مجلس این کشور گفت: «نهادگرایی اسلامی می رود که سر تا سر کشورهای منطقه تا اندونزی را فراگیرد و وی اضافه کرد که بایستی جلوی این خطر را بطور جدی گرفت.

مسلمانان امیرالمؤمنین را بنیادگرایی و نهادگرایی در دل خویش نندارد و میخواند که در حرکت های رادیکال و بنیادگرا را که در کادرفا هم شرق و غرب نمی گنجد ریشه کن نماید ولی چون بنیادگرایی همان برخورد بنیادی با ظلم و استثمار و نظام و روابط طاقتور و غیر الهی و تحقق روابط فطری - توحیدی در جامعه است و لذا این نهادگرایی در عمق فطرت مستضعفین ریشه داشته و تنها ریشه کن نشده، بلکه در برابر سرکوب آنها باور تری ریشه کن کرد.

د شیوه سازماندهی

تثبیت در حرکت عمل صالح و تثبیت در سکون

در بین انقلابیون د شیوه اساسی سازماندهی بنظر میرسد: الف) تثبیت در سکون (سازماندهی قبل از حرکت) ب) تثبیت در حرکت عمل صالح که مختصراً به بررسی این دو شیوه تشکیلاتی میپردازیم.

الف) تثبیت در سکون

(سازماندهی قبل از حرکت)

قابل تذکر است که وقتی از تثبیت در سکون میگوئیم، بدان معنی نمیباشد که معتقدین به این شیوه به حرکت اعتقاد نندارند و با اصطلاح اهل «حرکت» مبارزه نیستند بلکه بدان معنی است که سازماندهی را قبل از حرکت دانستند معتقدند که باید اول سازماندهی حرکت معلوم شود، افراد معین شوند، مسئولیت - لیت ها معلوم باشد و تقسیم کار بشود، بعد وارد حرکت بشویم. باید گفت در عین حال که لزوم کار و برنامه ریزی قبل از حرکت فراموش نمیشود، لیکن در صورتیکه ارزش افراد، قدرت هماهنگی و میزان تخصص آنها در حین عمل صالح به آزمایش گذاشتمند موشخص نگردد، و بر مبنای ارزش واقعی افراد سازماندهی

انجام نپذیرد، امکان بدست گرفتن مشاغل و پستهای حساس توسط افراد کم صلاحیت فراوان میباشد. قبل از حرکت افراد لاف زن و با اصطلاح «خالی - بند» زیاد وجود داشته و تنها شیوه سازماندهی سازماندهی در عمل صالح است که مارا از افتادن بدام افراد کم - صلاحیت باز میگرداند.

در مورد مسئله نفوذ بیجا، صاحبان این نظریه تشکیلاتی معتقدند که برای آنکه نفوذی ها به ما ضربه نزنند، بایستی اول سازماندهی را محکم کنیم، نفوذی ها را شناسایی و تضعیف کنیم، بعد حرکت را شروع نماییم. تا مباد اد رجریان عمل عناصر نفوذی به سازمان و عمل صالح ما ضربه نزنند.

یکی از مسئولان مملکتی پس از شهادت برادران رجایی و باهنر سخن به این مضمون گفته بود که: «۰۰۰ یکی از دلایل اینکه رازگارانها و نهادها افراد نفوذی کردند و اینست که در جریان انقلاب سازماندهی خاصی بر حرکت مردم حاکم نبود و نهادهای انقلاب در جریان انقلاب ساخته شدند. ۰۰۰ غافل از اینکه در شرایط سکون، از آنجا که ملاک عینی برای تشخیص افراد نفوذی از افراد نیازمند و مؤمن به حرکت وجود ندارد علاوه بر اینکه امکان وزینه نفوذ در تشکیلات خیلی بیشتر است، زمینه برای مسئولیت گرفتن افراد بیصلاحیت و کم صلاحیت نیز فراهم شد که خود تد اوم حرکت سازمان را بخطر خواهد انداخت و حتی امکان نفوذ این عناصر را بر سازماندهی نیز وجود دارد. نهاد یک حرکت خونبار و درازمدت و ضمن عمل صالح است که میتوان افراد خصلی و ناصالح را از افراد

زنده تشخیص داد. . . . و تلك الا یام نذ اوولها بین الناس و لیعلم الله الذین امنوا و یتخذ منکم شهداء» و الله لا یحب الظالمین و لیمحص الله الذین آمنوا و یحق الکافرین ام حسبتم ان تذر خلو الجنه و لما یعلم الله الذین جاهدوا منکم و یعلم الصابرون. ص ۳/ ۱۴۰ تا ۱۴۲

«و این روزگار (جنگ احد) میگردانیمش میان مردم و تا خدا بداند آنانرا که ایمان آوردند و تا بگیرد از شما گواهانی و خدا بدست نندارد مستمگران را و تا پاک سازد خدا مؤمنان را و تپناه گرداند کافرانرا» یابند داشته اند

که بیبشت در میآید (در حالیکه هنوز ندانسته است خدا آنانرا که جهاد کردند از شما و نشناخته است صابران را) معمولاً در این شیوه (تشبیه سازماندهی در سکون) هدف از تشکیلات که تقرب به خداست فراموش شد و عمل بطور ظریفی تشکیلات و سازمان اصالت پیدا میکند، زیرا مسئولان تشکیلات بیشتر از اینکه بفکر یافتن عمل صالح زمان و یافتن حجت و رهبر باشند درگیر روابط سازمانی خود هستند و احیاناً اگر دست مرموزی در تشکیلات نفوذ کرده باشد، برای مسئله نفوذی، سعی میکنند روابط تشکیلاتی خود را پیچیده تر کنند و نتیجه روابط تشکیلاتی دست و پاگیرتری شود. این عمل به آنجایی انجامد که برخی از افراد نسبت به نفس تشکیلات و سازماندهی منفعل شده و دست بکارهای نسنجیده و با اصطلاح «خود بخودی» بزنند.

حالا بد کرد چند نمونه از این شیوه تشکیلاتی می برد از: (۱) پس از ضربه ۵۴ و نظر به تشکیلاتی بوجود آمد، یک نظریه به مجاهد شهید «محمد شریف و قتی» و مجاهد شهید «مرتضی صمد به لیا ف» متعلق بود و نظریه دیگری «رجوی» «محمد و صمد» معتقد به اعلام موجودیت تشکیلاتی نبودند. این تشکیلاتی و عمل صالح و قهر آمیز مسلمان را جمعندی و حل عدم انسجامها و تجدید نظر بنیادی در جد اکسردن راه انبیا از راه بشویدیدند. (۲۰ ک. به کتاب تازیانه تکامل ص ۱۰۴)

در عرض جریان رجوی بجای تشدید این نیاز روستی در ریاسخگویی به آن، گسار اصلی خود را تثبیت سازماندهی خود کرد و در آن زمان زیر سؤال قرار گرفته بود (قرار داد و با سخ به این نیاز را موقوفول به فرصتهای بعدی کرد، که بعلمت ریشیایی نکردن ضربه ۴ عقابیت خود شان عامل تکرار ضربه را بعد گسترده تر شد.

(وحتی با بنی صدره و سلطنت طلبان و امیرالمؤمنین و توریسم علیه نیروهای خط امام).

۲- جریان دیگری در زندان این جمع بندی را داشت که: «ضربه را از آنجایی خوردیم که تشکیلات اسلامی قوی نبود که جلوی انحرافات سازمان را بگیرد. این جریان نیز اگر کمکان ضربه ۵۴ را ریشیایی ایدئولوژیک ننماید، در بعد وسیعتر گرفتار آن خواهد شد. کما اینکه دیدیم امثال بنی صدر اینهارا هم قریب اند.

۳- رجوی با قلب کردن سنتهای اسلامی مرحوم شهید حنیف نژاد، این وصیتا که «وحدت ایدئولوژیک استراتژیک» و سازمانی خود را بطور مستمر حفظ کنید «راه شعار انحرافی» و «وحدت سازمانی» استراتژیک، و ایدئولوژیک خود را حفظ کنید» تبدیل کرد. با همین توجیه بود که وی در رساله «صلی و

«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَجْهِهِ أَنْ تَقُولُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفِرَادًا» اینک قیام کنید برای خدا برای اقامه حق، قیام کنید. لایم نیست که یک اجتماع باشد، انسان بعد از اجتماعات قیام کند... تنهایی تکلیف به قیام لله هست... میزان اینست که انسان تشخیص بدهد... برای خدا هست این قیام! دیگر اگر لله شد و برای خدا شد، دیگر وحشتی نیست... قیام لله هیچ خسروان ندارد هیچ ضرر و نفعی نیست. «امام خمینی» - ۱۳۵۷، ۸، ۲۸ - پاریس

... سازماندهی و مکتب

مارکسیست شدن یکی از اعضای مرکزیت برای پرسؤال قرار گرفتن سازمان ایسن واقعیت را سرپوش گذاشت. در نتیجه راه برای حاکم شدن جریان انحرافی تقی شهرام بر سازمان بازماند موافقت به بمباران رکنی و شهادت جمید و صدیقه انجامید.

۴- رجوی در ریاض قبل از انقلاب از امام درخواست کرد بود که امام سرعت انقلاب را تخفیف بدهند تا مجاهدین از زندان آزاد شده موفرت سازماندهی انقلاب را داشته باشند. در حقیقت مفهوم این سازماندهی مترادف با بقای رژیم طوفانی وادامه ظلم و استثمار بود.

۵- جنبش ملی مجاهدین (رجویست) ها بعد از انقلاب در عمل صالح ساواکی گیری و ضربه به شبکه تشکیلات مخفی ساواک فعال نشدند. همینطور در ربهانزه با هیچیک از ایگامه های سلطنت و امپریالیسم آنطور که ادعا میکرده فعال نبودند. در عوض یک ماه بعد از پیروزی انقلاب قبل از اعلام و آموزش خط مشی مرحله ای خود، اعلام موجودیت تشکیلاتی کرد و مشروعیت پذیرش عضو گسترده کردن سازماندهی خود کردند که همان شیوه تشییست سازماندهی در سکن میباشند و عاقبت به انحراف سیستماتیک تشکیلاتشان انجامید (که میبایست ۹۰٪ آنرا تصفیه میگردند و با اجبار از بدامن راست میخلطیدند. توجه شود به ترکیب شورای ملی مقاومت)

لازم توضیح است که اتخاذ این شیوه تشکیلاتی ریشه در رخصتها و ایدئولوژی و خط مشی انحرافی رجوی دارد.

۶- هواداران رجوی در رساله های ۵۵ و ۵۶ در زندان به باجهانه اینکه نباید با روی دم سنگ گذاشت. هدم درگیری خود را بپایس توجیه میگردند و میگفتند تا وقتی کپلیس کاری بهمانند اردمان نباید کاری با داشته باشیم. تا سازماندهی ما حفظ بشود و بتوانیم بیشتره امر سازماندهی ببرد از م. تشییست چنین تشکیلاتی که در عمل صالح زمان فعال نیست پایمو اساس انحرافات بعدی خواهد بود. دیدیم سعادت را که بکک همین نظریه تشکیلاتی افرادی را در زندان عضو گیری میکرد که در عملکردشان هیچگونه درگیری بایس سیاسی و حفاظتی نداشتند و همچنین دیدیم که افراد رجوی برای انتقال از زندان اوین بزندان قصر تا بعد از زیاد از ساواک درخواست میکردند و ساواک هم میدانت که آنها بخاطر تشییست تشکیلات بقصر میبایند. از آنجا که جریان رجوی که در زندان اوین هیچگونه درگیری با ساواک و مسئولان زندان نداشتند و ساواک میدانت که در صورت انتقال بقصر جو حرکت در زندان را تضعیف کرد و زندان را به ضد حرکت تبدیل مینماید، که تلویحا هم در خط ساواک قرار میگرفتند عاقبت این سؤال مطرح است که

تشییست به حقیقتی؟

شبهه این تفکر در انقلاب نیز موجود است. عدای میگویند "پاروی دم سنگ نگذارم" و کاری به صد ام و امپریالیسم نداشته باشیم و به سازماندهی و توسعه اقتصادی بپردازیم. در حالیکه خط امام که سبیل نهاد گرای اسلامی است سازماندهی و توسعه اقتصادی را در بسوج مستضعفین و قیام در جهت آزادی قدس و مبارزه صد ساله با امریکا می بیند.

۷- نماینده رجوی در زندان قصر در برخورد با برادران نهضت مجاهدین که روی جمع بندی ضربه ۴ و شیوه های اسلامی مجاهدین با فشار میگردند، بدون بحث روی اصول و هلت ضربه میگفت: شما اول از حالت جمعی بیرون بیایید، بعد تک تک اگر ما خواستیم وارد سازماندهی ما شده، بعد اگر مسئله ای داشتید با مسئول تشکیلاتی خود برخورد کنید.

از آنجا که عمل صالح برای افرادی که در جریان مجاهدین بودند، کشف ریشه ها و رهل نارسیبایی گمنجر ضربه شد بود. تحریم بحث در مورد ریشه ضربه ۴ و موکول کردن آن به بعد از پیوند تشکیلاتی در حقیقت تعطیل عمل صالح برای برداختن به تشکیلات بود. ایسن شیوه سبب بسیاری از انحرافات و منشا نفوذ عناصر مهیسا سازشکار در جریسان مجاهدین شد تا بد آنجا که این جریانهها به همراهی مسعود رجوی نقش غالب را در تشکیلات پیدا نمود و موخط مشی خود را بر اعضای صادقی و انقلابی تحمیل کردند.

۸- شعار اساس بنی صد راین بود که اول امنیت رفاه تولید و معنویت را در جامعه تامین کنیم و نظام سازماندهی برای اعضای خانواده ها و نیز اوراق مذکور جمهوری تشییست بشود، بعد "پروسم

۱- حزب جمهوری اسلامی در اولین روزهای پس از انقلاب با اعلام موجودیت تشکیلاتی، دست به عضو گیری وسیع و ملیونی زد تا به آنجا که در تمامی مساجد و کعبه ها و ۱۰۰۰ اوراق نام نویسی در حزب بخش شد و موهرفرد برای اعضای خانواده ها و نیز اوراق مذکور

سراغ صد و انقلاب. به این ترتیب راه برای تشییست رفورمیستها و اخفیت طلب ها مستقیما باز بود و به اتحادیل شمسندن حاکمیت و نظام جمهوری اسلامی دیگر انقلابی مطرح نمیبود تا بعد هاصحبت از صد و آن بشود.

در ریافت اقتصادی ایران که باقیمانده از رژیم شاهنشاهی بود، هرگز به برداختن به امر تولید بدون درگیری با امپریالیسم در خط تقویت صنایع وابسته قرار میگرفت، همچنین حفظ امنیت که در آن درگیری با اصلی ترین عامل منظر نشد میباشند، امنیت مستکبرین بود مو باعث تشییست و حاکمیت آنها میشد واضح است که معنویت نیز که زمینش اش اینگونه تولید و امنیت باشد، معنویت همانند معنویت پاپ و ملک مسعود خواهد بود و در آخر جری این برنامه ها سراز پارسی و فرار با خلبان شاه معدم در پی آورد.

۹- خط مشی شوروی در رکسادر هنرستی مسالمت آمیز و هدم درگیری با امپریالیسم، باعث شده است شوروی که خود زمانی مدعی انقلاب و پاری ستمدید گان بود به سدی در مقابل جنبش های مسلحانه رهایی بخش تبدیل شود.

۱۰- حزب جمهوری اسلامی در سرکوب انقلاب اسلامی افغانستان همچنین سرکوب جبهه خلق پسرای آزادی ارتوه مؤید وجود این انحراف مجاهدین شد تا بد آنجا که این جریانهها به همراهی مسعود رجوی نقش غالب را در تشکیلات پیدا نمود و موخط مشی خود را بر اعضای صادقی و انقلابی تحمیل کردند.

۱۱- در ماههای اولیه پس از پیروزی انقلاب هفت گروه منصورون، امه واحد، صف، و موحیدین و... سرعت اعلام وحدت نمود و تشکیل سازمانی بنام "مجاهدین انقلاب اسلامی" را اعلام نمودند. از آنجا که گروه های متشکله فوق جریانه های مختلف سیاسی ایدئولوژیک منبعت از عناصر مبارز در داخل و خارج از کشور بودند، به لحاظ کمبود ارتباط و همچنین اختناق شاهنشاهی و نبودن زمینه برخورد افکار نقطه نظرهای متفاوتی در مباحث ایدئولوژیک و استراتژیک و تحلیلی و برداشت از تاریخ معاصر و انقلاب نیاز- ها و تضاد های آن داشتند. همچنین عامل وحدت این گروهها عامل درونی و ایدئولوژیک نبود، بلکه عامل بیرونی و وحدتی بود در برابر گروههای دیگر و از آنجا که طی اعمال صالح و متعدد برهبری امام خمینی قادر نشدند به یک انسجام ایدئولوژیک رسیده و آنرا حفظ نمایند، مواضع متفاوتی اتخاذ نمودند و انشعابهایی درون آنها بوجود آمد. مواضع متغیر سیاسی این سازمان

میباشند در سهرتی برای هاشق... مبارزه مکتبی (مکتب اسلام راهنمای عمل) باشد.

۱۲- در رجهبه ضرب پیش از چهار ماه جبهه را بخاطر تشییست سازماندهی گروهی خاص، و اخراج افراد نهضت مجاهدین، را که نگه داشتند و میگفتند اول تشییست واکسازی، بعد ادامه جنگ، بدین شکل موجب شدند که برادران جبهه از بسوج افتاده و بسیاری شهرها بازگردند. نتیجه این شیوه سازماندهی جبهه ها ضربه ۱۰۰ و ۱۱۵۰ بازی در راز در آغاز پائیز ۶۰ بود این حمله پس از حاکمیت شش ماهه سکون انجام شده و به علت کمبود نیرو و تجربه لازم ضربه خورد. علیختم کوششهای سردار رشید اسلام، یاسد اورشهرمد محسن حاجی باها، ضربه خوردیم حال آنکه راه مبارزه با عناصر منحرف فعال کردن آنها در میدان عمل صالح بود موفرت در صورتی که گفتنی داشته باشد، توان شرکت در عمل صالح خونبار راند داشته و خود بخود تصفیه میشود.

(شیوه برخورد حضرت رسول (ص) با منافقین، توضیح اینکه اینکه همیشه منافقین از رفتن بجنگ اباد داشته و توجیهات مختلفی میگردند.)

۱۳- در رجهبه های جنوب پیش از شش ماه جبهه را با شعار "هماهنگی برای حرکت" بسکون کشانده و باعث افت در بسوج توده های جبهه شدند. حال آنکه جبهه ها تنها در طی عمل صالح ضد تجاوزی هماهنگ شده و قدرت هماهنگی خود را در عمل بمعرض ظهور میگردارد.

۱۴- در مقابل با هجوم ارتش بعث عراق، و شیوه برای تشییست جبهه ها و مانع شدن از پیشروی ارتش عراق وجود داشت.

الف) شیوه های که در فاع راد مرحله بدشمن دیده و با شیوه گم فاع تهاجمی مانع پیشروی دشمن میشدند در این شیوه جان برکگان اسلام با تکهای کوچک ولی پراکنده و متعدد و دشمن را چنان میترساندند که بیارای پیشروی نداشتند. و دشمن مجبور میشد موضع تدافعی اتخاذ کند. حمله برادر یاسد ار شهید محلی "یر اصلو" فرمانده عملیات سپاه اهواز به نیروهای اشغالگرا عراقی در سوسنگ سرد و آزاد کردن این شهر در ۱۰/۲/۶۰ و همچنین شیوه های مکرر زندگان اسلام و حمله به نیروهای مهاجم عراقی در شهر حمیدیه در ایستادای جنگ و انهدام بیش از ۳۰ تانک آنها توسط برادران بسوج غم آباد و مردم اهواز و... به این شیوه بود. این شیوه همان تشییست در عمل صالح در نوج تجاوزی باشد.

ب) شیوه بنی صدر که ابتدا ارتش را از مقابل دشمن عقب کشیده و سپس برآن بود که به تشییست موضع بسپرد از این شیوه باعث به اشغال در آمدن نیس از خوزستان و ضربه خوردن روحیه

بناخته و کم ننمائیم در این صورت است که فرج و گشایش الهی فرامیرسد. مکن است کسی تکفیر شده و به تصفیه شود فرد تصفیه شده ممکن است احساس کند که از تو - ده هاجد شده است و بی کار است. این احساس درستی نیست چرا که اگر بعنوان یک انقلابی تصفیه شده باشد مسلما پیوند مکتبی عاطفی اش با توده های مستضعف بیشتر خواهد شد. آیا علی (ع) با خانه نشینی منفعل شد؟ اگر چه دستهای او را از پیوند با مردم در فتح قادسیه و فتح قدس باز میداشتند ولی مگر او پیوند مکتبی - اش با مردم زیاد تر نشد؟ اگر اینطور باشد باید امام - موسی این جعفر که بزند ان افتادند پیوندشان با مردم قطع شود؟ و یا امام خمینی که بزند ان افتادند و در باطه ظاهری با مردم نداشتند آبارابطه شان با خدا و خلق کم شد؟ مگر تبعیدشان موجب نشد که رابطه مردم با ایشان و ایشان با مردم بیشتر شود.

آری اگر مومن باشیم و مومن بهمانه و صبر و مقاومت کنیم و از مارکها نهراسیم و جز از خدا ترسی در دل نداشته باشیم به سیرهد فد ار عالم و تاریخ یقین داشته باشیم هیچگاه بدام انفعال که پایگاه شیطان است نمی افتیم. خدا انفعال است و ما هم با متخلق شدن به اخلاق الله و با خدا جویی باید فعال باشیم.

والسلام

انفعال پایگاه شیطان

یکی از هد فهای کودتای خزنده منفعل کسردن تد رجوی انقلابیون اصل است که بطریق مختلف انجام میگردد. بهترین و مکتبی ترین برخورد با این پدیده "منفعل کردن" روی آوردن هر چه بیشتره خدا، و قرآن و ائمه اطهار است. چرا که در مکتب اسلام انفعال معنی نمیدهد انفعال یکی از نتایج شناخت انگاسی و مهارت دیگر (جوزدگی) و محیط زدگی است. در مکتب اسلام، تعریف شناخت "انفکاس جهان خارج در ذهن خالی و بدون زمینه نیست. قرآن هرگونه انفعال و پاس را معادل کفر و ظلم میداند و برای جهان و تاریخ سیرهد فدار قائل است و از فطرت خدا جو و مؤمن به جامعه قسط برهبری اشام زمان (عج) هرگز بدام انفعال و روش شناخت انفعالی نمی افتد. از ویژگیهای مؤمن برخورد خلاق و فعال با محیط و مسائل و رویدادها است.

انفعال پایگاه شیطان است

بهترین برخورد با خط منفعول کردن این است که در درجه اول احساس انفعال ننمائیم. بلکه فطرت خدا جوی خود را با پیوسته آن رجعت ننمائیم. از این رهگذر - اعتماد بنفس خود را حفظ نمود و با اصطلاح معروف خود را

القدس، ما للقدس، و ما لدریک ما للقدس

آبنا... منتظری

مقاومت لبنان و توطئه دو قطبی کردن کاذب منطقه

ب - مقاومت ۲۷ روزه و بروز تضاد بین جناحهای امپریالیسم

این تصورات و خیالانیههای صهیونیسم و امپریالیسم را مقاومت شجاعانه و ایثارگرانه نیروهای فلسطینی و لبنانی بر هم زد و به برکت این مقاومت بین این دو جناح در شیوههای سرکوب نیروهای فلسطینی تضادهای بروز کرد گرچه این دو جناح ، همانطور که در بالا گفته شد اختلاف بنیادی با یکدیگر ندارند .

ج - توسعه طلبی ارضی صهیونیسم :

صهیونیسم پس از مقاومت فلسطینی ها و لبنانی ها دست به شیوههای انتقامجویانه نظیر قتل عامهای وحشیانه صبرا و شاتیل زد . اصولاً "یهود نمائی" و "منطق برتری نژادی" و "تجاوز و اشغالگری" و "اقلیت سرمايه دار سفید پوست" ، "آزار و شکنجه" ، "ضدیت با انقلاب اسلامی ایران و انقلاب فلسطین" و "سوسیالیسم وابسته" از ویژگیهای بارز صهیونیسم است .

در طول ۳۵ سال اشغال ، ماهیت اشغالگر اسرائیل وی را به توسعه طلبی ارضی و گسترش مرزهایش وادار کرده است ، اسرائیل جوهر توسعه طلب خود را با پوششی از تورات تحریف شده یعنی انگیزه از نیل تا فرات زینت داده و از احساسات مذهبی یهودیان سوءاستفاده می کند اسرائیل همواره حفظ و بقای خود را در گسترش سرزمین های تحت سلطه خود میداند و برای گسترش هر چه بیشتر ، به شیوههای میلیتاریستی و ایجاد جو نظامی و پلیسی روی آورد و این شیوهها در عین حال برخاسته از ماهیت آزار و شکنجه و تبعیض نژادی صهیونیسم نیز هست . بنابراین به نظر طبیعی می آید که حتماً پس از خروج فلسطینیها از بیروت خط مشی اسرائیل انتقام جویی از خلق فلسطین و لبنان و اشغال سرزمین های جدید می باشد . این خط مشی اسرائیل از گذشته مورد تأیید و موافقت جناح دموکرات آمریکا که وابسته به انحصارات صنعتی - نظامی است ، می باشد . در این باره بیشتر صحبت میکنیم .

د - توسعه طلبی سرمایه داری جهانی

از طرف دیگر خط ریگان به عنوان نماینده جناح جمهوری خواه (عمدتاً وابسته به انحصارات نفتی) تشکیل کنگرانس فاس است که در حقیقت هدف آن چیزی جز نتیجه طبیعی و تکمیل اشغالگری و قتل عام صهیونیسم نبود .

جناح جمهوریخواه از آنجا که عمدتاً در خط انحصارات نفتی است ، خط مشی حفظ ثبات نفتی در منطقه را برای جاری شدن نفت به سمت غرب دنبال کرده است و در نتیجه همیشه خواستار تحکیم روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای تولید کننده نفت بوده است .

ویژگی این جناح ، توسعه طلبی سرمایه می باشد . به این مفهوم که همانقدر که اسرائیل عمدتاً به توسعه زمین های خود بها می دهد ، جناح جمهوریخواه آمریکا عمدتاً معتقد به " حفظ ثبات نفتی " در جهت غارت بیشتر نفت و گسترش سرمایه گذاری متکی به نفت است تا از این رهگذر اقتصاد آمریکا را از رکود ذاتی خود و رکود چشمگیر فعلی آن نجات دهد .

ه - وحدت دو جناح امپریالیسم

بنام خدا خونبهای شهیدان اللهم ... فان اکان عمری مرتعاً للشيطان فاقبضنی اليك . خدا اوینا اگر زندگانی و عمر من چراگاه و مرتعی برای شیطان خواهد شد پس بگیر مرا .

انگیزه و ضرورت

قتل عامهای اخیر اسرائیل در لبنان و مواضع ریگان در رابطه با این قتل عامها ابهاماتی بوجود آورده ، و سئوالهایی از این قبیل مطرح نمودهاست که :

آیا صهیونیسم و امپریالیسم به دو خطمشی جداگانه در منطقه رسیده اند ؟

آیا خط امپریالیسم طرفداری از خلقها و ایستادن در مقابل شیوههای سرکوبگرانه اسرائیل است ؟

و ... و سرانجام موضع درست چیست ؟ این مقاله کوششی است برای پاسخ دادن به این سئوالها و توجیح این ابهامات .

الف - هدفهای امپریالیسم و صهیونیسم از قتل عامهای جنوب لبنان و بیروت

اگر اهداف قتل عامهای اسرائیل را در لبنان بررسی کنیم متوجه میشویم که در این قتل عامها صهیونیسم و امپریالیسم وحدت نظر داشته اند .

در رنگرشی به اوضاع منطقه و اهداف و مقاصد امپریالیسم و صهیونیسم از این حمله به نتایج زیر میرسیم :

۱ - معانعت از گسترش شیوههای بسیجی جنگ :

بالا رفتن جو انقلابی در منطقه پس از پیروزیهای اخیر رزمندگان اسلام در خوزستان و مخصوصاً فتح خرمشهر و توجه نهضت های رهایی بخش منطقه به شیوههای مردمی و خودکفا که منجر به این پیروزیها شد و همچنین وحشت امپریالیسم و صهیونیسم از گسترش این شیوهها در میان نهضت های منطقه و فلسطین به عنوان رزمنده ترین نیروها دشمن را بر آن داشت تا با دست زدن به قتل عامها و ایجاد محیط رعب و وحشت از گسترش این شیوهها در خط مشی آزادی قدس جلوگیری کنند . چرا که گسترش این خط مشی و شیوهها هم موجودیت اسرائیل را به خطر می اندازد و هم با بالا رفتن جو انقلابی ، ثبات نفتی منطقه جهت چپاول امپریالیسم بهم خورده ، صدور نفت را دچار وقفه می گردد .

۲ - حفظ موجودیت اسرائیل و ثبات نفتی برای امپریالیسم :

اولین هدف صهیونیسم و امپریالیسم به سازش کشاندن انقلاب فلسطین و وادار نمودن آن به پذیرش موجودیت اسرائیل و ایجاد وقفه در مبارزه قهرآمیز آنها علیه صهیونیسم است . به این ترتیب جبهه ارتجاع در منطقه هر چه متشککتر شده و رفرمیستها به سمت ارتجاع سوق داده خواهند شد .

در صورت تحقق چنین هدفی از یک طرف زمینه برای رسمیت شناختن اسرائیل فراهم میشد و از طرف دیگر ثبات نفتی منطقه جهت صدور نفت حفظ میگردد .

۳ - از بین بردن کانون نهضتها در لبنان :

در گذشته لبنان به عنوان یک پایگاه و کانون برای فعالیت و ارتباط نهضتها و در نتیجه انتقال دستاوردهایشان به یکدیگر بوده است و همواره به عنوان خطری برای موجودیت اسرائیل و ثبات منطقه محسوب میشده است .

میربینیم که امپریالیسم و صهیونیسم از این کشتارها منع مشترکی را دنبال میکنند .

اختلاف جناح نفتی - مصرفی (عمدتاً جمهوریخواه) با جناح نظامی - صنعتی (عمدتاً دموکرات) آمریکا این است که نفتیها میخواهند نفت صرفاً یک کالای اقتصادی باشد . در حالیکه جناح نظامی نفت را یک کالای سیاسی می شمارند . جناح دموکرات آمریکا وابسته به صنایع نظامی است به عکس جناح جمهوریخواه ، منافع این جناح ایجاب میکند که آتش افروزی و بحران سازی نماید تا کالاهای نظامی خود را بفروش برساند . به همین دلیل دموکراتها همواره سعی دارند از توسعه طلبی ارضی اسرائیل حمایت کنند . و به خط صهیونیستها نزد یکتر بوده اند ، تا به این ترتیب هم به اسرائیل اسلحه بفروشند و هم با ایجاد محیط وحشت از اسرائیل ، رژیمهای عربی را وادار به خرید ملاحضای خود بکنند . رژیمهای عرب نیز برای تهیه این سلاحها ناچار از فروش نفت خود به آمریکا هستند . بنا بر این وحدت و همکاری این دو جناح در منطقه کاملاً مشهود است و جناح دموکرات با حمایت بیشتر از اسرائیل کشورهای عرب را به وحشت میاندازد و آنها نیز ناچار هم نفت خود را میفروشند و هم با دلارهای نفتی اسلحه آمریکائی میخرند .

همواره پس از هر دوره بحران سازی و متشنج کردن منطقه توسط دموکراتها و اعمال شیوههای فاشیستی کشتار و قتل عام و ... و هنگامی که خلقهای منطقه به طور جدی در مقابل اشغالگران صهیونیست می ایستند و در نتیجه منافع دراز مدت آمریکا و اصولاً موجودیت امپریالیسم به خطر می افتد و دیگر ادامه بحران به نفع امپریالیسم نیست ، آنوقت جناح دیگر (جمهوریخواهان) وارد میدان شده و دم از سالمیت و صلح و آشتی میزند . تعجب این است که ریگان در اول مصاحبه در شب عازم تفنگداران به بیروت بعد از قتل عامها ، به عامل رکود اقتصادی و بی کاری در آمریکا اشاره کرده و گفت : " دموکراتها عامل رکود اقتصادی در آمریکا بوده اند . "

علت این نظریه روشن است . دموکراتها با حداکثر حمایت از اسرائیل و ایجاد تشنج در منطقه ثبات و آرامش نفتی را بر هم زده و جریان صدور و چپاول نفت را تا حدی مختل کرده اند . رژیمهای مرتجع نفتی عرب نیز از حمایت بیش از حد دموکراتها از اسرائیل دل آزرده شده و این امر موجب کاهش چپاول نفت به آمریکا و بالنتیجه رکود اقتصادی و بیکاری در این کشور شده است . حالا نوبت جناح نفتی است که با ایجاد آرامش و ثبات نفتی در منطقه اقتصاد غرب را شکوفا کنند .

تحقق این خط مشی امپریالیستی را بخوبی در جنگ اسلام و کفر میبینیم . پس از اینکه به دلیل ایستادگی انقلابی مستضعفین ایران در مقابل تجاوز ارتش صدام و زدن ضربه های نظامی - سیاسی مهم به عراق ، امپریالیستها نتوانستند نتیجه ای را که میخواستند بگیرند ، دیگر ادامه جنگ را به نفع خود ندیده و سعی در پایان بخشیدن به آن نمودند . آنچه مانع از تحقق این خواست امپریالیستاست ، ایستادگی و پافشاری انقلاب اسلامی روی استراتژی آزادی قدس و در نتیجه آزادی کسرلا و سقوط صدام است . از این جهت حفظ صدام موجب تهدید ثبات نفتی منطقه میگردد ، اما آن عاملی که باعث میشود آمریکا هنوز از صدام حمایت نماید اینست که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی بر سر مواضع خویش ایستاده است . بنابراین امپریالیسم سعی دارد تا با رشد جناحهای رفرمیست عاقبت طلب در ایران انقلاب اسلامی که طبعاً موجب تعدیل مواضع جمهوری اسلامی خواهد شد ، زمینه های پایان دادن به بحران جنگ ایران و عراق ، و " صلح فرمایشی " و " ثبات نفتی برای چپاول " را فراهم نماید .

و - ارتجاع عرب و توسعه طلبی سرمایه

رژیمهای مرتجع عرب نیز حفظ و بقای خود را در نزدیکی به جمهوریخواهان یعنی جناح نفتی میدانند چرا که در صورت استمرار مبارزات خلق فلسطین و لبنان و مشتعل بودن کانون انقلاب اسلامی در ایران این رژیمها یا ناچار بقیه در صفحه ۲۸

قدس را با مسلسل های متکی به ایمان و قدرت اسلام باید آزاد کرد

امام خمینی

امدادها غیبی

بنام خدای پرورش دهنده شهدا و صدیقین

در جنگ اسلام و کفر شاهد بسیج الهی مردم و بیداری فطرتها می باشیم که چگونه توده های شهادت طلب امر خدا را که همان مبارزه با کفر کمب دیودی است به انجام می رسانند و جان خود را در طبق اخلاص نهاده و بسا وجود کمترین امکانات و ساده ترین سلاحها توانستند اند بر کفار بعثی با ابزار مدرن و پیچیده غلبه نمایند .

در طی جنگ تحلیلی بارها شاهد بوده ایم که امت رزمند ما از بیرون جوان از هر تشریحی بسیج شده و سوسی جبهه ها شتافته و حماسه های مقاومت ایثار و شهادت را بسجود آورده و به تکلیف الهی خود عمل کردند در این رابطه مدد های غیبی که همان نصرت و الطاف الهی می باشد رزمندگان صدیق ما را که در صدد تحقق سنت خدا هستند همواره یاری داده است باید دانست که امداد های غیبی در همه حال وجود دارد و این جزو سنت لایتغیر الهی است . و به اعتبار بسیج توده ها و تحقق دادن سنت خداوند است که این مدد های نمود بیشتری پیدا می کند .

عده ای گمان دارند که بدون حرکت کردن و دست به عمل زدن نمیتوان در انتظار کمک و نصرت الهی بود و یا اینکه امداد غیبی را صرفا در پیروزی ها دیده در این رابطه نقش توده های بسیج شده و شهادت طلب را در فراهم آوردن زمینه برای یاری رساندن خدا وند در نظر نمی گیرند در حالیکه

نقش ایثارگرانی چون شهید حسین فهمیده که امام او را رهبر خود نامید را در حفظ و تحقق آرمانهای الهی نمیتوان نادیده گرفت آیا میتوان نقش انسانهای بسیج شده ای که فطرتهایشان بیدار شده و امر خدا را انجان

تحقق داده اند که خود تجسم عینی فطرت گفته اند را به فراموشی سپرد؟ آیا امر بسیج مستضعفین عده ترین امداد غیبی نیست؟ آیا بدون ایمان و بسیج مستضعفین میتوانیم منتظر نصرت و الطاف الهی و امداد غیبی باشیم؟ آیا اگر در حالت نیازمندی و بسیج نباشیم قادریم از یار و یاران و طوفان و سایر امکانات در

جبهه حق استفاده نمائیم؟ آیا وقتی هر استثنائی را امداد غیبی بنام خود امر بسیج و رزم بسیج و رهبر بسیج کننده به عنوان عده ترین امداد غیبی به فراموشی سپرده نمیشود؟ آیا بعد از قیام و اخراج که ساواک خلق مستضعف ما را سرکوب می کرد و پیروزی های ظاهر بی بدست می آورد آنها هم امداد غیبی بودند؟ یا امداد غیبی فقط در جهت حق و در حالت بسیج و ایمان و نیازمندی است که بسیاری حق طلبان می آید؟

پاسخ بدین سوالات را باید در انسانهای خدا جویی جستجو کرد که در رهبر شرایطی قادرند خود را بسیج نموده و همه پدیده ها را در اختیار بگیرند انسانهایی که در همه حال تکلیف الهی خود را به انجام میرسانند

اگر در مقاطعی نیز از دشمن سربه بخورند آنرا ابتلا دانسته و با جمع بندی از علت سربس آنرا به منزله تازیانة تکامل برای خود بشماریم. آوردن پیروزی ها و مدد های غیبی در جبهه های اسلام نشان دهنده ایمان این توده ها میسج شده است و شکست دشمن بدلیل رعسب و وحشت آن از جبهه حق می باشد رزمنده گان مومن ما با ایمان به غیب که همان ایمان به خدای قادر می باشد قدرت خدا را بالا ترین قدرتها دانسته و متوسل به عیب قدرت دیگری نمیشوند که این موجب آرامش و طمانینه آنها می شود . برادران ما از تعداد کثیر دشمن و ابزار پیچیده آن رعبی به دل راه نمی دهند و با تمام قوا و ساده ترین سلاح بر علیه دشمن وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم بسیج شده و فتح الفتوحها و فتح المبینهارا بوجود آورده اند .

امداد غیبی بر اساس نیازمندی (خدا جویی)

ایمان به غیب بدیهی ترین و فطری ترین رابطه ای است که انسانها با خدای خود دارند و این بر اساس نیاز بینهایت طلبی و خدا جوی است که در همه انسانها بدون استثنا وجود دارد به عبارت دیگر ایمان به خدا (وجود واحد مستقل از ذهن حاکم بر پدیده ها) در همه انسانها وجود دارد منتهی تصویری که از جهان دارند بایکدیگر فرق دارد بقول شهید مطهری : " ایمان به غیب آنوقت ایمان به غیب است که انسان یک ایمان هم بسبب رابطه خودش با غیب داشته باشد ایمان داشته باشیم که اینجور نیست که غیبی هست جدا و ما هستیم جدا . باید به مدد های غیبی ایمان داشته باشیم ."

همانطور که گفته شد رابطه خدا و پدیده ها یک رابطه یک طرفه و یا با واسطه نیست و اینطور نیست که غیب و پدیده ها دو عنصر جدا از هم و بدون رابطه باشند بلکه رابطه ای بر اساس ایمان و نیازمندی وجود دارد و بلا واسطه هر انسان به نسبت نیازمندی و قرب به خدا میتواند از مدد های غیبی بهره گیرد .

بسیج مستضعفین بزرگترین امداد غیبی

جوهره جنگ اسلام و کفر را باید بسیج امت رزمنده و شهادت طلب دانست فعال شدن جوهره انسانها و به عبارت دیگر بسیج الهی توده های مستضعف در جنگ و ظهور ایثارگرانی چون شهید حسین فهمیده که فقط لقا الله و رضای خدا برایشان هدف بوده امداد غیبی است و باید این امداد غیبی را درک کرد و بدربنی کشف قانونمندی آن برآمد و خود را به آن مسلح نمود تا امدادها استمرار یابد اکنسد چنانچه در عملیات طریق القدس توده های بسیج شده و شهادت طلب توانستند بدون تکیه

سلاحهای سنگین و پدیدینه بستان را آزاد کنند و بر دشمن بعثی غلبه نمایند در این عملیات باران شدیدی در گرفت بود که موجب شد تانکهای بعثی ها در کل مانند و در نتیجه کفار بعثی فرار کردند و باران به منزله رحمتی بران جبهه اسلام به منزله تهر و غضب خدا برای کفار به شمار آمد و با در عملیات پیروزمندانة فتح العیسن به هنگام آزادی تنگه رقیبه طوفان شنسور در رملهای وسیع آن منطقه آغاز شده و دید دشمن را کور و به تشییت موانع ما سرعت بخشید که موجب یاری بیشتر رزمندگان صالح خدا و ضربه به دشمن را فراهم ساخت و همانطور که امام فرموده ساند علت این پیروزی ها ایمان به غیب و طمانینه و آرامشی است که در قلوب رزمندگان ما بوجود آمده بود که موجب بیداری و استقامت آنها گشته و در نتیجه دشمن به رعب و وحشت افتاده و سردرگم می شود (یا ایها النبئی حبریز المؤمنین علی القتال ان یکن ینکم عشرون ضایقو یغلبوا مائین وان یکن ینکم مائة یغلبوا المائین الذین کفروا بانهم قوم لای یقهمون) آیه ۶۵ سوره انفال .

ای بیخبر بر انگیز مومنانرا بر جنگ اگر از شما بیست تن برد بار باشد چیره شوند بیست تن و اگر باشد از شما صد تن چیره شوند یک هزار را از آنها که کور زینند این بدانست که ایشانند گروهی که در نیابند .

در این دو عملیات دو جمع بندی مطرح بود الف - بینشی که تکیه به فطرتهای پاک داشته و این پیروزیها را نتیجه الهی شدن قلبها و ایمان به غیب میدانست و دست مدد غیب را در همین بسیج توده های می دید که برایشان پیروزی یا شکست ظاهر ملاک نبود و با هر مشکل و مانعی به مقابله می پردازند این دیدگاه با جمع بندی از حرکت و درک قانونمندی بسیج توده ها سعی می کند بسیج را استمرار بخشد .

ب - ایمان به غیب داشته و این پیروزی ها را نتیجه امداد غیبی می داند ولی درسی اینکه چگونه ایمان به غیب عامل پیروزی است نمی باشد این تفکر امداد غیبی را پدیده خاصی می بیند که بعنوان یک عامل خارجی و فوق العاد انسانی در حوادث و تحولات نقش پیدا میکند و تنها امداد غیبی را آمدن باران و طوفان و شنسور و جدا از انسان نیازمند و بسیج شده در راه رستگاری می بیند و در نتیجه به انجامی رسد که نقش توده ها و بسیج آنها را دیده و گزیده و در زمره تائی که میخورند به جای آنکه به بررسی علل درونی و نارسائیهای نیروهای حق بپردازد آنها را به خواست خدا نسبت داده و لذت ابدی یابنده می شود . برای رشمیایی این دو دیدگاه و اثرات آن در زیر به توضیح بیشتر آن می پردازیم :

رابطه صحیح بین خدا و پدیده ها

همانطور که گفته شد تفکر اول ایمان به غیب دارد و بدنبال درک قانونمندی و مکانیزم امداد غیبی می باشد و لذت در سر را در بسیج و الهی شدن توده ها می بیند این دیدگاه خدا را قادر و حاکم بر همه پدیده ها و کارها می داند و نقش خدا را تنها در مقاطع و شرایط و حالت های خاص ندیده و خدا را لحظه به لحظه ناظر بر تمام اعمال خود می بیند در نتیجه اگر پیروز شود با انتساب آن موفقیت به اراده خدا و پناز ضرور نشده و اگر ضربه بخورد آنرا شکست ندانسته بلکه

ابتلا می داند و با جمع بندی از حرکتها قانونمندی توحیدی آنها را بیشتر درک کرده و دست غیب را در آنها می بیند و لذا ایمانش را از دست نمی گرداند . بقول امام " اگر ما همه چیز را از غیب بد انیم پیروزیم . یعنی منشأ همه چیز خدا ای آشکار (غائب از نظر ما) بد انیم . در تمام مراحل رشد انقلاب اسلامی و در طی جنگ اسلام و کفر تمام پیروزی های ما داشته ایم نتیجه ایمان به غیب بوده است چنانچه امام خمینی در بیانی به مناسبت سالروز قیام ۱۷ شهریور سال ۱۳۶۱ گفتند : " قیام ۱۷ شهریور جلوه الهی و قدرت ایمان به غیب را نشان داد "

امام قیام ۱۷ شهریور را که منجر به شهادت هزاران انسان مسلمان شد را جلوه الهی و نشان ایمان به غیب میدانند چرا که این قیام پیروزی خون بر سر شمشیر بوده و منشأ قیامهای دیگری شد که به سرنگونی طاغوت و پیروزی انقلاب اسلامی منجر گردید و این امر جز با بسیج توده های مومسن امکان پذیر نبود در حالی که جریانهای که معتقد به بسیج توده ها نبودند این قیام را کور و کشتار وسیع آن توسط مزدوران شاه را نتیجه قدرت رژیم دانستند و به خط مشی های رفویستی و گام به گام بر علیه طاغوت رو آوردند ولی رهبری قاطع امام امت و اوج خشم امت بیدار ما این توطئه را خنثی نمود .

از توحیرکت ، از خدایپرکت

این پیش معتقد است که به اعتبار قدم گذاشتن در راه خدا و حرکت کردن در جهت اوست که یاری و مدد خدا شامل حال بندگانش می شود . و برای همین سعی می کند در عمل صالح زمان اعمال ترین برخورد را بنماید تا بدین وسیله خدا را یاری کند و نصرت خدا نیز او را شامل شود .

(ان کتفروا الله ینصركم و ینصرتهم اعدائکم) و در نتیجه مکانیزم امداد غیبی را در سعی و کوشش و حرکت خود در جهت الله می داند .

شهید مطهری در این مورد گفته اند : ولی در دین عده ای آن رابطه ای است که میان بنده و خدا میان ما و جهان غیب برقرار می کند . از یک طرف ما را وادار می کند بعمل به کوشش و به تعبیر امیرالمومنین به خدمت و از طرف دیگر می گوید که پیوند ها رابطه های معنوی میان غیب و اینجا هست . تودعاکن ، توبخواه ، تواستمدادکن از یک راه نهانی خودت می دانی ، به هدف مرسس . به نتیجه می رسی ."

سنت لایتغیر الهی

این تفکر امداد غیبی را استثنای در قانون الهی و باید پدیده خاصند انسته بلکه پدیده ها را تابع سنت لایتغیر الهی غلبه حق بر باطل می داند و معتقد است نظام خلقت ثابت و لایتغیر بوده هیچ استثنای این نظم را بر هم نمی زنند و همه چیز را تحت حاکمیت خدا می دانند (و لن تجد السنة الله تبدیلا)

هرگز در سنت خدا تغییر نخواهی یافت و بر همین مبنا است که این امداد های غیبی پدیده خاص و استثنای نمی باشد بلکه آنها همه تابع سنت الهی یعنی غلبه حق بر باطل می باشند چنانچه در واقعه طبرس تجاوز امریکا و سقوط هواپیماهای آنها بر اثر طوفان و بی اثر ماندن توطئه هایشان ، امام می گویند آن شما مامور

بسم الله الرحمن الرحيم

برداشتهای غلط از صلح امام حسن (ع)

ظرافتهای صلح امام حسن (ع)

کید متین

چنانکه حسین بن علی (ع) نیز صلح امام حسن را قبول داشت و وی را به امامت پذیرفته بود.

اگر با زندگی و خط مشی ائمه، برخورد سطحی و ظاهری کنیم، عملاً به ۱۲ خط مشی مختلف میرسیم و در این کثرت شیوهها، نمی توانیم تشخیص دهیم در شرایط کنونی انقلاب کدامیک از آنها باید الگو و سرمشق قرار گیرد. اینکه آیا زمان قیام حسین (ع) است یا صلح امام حسن (ع)؟ آیا عمل صالح، دانشگاه امام صادق (ع) است یا دعا و افشاکاری های حضرت سجاد (ع) علیه رژیم یزید؟ از دیدگاه منطق توحید، تمامی انبیا و ائمه اطهار در یک خط واحد حرکت کرده و در کادر خط مشی توحیدی عمل میکرده اند و کار هر یک از آنها تحقق اصول متناسب با شرایط خودشان بوده است.

صلح امام حسن (ع) (کید متین) در شرایط خاص، قیام امام حسین (ع) در شرایط دیگر و... هر کدام یگانه عمل صالح زمان بوده اند. جوهر خط مشی ائمه، رشد و گسترش امت واحده و درگیری قهرآمیز با دشمن

مادر معصومیت امام حسن (ع)، شک نداشته

و ایمان داریم که خط مشی هر یک از ائمه عمل

صالح زمان خودشان بوده است.

بوده است. اما شیوههایی که برای این منظور به کار می گرفته اند، متناسب با شرایط جامعه و انسجام درونی امت واحده بوده است. در هر زمان و شرایط خاص تنها یک عمل صالح و انقلابی بیشتر نمی تواند وجود داشته باشد. وقتی تکلیف الهی و امر امام حسن (ع) عقد صلح علیه معاویه است، شیوه های دیگر تماماً غیر انقلابی

محسوب میشوند. به همین ترتیب در حال حاضر، استراتژی فتح قدس از طریق کربلا علیه کمپ دوید با شیوه اسلامی فهیمة های عمل صالح زمان است. این خط مشی به رهبری امام خمینی از محکمت انقلاب اسلامی است و هر مرجع و نیرویی در کادر این استراتژی فعال نباشد، از عمل صالح زمان دور می افتد.

ضرورت کار روی کید متین امام حسن (ع) در شرایط حاضر

در صدر اسلام، حضرت علی (ع) هم رهبری نهضت اسلام را بعهده داشت و هم خلیفه مسلمین و در رأس نظام اسلامی بود. اما جریانهای خزنده و اسلام نما با گسترش تدریجی و کسب پایگاه در بین مردم توانستند در زمان امام حسن (ع) بین نهضت و نظام فاصله ایجاد

کنند. طوریکه امام حسن (ع) رهبری نهضت اسلامی را داشت اما نظام حکومتی بدست معاویه افتاد. در شرایط کنونی، امام خمینی هم در رأس نهضت اسلامی و هم در رأس نظام جمهوری اسلامی قرار دارند. لیکن از جریانهای خزنده و فرمیستی که در پی تکرار تاریخ در شکل پیچیده تری هستند، نیز نباید غافل بود. اسلام نما یا شیعی که در شعار از همه سلیمان ترند و با طرح شعارهای تثبیت شده در انقلاب، سعی دارند پایگاه مردمی کسب کرده و در سطح گسترده ای در نظام حاکمیت پیدا کنند. در صورت شکل گیری این کودتای خزنده، نهضت و نظام از یکدیگر جدا می شود. اینها سعی دارند نظام حکومتی را از دست خط امام خارج نموده و به نهضت اسلامی ضربه بزنند.

تا کنون از زاویه های مختلفی روی ویژگیهای صلح امام حسن (ع) کار شده است. عده ای از صلح تعبیر سازش کرده و از آن بعنوان يك "نرمش تاریخی" یاد می کنند. در این رابطه بعضی می گویند "جنگ تحمیلی، صلح تحمیلی" یعنی دشمن هم جنگ را به ما تحمیل می کند و هم سعی دارد صلح را تحمیل کند و در زمان امام حسن (ع) صلح از جانب معاویه تحمیل شده است. بعضی دیگر می گویند: در آن شرایط زمانی، اسلام مورد تهدید قدرتهای خارجی نظیر دولت روم قرار داشته و درگیر شدن نیروهای امام با دشمن درونی، موجب از دست رفتن مسلمانان و تضعیف قدرت اسلام می شده است. در نتیجه برای حفظ انسجام در مقابل نیروهای خارجی کوتاه آمدن را امری اضطراری و اجتنابناپذیر میدانند. از نقطه نظر این جریانها صلح امام حسن (ع)، يك نسوع کوتاه آمدن است. که با این دیدگاه، قادر به درک جوهر حرکت امام نبوده و در شرایط حاضر نیز نمی توانند از صلح امام حسن (ع)، يك خط مشی صحیح و انقلابی الهام بگیرند. مثلاً در جریان انقلاب میگویند امام خمینی سید حسینی و شریعتمداری سید حسینی است و هر کدام با صلاحیت خاص خودشان عمل می کنند. به این ترتیب هم جریان انقلابی و هم جریان رفرمیستی و سازشکار را به اهل بیت متصل نموده و شریعتمدار را تطهیر و عملکرد او را توجیه شرعی می کنند. اینها صلح امام حسن (ع) را به حرکت سازشکارانه قلمداد نموده و سپس آن را بدلیل اینکه از جانب امام معصوم انجسام گرفته، تأیید می کنند و به این جمع بندی میرسند که برای حفظ مصالح اسلام می شود سازش هم کرد و در مقابل دشمن کوتاه آمد.

در برابر جریان فوق عده ای دیگر تلاش خود را در این زمینه متمرکز می کنند که نشان دهند امام حسن (ع) سازشکار نبوده و تعبیر جریان فوق الذکر درست نیست. کار این عده تبرئه امام و دفاع از او در برابر اتهامات است. اینها اصلاً دفاع از اسلام را در جوابگویی به مخالفین و مطلق زدایی از آنان میدانند و به جای اینکه به محتوای صلح امام حسن اصالت داده و در پی درک جوهره آن برآیند، وظیفه خود را صرفاً در نفی دیدگاه مخالفین خلاصه می بینند اینها همواره نقطه نظرهای مخالفینشان را مبنا قرار داده و می خواهند به آن پایا سخ بگویند.

انگیزه ما در بررسی ظرافتهای صلح امام حسن (ع) با توجه به اینکه تا کنون روی ظرافتهای صلح امام حسن (ع) و تهاجمی بودن آن، کمتر کار شده است، بر آن شدیم تا در یک بررسی اجمالی پاره ای از ویژگیهای صلح امام را مطرح نموده و در رابطه با شرایط فعلی انقلاب، آن کسب شیوه نمائیم.

مادر معصومیت امام حسن (ع) شک نداشته و ایمان داریم که خط مشی هر یک از ائمه عمل صالح زمان خودشان بوده است و در این بحث با ایمان به عمق مکتبی صلح امام حسن (ع) می خواهیم ظرافتهای آن را شناخته و

بینیم چطور شد که معاویه محتوای انقلابی این پیمان را که کید متین بوده درک نکرد و یا قبول آن، ضربه خورد. آن کیدی متین (قسمتی از آیه ۱۸۳ سوره اعراف).

امام حسن (ع) در جنگهای زمان حضرت علی (ع) چه رشادتها که از خود نشان نداده بود. وقتی او تصمیم به صلح میگیرد حتماً عمل صالح و تکلیف الهی خویش را در این شیوه خلاصه می بیند.

صلح امام (کید متین)، پیمان عدم تعرض نبوده و هشت سال زندگی بعد از صلح و مبارزه مخفی امام حسن (ع) علیه رژیم معاویه نشان دهنده جوهر قهرآمیز این صلح است و به هیچ وجه نمی توان از آن تعبیر سازش و نرمش کرد. بیشک اگر هر کدام از ائمه در زمان آن حضرت بودند برای انجام تکلیف الهی خویش، همینگونه عمل میکردند.

تکسیر، تصفیه، تسرور (فرمول ۳ ت)

تسرورسم آمریکایی با ترور کادرهای مکتبی انقلاب در پی ایجاد خلا، در پستهای حساس ملکتی است. جناحی دیگر با شیوه های مارکزی، تهمت و تکفیر، عده ای از خط امامیها را منزوی و از نظام کناری گذارند و منفعل می کنند. دشمنان سعی دارند تا با خالی شدن تدریجی پستهای حساس از نیروهای متعهد و مسئول، کارها بدست افراد کم کیفیت بیفتد و زمینه ناراضی مردم و سر خوردن آنها از نظام، فراهم آید به قول هواداران رجوی: می خواهند خوبهارا بزنند و بدهارا حاکم کنند تا مردم با بدها درگیر شده و خودشان بعداً حاکم شوند.

(رجوع شود به راه مجاهد شماره ۲، سخنی بسا هواداران ساده اندیش جنبش ملی مجاهدین). در این بین دشمن، با ترور حزب اللهی ها و انفجار در مراکز پر جمعیت، تلاش می کند تا از حضور فعال مردم در صحنه جلوگیری و جو وحشت و انفعال را حاکم نماید. در صورت عدم مبارزه بنیادی و خطدار با این توطئه ها، يك چرخش تدریجی و ملایم به سوی "تعديل حاکمیت" انجام می پذیرد. این تغییر حالت تدریجی و خزننده دارد. زیرا که جریان اسلام نما و نفوذی، شمارهای نهضت اسلامی را مطرح می نماید و به سادگی نمیتوان بین نیروهای خط امام و جریان غیر مکتبی فرق گذاشت. مگر اینکه در پی شمارها، شیوه ها و مواضع آنان نیز دقیقاً و بطور مستمر بررسی شود. به این تسرتیب در وضعیت فعلی انقلاب، اسلام مورد تهدید معاویه های دیگری است و ما با بررسی ظرافتهای حرکت امام حسن از جنگ تا صلح، می خواهیم از او درس بگیریم که چگونه در برابر دشمن درونی، برای حفظ نظام اسلامی باید تلاش کرد و در این رابطه چه شیوه هایی باید اتخاذ نمود. همچنین ببینیم که اگر قدرت حفظ نظام مبتنی بر نهضت اسلامی را نداشته ایم و اگر نتوانستیم جریانهای نفوذی و رفرمیست را منزوی نمائیم، با چه شیوه ای نهضت را از نظام مرزبندی کرده و حرکت را عمدتاً در قالب نهضت اسلامی و رشد و گسترش آن ادامه دهیم.

* * *

بررسی اجمالی از وضعیت جامعه در زمان امام حسن (ع)

پس از شهادت حضرت علی (ع) امام حسن (ع) به خلافت رسید. امام در شرایطی حکومت را بدست گرفت که در کوفه که مرکز و پایگاه حکومت اسلامی بود، جریانهای دستبند بیهای گوناگونی وجود داشت. انعکاس این دستبندیها را دقیقاً در لشکر ۱۲ هزار نفری که حضرت علی (ع) تدارک دیده و اکنون تحت رهبری امام حسن در آمده بود، نیز می توان دید. طیف بندی نیروها در ابتدای به خلافت رسیدن امام حسن (ع) به شرح زیر است:

۱- باند اموی: این گروه از طبقه معاویه و اشرافزاده بودند که در لشکر امام حسن نفوذ کرده و در جهت از هم پاشیدن انسجام درونی آن، شیوه هایی نظیر جاسوسی، شایعه افکنی و... را بکار می بردند.

۲- الحمران: اینها بازوی نظامی در دست قدرتهای آن زمان بودند که برای باند معاویه مسزوری میکردند.

۳- خوارج: جریان چپنمایی بودند که شعار مبارزه مسلحانه با معاویه را مطرح میکردند و به امام حسن (ع) مارک سازشکاری می زدند. ویژگی اصلی این جریان، مخدوش کردن مرز حق و باطل و ایجاد شک و دودلی در بین مردم، نسبت به حقانیت امام حسن (ع) بود.

۴- شکاکها: چپ نمایی خوارج از یکسو و اسلام نمایی معاویه از سوی دیگر، موجب افزایش تعداد شکاکها در سپاه امام شده بود. اینها به حقانیت امام ایمان نداشته و به علت جو خط خطی جامعه، در تردید و دودلی بودند این امر از آن جهت بود که ملاک حق و باطل یا اسلام و کفر از دیدگاه این جریان، قبول ظاهری و شکلی خدا و اسلام بود. و تنها با این ملاک نمی توانستند حق و باطل را از هم تشخیص دهند. حال آنکه اگر ملاک تشخیص اسلام و کفر را شیوه های اسلامی قرار می دادند، به

بقیه در صفحه ۲۶

با صبر و تحمل انقلابی به پیش تا گسترش عدل الهی و اسلام عزیز امام خمینی

بنام خدای صدیقین و صالحین

اتخاذ شیوه ازائمه

حر آفرینی

یا حرکت جوهری امام حسین (ع)

امام حسین (ع) وجهش "حر"

در طول حرکت امام (ع) خطاب به لشکر حر خطبه هایی داشته اند که در آن اهداف خود را روشن ساخته و به افشای ماهیت این زیاد پرده اختند که این تذکرات موجب رشد حر گردید.

امام در حرکت خویش به سمت کوفه ضمن پاسخ به خواست اصلی کوفیان که نیاز به پیوند با امامت حق بود در خطبه هایشان به معرفی خود به عنوان امام برحق از سیره نبی اکرم (ص) مسی پر از بند و چنین می گویند: "فرستادگان شما نزد من آمدند و در نامه های خود نوشتند که ما را امامی نیست پس بسوی ما رهسپار شو..."

سپس امام خط مشی خود را مشخص کرده و به آنها هشدار میدهد که:

"ای مردم... حق را برای اهلش بشناسید خدا را از شما خشنود میسازد... ما خاندان پیغمبریم... و سزاوارترین اینان (یزیدیان) به حکومت بر شما می باشیم."

و اینکه به ویژگی ضد ظلمی انسانها را دعوت به مبارزه علیه کفار کرده و چنین میگوید: "هر کس حاکم بیدادگری را ببیند که حرمت های خدا را حلال می شمارد... پرمعاصل و گرفتار خود او را بازندارد... برخد لازم است که او را بآن حاکم ظالم به یکجا ببرد."

از جمع بندی شیوه های امام (ع) به این نتیجه میرسیم که هدف، برخورد هدفمند آمیز با لشکریان حربه است... چنانچه در برابر اعمال تند آنها برخورد مکتبی و صبورانه را پیشه کرده و به آنها اجازه انتخاب و رشد می دهد و طریقه خواست اصحاب خود برای جنگ بالشکر حر، امام ابتدا جنگ را شروع نمی کنند و به برخورد های عکس العملی دست نمی زنند... در همین حالیکه با این زیاده و فرستاده اش برخورد قاطع کرده و حتی حاضر به جواب دادن به نامه اومسی - شوند و به این ترتیب زمینه های مساعد را برای بروز نیازهای حر و پیوستن به سپاه حق را فراهم می آورند.

جوهره حق طلب و زمینه های درونی "حر"

حرا انسان حق طلب و آزاده ای بود و به خاندان نبوت و ائمه اطهار (ع) ارادت داشت... او را اولین برخورد علیرغم مأموریتش برای دستگیری امام پشت سر امام نماز میگردارد... هنگامی که راه امام را در رفتن به کوفه سد کرده و مأموریت خود را بیان می کند امام با او برخورد تند و قاطعی می کند و می گویند "مادرت به عزایت بنشیند" او در جواب امام می گوید: "به خدا اگر کسی جز تو این را گفته بود سزایش را میدادم... چه کنم که برای مادرت و توجیز احترام نمی توانم بر زبان آورم."

برخورد های امام حسین (ع) حر را به تزلزل انداخته بود و او را بر سر راهی قرار داده بود زیرا در هنگام سرسختی و عدم

از آنجایی که شیوه های ائمه و معصومین و اصحابشان در طول تاریخ الگویی ارزنده برای بشر بوده است بر آن شدیم تا از برخورد امام حسین (ع) با حریین یزید ریاحی درس گرفته و آن را با موزیم و در صد و تحقق آن در انقلاب اسلامی برآئیم.

اینکه با جریان باطل و کفر کمب د یویدی و همچنین پایگاه آن چگونه برخورد کنیم؟ تا چون امام حسین (ع) جریان صادق آنها را جذب و اصطلاحاً "حر آفرینی" نمائیم... آیا جریان کفر و ضد انقلاب اسلامی، جریانسی یکپارچه است؟ یا اینکه جریان فوق نیز دارای مراتب مختلف از ائمه الکفر و ضد انقلابیونی که آگاهانه به مبارزه با اسلام و امام و مستضعفین پرداخته اند و سعی دارند تا افراد گول خورده و احمقان صادق در خط ضد انقلاب را جذب نمایند، می باشد؟ اینکه چگونه با مراتب این جریان باید برخورد شود؟ تا ضمن حفظ دستاورد های انقلاب از توطئه های دشمنان بتوانیم هر چه بیشتر صفوف دشمن را متفرق تر نموده و صف طرفداران حق را منسجم و افزونتر کنیم.

برخورد امام حسین (ع) با حرمونه ای از چنین برخورد اصولی می باشد... در واقعه کربلا می بینیم که امام (ع) با شناخت عمیق از مراتب جریان کفر با هر یک برخورد اصولی متناسب را میکند... به این ترتیب می بینیم که موفق می شود در طی این برخورد ها اولاً لشکریان حق را منسجم تر و نسبت به دشمن و شیوه ها - بش آگاه تر نموده و ثانیاً بر صف بظاهر متحد دشمن جنایتکار تشدت و تفرقه ایجاد نماید و آنها را جذب جریان خود کند و با حرکتی که در رون باطل ایجاد شده پیوند می خورد و ثالثاً به دشمن شدید ترین ضربات را وارد مینماید و آنها را به هم بی اعتماد تر میکند.

نمونه های چنین برخورد توحیدی در انقلاب اسلامی بسیار دیده میشود:

برخورد امام با ارتش طاغوتی نمونه ای از یک برخورد هدفمند است... آمیز توحیدی بود که ضمن قاطعیت و سازش ناپذیری در مقابل سران وابسته ارتش شاهنشاهی، برخوردی هدایت آمیز با توده های ارتش نمودند و این باعث شد که توده های ارتش ماهیت وابسته فرماندهان طاغوتی را شناخته و به صفوف امت بپیوندند... این برخورد ضمن تفرقه در دشمن، موفق به جذب عناصر صادق ارتش که عمدتاً آگاهانه به فرماندهان خود خدمت می کردند نشد و نیروهای بینابینی که جنایات فرماندهان ارتش طاغوتی را امید میدادند به همدردی و کمک به انقلابیون، کشاند.

در این مرحله از انقلاب اسلامی نیز، باید اساس خط مشی خود را بر رشد نیروها و جذب آنها قرار دهیم و جریانهای مختلف را سرز - بندی کرده و نیروهای صادق و حق طلب را جدا نمائیم و با هر یک برخورد توحیدی متناسب با آنها را بنمائیم... این تفکر را که باطل باطل است و فرقی بین هیچکدام نیست کنار بگذاریم

در این مقاله دو عامل بنیادی را در حرکت حر مورد توجه قرار داده ایم...
۱ - شیوه های برخورد امام حسین (ع) با حریین یزید ریاحی
۲ - جوهره حق طلب و زمینه های درونی "حر"

تبعیت امام از رفتن با حربه نزد این زیاد هر به امام توصیه می کند... که از راهی برو که نه به مدینه و نه به کوفه ختم شود چرا که در غیر این صورت این زیاد مرام موربه جنگ با تو خواهد کرد... و در همانجا امام قرار دادی بست که موقتاً اقدامی علیه امام نکند.

"حر" عدل طلب نمی توانست در مقابل ظلم این زیاد اقدام به جنگ با سید الشهدا بنماید... سرانجام در برابرندای امام حسین (ع) در صحرای کربلا که می فرمایند "امان مغیث یغیث لوجه الله امام من ذاب یدب ان حرم الرسول الله... آیا فریاد رسمی هست که در راه خدا به فریاد ما رسد... آیا مدافعی هست که شرایین مردم را از حرم پیغمبر (ص) بگرداند..."

تصمیم خود را میگیرد و بسوی لشکر امام حسین (ع) میتازد و آن لحظات سخت را برای آسانی دنیا و آخرت طی می کند... پس از پیوستن به امام برای مردم کوفه سخنرانی کرده و اعمال بد آنها از جمله پیمان شکنی و بستن آب بروی اولاد پیغمبر را تهنیت می کند و بالاخره به فیض شهادت می رسد.

حرکت امام حسین (ع) در سی برای امروز

برخورد های هدایت آمیز و مکتبی با نیروها و جریانهای مختلف (چه در جنگ و چه نیروهای داخلی) گسترش و تدایم نهضت اسلامی است.

بیانیم در این راه برخورد های امام حسین (ع) با یزیدیان را فراراه خود قرار دهیم و ضمن برخورد با سرسپردگان و مزدوران دشمن و ائمه الکفر، جریان "حر" در صف دشمن را شناخته و سرورش را هم.

در این مرحله از انقلاب اسلامی نیز، باید اساس خط مشی خود را بر رشد نیروها و جذب آنها قرار دهیم و جریانهای مختلف را سرز - بندی کرده و نیروهای صادق و حق طلب را جدا نمائیم و با هر یک برخورد متناسب با آنها را بنمائیم... این تفکر را که باطل باطل است و فرقی بین هیچکدام نیست کنار بگذاریم.

جریان "حر" در ارتش عراق

در این مرحله کربلایی جنگه باید با شیوه های مکتبی پایگاه انقلاب اسلامی در ارتش عراق را شناخت و در همین اسرار و معاودت مسن عراقی جریان حر آن را تقویت کنیم تا به باری مردم در بند خودشان بشتابند.

چنانچه امام با رها به رزمندگان رهنمود داده اند که به عکس العمل نیفتاده و شیوه اسلامی را در دفع تجاوز و تکرار بگیرند تا واقعیت انقلاب اسلامی ایران برای مستضعفین عراق و توده های ارتشی آن روشن گردد... تا ضمن ایجاد تفرقه در رون ارتش عراق و جذب "جریان حر" آن به انقلاب اسلامی، نیروهای بینابینی را نیز در عراق و منطقه و جهان که شاهد شیوه های غیر انسانی بعث عراق جنایتکار می باشد به همیاری و حمایت از

انقلاب اسلامی بکشانند.

شناخت جریان حر در رجیم داخلی

یکی از مسائل انقلاب اسلامی برخورد با جریانهای انحرافی است که با ترویج و اعمال خشونت آمیز خود سعی دارند که از یک طرف کارهای باصلاحیت انقلاب اسلامی را از بین برده و از طرف دیگر با ایجاد جو خشونت آمیز، جمهوری اسلامی را نیز به خشونت بکشانند تا از مسیر اصلی خود عدول کند... در مواجهه با این جریانات ضمن برخورد قاطع با جنایتکاران آنها باید با شیوه های مکتبی "جریان حر" را که دستش به جنایت آلوده نشده و به خاطر عشق به اسلام و مردم نا آگاهانه بدام دشمن افتاده است، جذب کنیم.

برای پرورش "جریان حر" نباید عکس العمل بیاعتنا

همانطور که امام خمینی گفته اند: ما فرض می کنیم که شما وقتی که رفتید یک انحرافات دیدید انحرافات را با انحراف اصلاح نکنید انحراف نمی تواند انحراف را مستقیم کند... انحرافات را با نور هدایت خدا و به اسم رب مستقیم کنید... با اسم خدا ترویج کنید و با اسم خدا حرکت کنید و با اسم خدا هدایت کنید و با اسم خدا ترویج کنید و با اسم خدا انحرافات را مستقیم کنید (۱)

شیوه های اسلامی ضامن پیدایش جریان "حر"

برخورد امام حسین (ع) با "حر" یک قانونبندی است که در برخورد با تمام نیروها - ها باید راهنمای عمل قرار گیرد... بد اینم که تدایم نهضت در رگ و پیکار استن شیوه های اسلامی می باشد... و در این راه ضمن برخورد اسلامی با نیروهای صادق مومن به انقلاب موجب زدگی و دل سردی آنها نشویم و نیروهای بینابینی ضد انقلاب را جذب نمائیم.

و السلام

در آینده زندگی حر را جد آگاهانه بررسی خواهیم کرد.

پاورقی: (۱) - تفسیر سوره علق، چاپ حزب جمهوری اسلامی

منابع: نفس المبهوم - منتهی الآمال - راه حسین، احمد رضایی - ناسخ التواریخ هفتاد و دتن و یک تن.

سخن امام

راهنمای مستضعفین



بسم الله الرحمن الرحيم

اطلاعات ۶۱/۶/۳۰

فاجعه بزرگ آن است که ایمن دولتهای مدعی اسلام برای نازشست آمریکا و اسرائیل فعالیت میکنند که مو به مو طرح کمپ دیوید یا شبیه آنرا اجرا کنند و بدنبال آن جنایت عظیم صریحا "اسرائیل را برسمیت یا به آقایی می شناسند ... باید شیطان بزرگ و میانه و کوچک اولی وسطی و عقبه" را از حریم مقدس اسلام و کعبه و حرم راند و باید دست شیاطین را از کعبه و حرم کشورهای اسلامی که حرم آن است قطع کرد ...

برخورد دولتهای بزرگ با ملت ایران برای مردم بازگو شود ... اگر مسا می گوئیم که اسلام باید صادر شود یعنی اسلام در همه جا رشد پیدا کند و ما بنا نداریم که در جایی دخالت نظامی بکنیم ...

کپهان ۶۱/۶/۱۸

انشاء الله دولت و مجلس آنچه که مصلحت جامعه است در نظر بگیرند و کاری کنند این مستمندان که در طول تاریخ محروم بوده اند را نجات دهند ... باید گفتگو شود که خدای ناخواسته کاری نشود که جهاد کاری نتواند بکند ...

اطلاعات ۶۱/۶/۲۸

دولت بدون پشتیبانی مردم نمی تواند کار بکند ... هر یک از ادارات و وزارتخانه ها باید این مسئله را مد نظر داشته باشند که برای خدا مردم راضی نگه دارند ... همه ما باید برای خدمت به توده های که در طول تاریخ همیشه محروم بوده اند کوشش کنیم دولت باید آنها را مقدم بدارد ... شما باید کسانی را که برای کارها، خصوصا "برای مخابرات انتخاب میکنید، شناسایی کنید تا اینکه متعهد به اسلام باشند، نه با ادعا ... زیرا الان همه ادعای این را دارند که ما متعهد به اسلام هستیم و بدانید که در عین حال که همه دنبال شناسایی اقشار مخالف منافق و چپگرا هستند، معدلسک ممکن است کسانی باشند که بانفوذ خود بخواهند اوضاع را به هم بزنند و برای ملت و دولت فائله به بار آورند ... یا اسرار مملکت را بیرون برده و در مخابرات استراق سمع

اطلاعات ۶۱/۷/۸

آنچه که در خبرگزاریها مهم است کیفیت آن می باشد ... زیرا هر کدام به راستی و راست گویی نزدیکتر باشند شوق انسان را به گوش دادن بیشتر میکند ... در جمهوری اسلامی باید صادقانه تمامی اخبار و خصوصاً مسائل مربوط به جنگ و نحوه



بنام خدای شهیدان

مکتبسی

- ۱ - کمک به باروری تحلیلهای سیاسی نیروهای میگزند
- ۲ - دادن بینش استراتژیک از رویه اد های ایران
- ۳ - کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم
- ۴ - منطقه و جهان
- ۵ - مجموعه ای از اخبار مهم روزنامه ها را در بخشی از نشریه
- ۶ - که به این کار اختصاص دادیم درج نمائیم
- ۷ - اهداف مورد نظر ما از این کارها برترند از
- ۸ - کمک به باروری تحلیلهای سیاسی نیروهای میگزند

پیدا کند این نهضت و انقلاب اسلامی رو برگردانده و از جنگ که و به همه جا سرایت کند ... هر چه حقیقتا دفاع از اسلام است خسته بود خرابی بود و شما شروع کردید شده اند آنان ملت ایران را شناخته برای درست کردنش ... اما رفیق نیمه - اند و ناچار به دروغ بردازی راه نیابید اینطور نباشد که ما ... پد اختانند ... چرا که این اینجا رفتیم ، حالا از اینجا دیگر مخالفتها ملت عزیز ما را مصمم تر بروم سراغ کارهای دیگرمان ... راس خواهد نمود تا برای مبارزه ای طولانی امور این است که ما این امر الهی - ترو دست در دست یکدیگر بزنیم را که "فاستقم کما امرت و من تاب و من تاب" این امر الهی را ما اجرا کنیم ... و شرف خویش دفاع نمایند ...

اطلاعات ۶۱/۶/۲۹

علم يك معنای است ... در هر رشته ای که آخر ندارد ، غیر متناهی است ... در فطرت انسان این است که هیچوقت تسبیح ندارد ... فطرتا ینجوری است ... شما اگر نرضی بکنید که تمام علوم مادی و معنوی را بدانید و بشنوید يك وقتی که در يك جایی هست که يك علم دیگری هم هست ، فطرت شما آن را هم میخواهد غیر متناهی است فطرت در همه امور ... علم حاصل شد ، امام اگر تربیت معنوی نباشد پهلوی علم و پرورش روحی نباشد ، چه بسا که و بسیار هم شده است که همین علم مایه فساد شده است و همین عالمی که تهذیب نفس نداشته است و همین استاد دانشگاهی که تهذیب نفس نداشته است و همین اساتید دانشگاهی که مهذب نبوده اند ، برای يك کشور تحفه فساد می آورند بهتر می توانند فساد را در کشور ایجاد کنند ... الان کسی بیند که يك عده بسیاری از مردم خوب هستند و آن توده های مردم است ... این از برکت همان تربیتهای معنوی انبیاء خداست ... تربیتهای معنوی انبیاء خدا در عین حالی که همه قبول نکردند این تربیت راه معدلك آنقدر در دنیا نرسد ... انکند که توده های مردم ، همه خوب هستند کمتر در شان آن فسادها پیدا میشود ... آنها کسی که در خارج رفتند ، هر جا رفتند اینجا وقتی که می آیند می گویند که ملتها همه عاشق ایرانند ، ایران می خواهند ... چشم امید به ایران بسته اند ... استقامت کند ملت ما استقامت کند دانشگاه ما استقامت کند حوزه های علمی قدیم ما ، استقامت کند ارتش و همه چیز ما ... ملت ما که استقامت اسباب این میشود که اد امه

اطلاعات ۶۱/۶/۳۱

در سال گذشته توسط گران مطبوعات و بازیگران رسانه های گروهی وابسته به آمریکا و صهیونیسم با کمال وقاحت ایران را متهم میکردند که از اسرائیل اسلحه وارد میکند و طرفدار اسرائیل جنایتکار است ... اکنون در کفرانس "فاس" فاش و روشن شد که طرفدار اسرائیل صدام جنایتکار و اکثر دولتهای منطقه می باشند ... بزرگترین مصیبت برای مسلمانان آن است که از سران دولت - های منطقه نفس بزنند و از آن نجیع تر و ننگ آورتر طرفداری بی قید و شرط بعضی حکام منطقه است و باز هم در حجاز از جنایت اسرائیل و پسر بزرگ آمریکا نمی شود اسم برد ... امروز ابرقرد رتها ملت حاضر در صحنه ما را متهم میکنند که از جمهوری

اطلاعات ۶۱/۷/۱

اگر ما گرسنه باشیم و پیاده راه برویم و منزوی باشیم و طرف خود کفایی حرکت کنیم این بهتر از این است که وابسته و مرفه باشیم و مهم این است که اعتقاد به آن نیت و ارزشهای اسلامی و استقلال اقتصادی پیدا کنیم ...

آیت ا... العظمی منتظری امید امت و امام

سال تحصیلی جدید ، درس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی منتظری " کتاب الزکات " شروع شد

کپهان ۶۱/۶/۱۵

آیت الله منتظری با آغاز فعالیتهای حوزه علمیه و شروع سال تحصیلی جدید گفتند : ماد رشایط گونی با دوا مر حیات و مهم مواجهم ، از یک سوتحصیل دانش و تامین نیروهای درس خوانده و متعهد به اسلام

کپهان ۶۱/۶/۱۴ آیت الله منتظری به آقای هرندی که اخیرا طی حکمی از سوی ایشان به عنوان ناظر بر تقسیم اراضی سریمتر نسبت به تقسیم اراضی - موات انشاء الله کشاورزی ایران هر چه زود تر رونق یافته و کشور را این زمینه خود کفا گرد

کپهان ۶۱/۶/۱۵

با آغاز فعالیتهای حوزه علمیه و شروع

ما باید به عمق این شهادت و تاثیر این شهادت (حسین بن علی (ع)) در عالم برسیم . امام خمینی



و انقلاب و از جانب دیگر نیازی که ارگانها و موسسات جمهوری اسلامی به وجود طلاب و فضلاء مسلمان و دانشجو دارند. بنابراین توصیه میکنم آقایانی که آمادگی بیشتری برای درس خواندن دارند در تحصیلشان جدیت کنند و در تعطیلات و اوقات فراغت به جبهه های انقضاظ مورد نیاز بروند و کسانی که بیشتر توانایی انجام کارها و تبلیغاتی و امور اجرایی دارند وظیفه شان این است که اقلای به دانشگاهها، جبهه ها و دیگر جاهها بروند که به حضور روحانیت و اهل علم نیاز است بروند.

اینکه در شرایط فعلی مانده درس بخوانیم و نه به کارهای اجرایی دست بزنیم و کنار بنشینیم گناه بزرگی است چرا که الان در دانشگاهها قاضی نیاز دارند و در جبهه ها و جاهای دیگر احتیاج زیادی به روحانیون وجود دارد.

دانشگاهها بر اساس موازین اسلامی باشد ولی بازگشایی سریع آن هم امری ضروری و لازم است و چون اصلاح صدور رخصت رانسی شود یک مرتبه انجام داد، بجاست که اصلاحات اساسی انجام و دانشگاهها هر چه زودتر باز شود.

کیهان ۶۱/۶/۲۴
دردیدار با وزیر صنایع: برای رفع مایحتاج ضروری و تامین مواد غذایی مورد نیاز جامعه بجاست که بخش های خصوصی برای سرمایه گذاری تشویق شوند و دولت نیز در این زمینه کمکهای لازم را به بخش خصوصی بنماید. صاحبان بخشهای خصوصی نیز باید سعی کنند سرمایه



های خود را در کارهای بکار گیرند که نیاز جامعه را برطرف میسازد که این خود خدمت و عبادتی است بزرگ به محرومین و مستضعفین.

کیهان ۶۱/۶/۲۴
دردیدار بنامینده امام و اعضای

کیهان ۶۱/۶/۱۷
دردیدار رهبر مذهب سیاسی مسلمانان بنگلا دیش گفتند: شرایط مابرای خاتمه دادن به جنگ و برقراری صلح همان شرایطی است که از قبل گفته ایم و این چیزی است غیر قابل تفسیر و این شرایط عبارتند از:
خروج کامل نیروهای متجاوز و اشغالگر صدام از کشور اسلامی ایران محاکمه و مجازات متجاوزین و پرداخت همه خسارات. البته چنانچه رژیم اسلامی و مردمی که منتخب ملت مسلمان عراق باشد بر سر کار آید آن وقت ما خودمان مسائل را حل خواهیم نمود و دیگر مسئله ای نخواهیم داشت.

کیهان ۶۱/۶/۲۰
دردیدار بنامینده امام در جبهه سازندگی گفتند: یکی از دلایل کار آبی و موفقیت جهاد سازندگی دوری این ارگان انقلابی از بروکراسی و کاغذ بازی است که متاسفانه هنوز آثار آن از زمان طاغوت کم و بیش در بعضی از موسسات و ادارات دولتی به چشم میخورد. ایشان اظهار امیدواری نمودند که جهاد سازندگی با کمک مسئولین کشوری و همیاری مردم و روحانیت متعهد و کوشا بتواند با دست ساز قدرت و توان زیاد بیشترین نیروهای خود را در مناطق محروم و دور افتاده بکار گیرد و در رابطه با جنگ و سازسازی مناطق جنگی که در مسئله حیاتی است در حد توان از کمکهای لازم دریغ نوزد.

کیهان ۶۱/۶/۲۱
دردیدار با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی گفتند: در عین حال که باید

شورای مرکزی نهضت سواد آموزی: بر همگان لازم است در یک بسیج عمومی در فراگیری علم و دانش بکوشند

کیهان ۶۱/۶/۲۴
دردیدار با روحانیون تبریز: آنچه که فعلا بیش از هر چیز مورد نیاز است آشنایی به قوانین اسلام و توسعه فرهنگ اسلامی است و این وظیفه علمای و روحانیون است که در گسترش حوزه های علمی و تشکیل جلسات درس و تدریس بکوشند و سعی کنند از این وظیفه مهم غفلت نوزیده تا انشاء الله بزودی نیازهای صادر زمینها کمبود مبلغ و روحانیون مشمول و متعهد بر طرف گردد.

کیهان ۶۱/۶/۲۸
دردیدار فقیه عالیقدر آیت الله العظمی منتظری با برادر محمد غرضی وزیر نفت رهنمودهایی بر لزوم توسعه و تامین سواد سوختی بخصوص سوخت مورد نیاز کشاورزان جهت رونق بخشیدن به کشاورزی توصیه و تاکید نمودند. آیت الله منتظری: تا زمانی که صدام جنایتکار برجای خود ننشیند و شرایط اولیه ما در مورد اخراج نیروهای متجاوز و پرداخت خسارات و محاکمه متجاوزین تحقق نیابد ما باید به جنگ ادامه دهیم.

اطلاعات ۶۱/۶/۲۱
قسمتی از پیام آیت الله منتظری به مناسبت فرارسیدن حج: تلاش دشمنان فریبکار اسلام بخصوص آمریکا بر آن است که ملت

قهرمان و آزاده ایران را در سطح بین المللی منزوی و فراموش شده سازد. شما ملتها و اقشار مختلف می توانید با برقراری تماس و ایجاد ارتباط چه از طریق مکاتبه و رسانه های گروهی یا مصادره رسمی انقلاب، این توطئه خائنانه را خنثی و بی اثر سازید. . . . جنایات اخیر لبنان که یکی از اهداف سوء کف در یوید بود زنگ خطر و عبرتی برای جهان اسلام است. دولت های که با سکوت و یا تأیید ضمنی خود این گفتار عمومی فلسطینی ها و لبنانی ها و تسلیم یک کشور اسلامی و عربی بدست صهیونیسم را امضا نمودند جزگترین خیانت را به اسلام و مسلمین و میراث رسول اعظم نمودند

جمهوری اسلامی ۶۱/۷/۵
قسمتهایی از صحبت های فقیه عالیقدر آیت الله منتظری در دیدار با حجت الاسلام شیخ محمد علی صدوقی: . . . ایشان (شهید صدوقی) تنها وابسته به یزد و مردم آن استان نبود بلکه به همه ملت این کشور تعلق داشته است و ما بدنهال این شهادت تنها مسئولیتمان سنگین تر میشود و احتیاجمان نسبت به افراد عاقل و کاردان و متعهد زیاد تر میگردد. و تا آنجا که بتوانیم باید افسردگی اینگونه بسازیم. . . .

کیهان ۶۱/۶/۷
آیت الله منتظری در دیدار با حجت الاسلام محقق داماد: بجاست که در بهره گیری از نیروهای انسانی شاغل و داوطلب از

پیام آیت الله منتظری مستضعفین و مظلومان

بنام خدای مستضعفین

موقع هم اعلام کردند که بدون اعمال ولایت استمرار حکومت اسلامی ممکن نیست. ولی متاسفانه پس از یک سال هنوز این مسئله بطور بنیادی حل نشده و لویایح در مجلس ریاضت نشده و یا اینکه نیمه کاره و تصویب نشده در مجلس مانده است. به نظر میرسد برای حل این مسئله و برخورد با مخالفین روی مواضع ایدئولوژیک امام خمینی و آیت الله منتظری و خطبه های جمعه آقای رفسنجانی و در سطح وسیع تری کار گذاشته شود تا آن عده که مخالفتشان بینشی است امر برایشان روشن شود و در مقابل مخالفین دیگر نیز امام و خط امام اعمال ولایت کنند.

قبول لویایحی چون اصلاحات ارضی، تجارت ملی، اصل ۴۹ و ۵۰ و کلا قبول خدا مالکی بسته به و امر است اول برخورداری از آنچنان بینش عمیق مکتبی از رابطه خد او مالکیت است و یکی دیگر عشق به مستضعفین و محرومین و مظلومین، آنهاست که تا هم اکنون به درازای تاریخ در استضعاف و استثمار بوده اند، که البته هر دو وجه در واقعیتی هستند که اسلام مکتب و سلاح مستضعفین است. . . .

چندی پیش حضرت آیت الله منتظری طی فرمانی به آقای حجت الاسلام فاضل هرندی ایشان را موظف کردند که آن قسمت از زمینهای مصادره شده شامل بند الف و ب اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب را بیسن مستضعفین و در راه راه اندازی کشت و کار بکار گیرند. در این فرمان مهند بر موسوی نسخه است و نیز طی بخشنامه ای به ارگانها و ادارات آنها را موظف به همکاری بیشتر با هیات های هفت نفره تقسیم زمین کردند. این دستورات مایه امیدواری بیشتر مستضعفین و دهقانان میشود و زمینه ای میتواند باشد برای نیل به اجرای کامل اصلاحات ارضی و بیند ج و د و سایر اقدامات انقلابی که با پیروزی های جنگ اسلام و کفر ضرورت این مسئله کاملاً مشخص شده است. اکنون یک سال از فرمان امام مبنی بر تفویض اعمال ولایت در مورد احکام ثانویه به مجلس شورای اسلامی در جهت تصویب لویایح و طرحهای انقلابی و فوری در جهت حاکمیت مستضعفین و مبارزه با استثمار و ظلم و روابط اقتصادی غیر اسلامی میگذرد، از آن پس حجت الاسلام رفسنجانی مستمرا در خطبه های نماز جمعه روی این مسئله و خصوصاً مسئله مالکیت و خدا مالکی صحبت کردند و همان

همکاری افراد متعهدی که به انقلاب اسلامی ایمان داشته و قصد تخریب و کار شکنی ندارند استناد شود و در این مورد بهتر است از اشتباهات جزئی که احتیاج است در گذشته از اینگونه اشخاص سر زد. است صرف نظر شود. اگر چه با زرسی در امر گزینش نیروی انسانی و رسیدگی به وضع شاغلیین در ارگانهای جمهوری اسلامی باید بطور دقیق و کامل انجام پذیرد اما باید از تند رویهایی که احیاناً به آبرو و حیثیت افراد لطمه میزند پرهیز کرد تا مبدا این عمل خدای ناکرده موجبات دل سردی این افراد را از انقلاب اسلامی و گرایش آنان به جناح ضد انقلاب را فراهم آورد. . . .

جنگ اسلام و کفر از کربلا به قدس

کیهان ۶۱/۶/۱۴
حجت الاسلام خامنه ای افزود ما همانطور که قبلاً هم اعلام کرده ایم این قدرت را در اختیار می بینیم از هر نقطه ای از این خط مستمر جبهه که اراده کنیم وارد شده و هر هدنی را که با تامین منافع ما منطبق باشد، تصرف میکنیم. ما این کار را برای منافع ملت ایران و انقلاب اسلامی که در حقیقت برای منافع ملت عراق نیز میباشد انجام میدهم. . . . شما بتوانید همچنان مسلمانانه برای حفظ حقوق ملت ایران و برای حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران آندد پیش بروید که دشمن خود را از تجاوز بشیمان کنید. . . . ما این حق و قصد را داریم که دشمن را آندد راز مرزهای خود دور کنیم که مطمئن باشیم امنیت مرزهایمان تامین شده است.

کیهان ۶۱/۶/۱۴
آقای هاشمی رفسنجانی: . . . آقای هاشمی رفسنجانی در مورد مطالبه اراکه شده از سوی سفیر الجزایر گفت: ایشان خیلی مطلب دارند منجمه در رابطه با بیانیه الجزایر چون آنها واسطه هستند در رابطه با شرط ما برای ختم جنگ نیز ایشان پیشنهادهایی داشتند که مطرح شد و پس از بحث و گفتگو قرار شد خدمت امام هم عرض کنیم تا نظر ایشان را هم بدانیم. . . . همانطور که در نماز جمعه هم گفتم به جز بر خوارک حمله مساوی نیست و تنها از راه دور موشک پرتاب میکنند آنها بی هدف و این عمل ارزش نظامی ندارد. . . . حجت الاسلام هاشمی

تا زمانی که صدام جنایتکار برجای خود ننشیند و شرایط اولیه ما در مورد اخراج نیروهای متجاوز و پرداخت خسارت و محاکمه متجاوزین تحقق نیابد ما باید به جنگ ادامه دهیم. آیت الله منتظری



رستگاری در مورد هدف طرح ظاهر ظاهرا "جدید رنگان گفتم" همه این جویانات شناسایی رسمیت اسرائیل و قبول اصل وجود چیزی بنام دولت اسرائیل را دنبال میکنند... ما مسئله فلسطین را ادامه انقلاب خود میدانیم و معتقدیم تا مسئله فلسطین حل نشود و شر اسرائیل از منطقه کنده نشود این منطقه آسایش به خود نمی بیند و انقلاب ما هم ناتمام خواهد بود حتی برای آرامش دنیا باید لغاده فلسطین به صاحبان اصلیش تحقق یابد و ماهم دنبال ایمن هستیم البته ما ای که اینجسار حال جنگ امکاناتمان برای آنجا کم است بعد که از جنگ تحمیلی عراق آزاد شویم ممکن است بتوانیم امکانات بیشتری را در جبهه فلسطین بکار گیریم... به پیروی از امام که دستور دادند مردم به جبهه بروند من هم تقاضا کردم که مردم به جبهه بروند و آماده باشند وقتی که خوب روشن شد و همه دنیا نپسندند این عراق است که حاضر نیست تسلیم حق شود ما جنگ را با توه زنی مان تمام کنیم... وی افزود به آنطور که از اول هم روشن بود به هر حال جنگ باید ضربه کاری خاتمه خواهد یافت.

بسیار خوبی را شروع کرده است ما به این نتیجه رسیدیم که باید نیروی دشمن را در سراسر مرزها درگیر کنیم و نیروهای رزنده خودمان را به سراغ مراکز آتش و مراکز که مرزها و شهرهای مرزی را بر آتش دارد هدایت بکنیم که انشاءالله این آتش خاموش بشود لذا الان مرحله جنگ ما وارد یک مرحله بسیار جدید و تعیین کننده شده و در این مرحله جدید ما امیدواریم با کمک ملت مسلمان مثل گذشته تکلیف صدام و حزب بعث تعیین بشود... این مرحله جدید با مراحل گذشته تفاوتی ممکن است داشته باشد که در عملیاتی که انجام میشود و بیانیههایی که صادر میشود مردم ما موقع در جریان کل مطالب قرار خواهند گرفت.

کیهان ۱۱/۱۲/۶۴

آقای هاشمی رفسنجانی: عراق دروغ میگوید که صلح میخواهد و از کشور ما بیرون رفته و حامیان صدام نمی گذارند که او تسلیم حق شود، او فقط به منطقه امن عقب نشینی کرده است و طبعاً ما هم باید وارد عراق شویم تا حاضر به تخلیه کامل خاک ما شود و حقوق ما را بپردازد... امنیت خلیج فارس به نفع ماست و ما آنجا را امن نگه می داریم مگر روزی که نگذارند ما از این امنیت استفاده کنیم و اگر برای ما امن نباشد ما هم اجازه نخواهیم داد که برای دیگران امن باشد و این را یک عمل منطقی میدانیم.

کیهان ۱۱/۱۲/۶۵

سرهنگ صیاد شیرازی: انشاءالله

بازودی صرف آخر را به دشمن خواهیم زد... رزم پیروزی سربازان اسلام در جبههها را اصالت رهبری پیروی از روحانیت و حضور مردم در صحنه و عدم وابستگی به شرق و غرب دانست.

اطلاعات ۱۱/۱۲/۶۰

سرهنگ صیاد شیرازی: باید بگویم حکومت بعثی در ضعف شدید نیروی انسانی بسری برد و حدود ۴۲ هزار نفر اسیر و آن همه کشته و جرح داده باعث شده از نظر نیروی انسانی کاملاً در تنگنا قرار گیرد.

از نظر ساز و برگ نظامی نیز باید بگویم بدلیل وابستگی که حکومت بعثی به شرق و غرب دارد، برایش محدودیتی نیست که بتواند ضایعات را جبران کند... اضافه

میکنم که بهترین منبع تغذیه ارتش جمهوری اسلامی برای ساز و برگ نظامی همین دشمن و تجهیزات است که وارد میکند، زیرا بسیاری از آنها را ما به غنیمت میگیریم و این منبع تغذیه خوبی برای ما بود... در طرح نهایی ما گرفتن

کشور عراق منظور نیست بلکه ادامه جنگ تا سرنگونی کامل رژیم صدام منظور است... ما امروز در جنگ علیه ظلم و ستم، هدف داریم که ظالم و ستمگر را مجازات کنیم و به جای خودش بنشانیم... مبارزه ما در جهت احقاق حقمان است و این مبارزه را ادامه خواهیم داد تا روزی که حقمان را بگیریم و چه بسا در همین مبارزه به صلح شرافتمندانه ای نیز برسیم... وقتی توطئه های آمریکا

در ایران با بن بست روبرو شد... عراقیها باید بچنگند و جایز نیست که هجوم گسترده را در جنوب لبنان دیدیم که تحلیل این موضوع ارتباط حرکات پیروزی آفرین ما را به یکدیگر نشان میدهد.

کیهان ۱۱/۱۲/۶۱
صدام گروهی از رهبران و فرماندهان بعثی را که از رفتن به جبهه های جنگ امتناع کرده اند از حزب اخراج و تهدید کرد چنانچه راجع به مسائلی که از آن آگاه هستند یا مردم کوچک ترین سخنی بگویند اعدام خواهند شد... در جنگ امتناع می ورزند گفته اگر سعدون عنتر و عبداللّه محمود العبود دوتن از بعثیون بودند که در این جلسه شدت از سوی صدام مورد حمله قرار گرفته و از حزب اخراج شدند... صدام گفت: همه و خواهند کشت.

نگارخانه به "مسلم ابن عمیر" عملیات

بنام خدای شهیدان
۱- عملیات در آرای شناسایی های بسیار خوب و دقیق بوده است بطوریکه برادران و اطلاعات عملیات تیپ خط شکن در این حمله در شب قبل از حمله تا ۵۰ متری آخرین سنگرهای عراقی در یکی از مواضع پیش رفته بودند بطوریکه میترسیدند صدای علفهای عراقی ها را متوجه وجود نیروهای ما نمایند.
۲- شیوه جبهه ها در حفظ مواضع و تثبیت موضع دفاع تهاجمی بود با اینصورت که هر شب در چند محور شبخون های نه چندان بزرگ می زدند: در یک حمله یک گروه آری جی... این برادران به مواضعی که روز شناسایی کرده بودند حمله کرده و میترسیدند این شیوه باعث میشد که دشمن انسجام خود را از دست داده و توان حمله نداشته باشد زیرا حتی چند گروه آری جی متحرک میتواند یکسگروه زرهی دشمن را متوقف سازد... قابل ذکر است که بعثت تسلط مایع مواضع دشمن شناسایی ها با چشم غیر مسلح انجام شده و بسیار ساده است.
۳- برادران تیپ های خط شکن در این حمله، بیشتر توجه تهاجمی داشته و توجهی به حفر سنگر و اقدام های حفاظتی نمیکنند... اکثری ها به این دلیل است که جوانهای ۱۷-۱۶ ساله ریه هایان می گردند به اثر ترکش خمپاره های پراکنده دشمن زخمی می شوند.
۴- شب قبل از عملیات حدود ۱۵۰ نفر برادران بسیجی برای ساختن سنگر به منطقه ای جلوتراز خط خودشان برده شدند... این برادران هیچکدام مسلح نبودند... پس از مدتی یکی از برادران متوجه درگشت عراقی می شود... بعثت همراه نداشتن سلاح قدرت گشتن آنها را نداشته اند... یکی از برادران بلند شده و خود راه آنها نشان می دهد تا آنها او را بکشند و فکر کنند که فقط یک نفر رانجا بوده است و نفهمند که رانجاتعداد زیادی وجود دارند... افراد گشتی دشمن بطرف او شلیک نکرده و فرار میکنند ولی پس از پنج دقیقه منطقه شدت توسط کاتوشا کوبیده میشود و چندین نفر شهید و مجروح میشوند این جریان توسط همان برادری که

یکی از مشکلات و تضادهای که در عملیات مسلم ابن عمیر "با آن روبرو بودیم مسئله موضع گرفتن تانک ها و تیرخانه های عراقی در شهر مندلسی و روستاهای اطراف آن بود... بقول برادران جبهه شهر برای آنها مثل امام زاده شده است... بطوریکه ما شلیک میکنیم و آنگاه داخل شهر میشویم... در این رابطه بین برادران جبهه اختلاف فکری بوجود آمده بود... برخی می گفتند باید بر اهالی مندلسی اخطار کرده و بعد شهر را با تیرخانه بکشیم... چرا که شهر برای آنها منطقه نظامی شده است و ما برای موفقیت در حمله میبایست روی شهر آتش تهیه اجرا کنیم... برخی دیگر می گفتند که "درست است ارتش بعثت از انگیزه های مکتبی ما سوء استفاده کرده و سلاحهای سنگین خود را در داخل شهر مستقر می کند تا در حالیکه ما را میگوید ما نتوانیم روی آنها آتش گشودیم و آنها را منسجم نمائیم ولی اگر

ما گلوله هایمان را برای ریختن بر سر اسرائیل غاصب نگه داشته ایم... شهید رجایی



برای گشته شدن از جابر خاسته بود نقل شده است، او خود نیز زخمی شده و در یکسای از بیمارستان های باختران بستری بود.

۵- در یکی از مواضع ۱۰ ساعت پس از فتح مواضع برادران متوجه یک گونی میشوند و در رصد خالصی کردن آن برمیآیند که از داخل آن یک افسر عراقی بیرون می آید این افسر خود را پنهان کرده بود که گشته نشود که بتواند فرار کند و یا هنگامیکه این سنگرها را به اشغال دشمن درآمد خود را ظاهر نماید.

بسیار میباشد. در تمامی نقاط منطقه چهار پستیانی و مهندسی رزمی سپاه د جاده های نسبتاً خوبی زده است بطوری که آمبولانسها و توپو تاهای حمل مهمات و تدارکات تا آخرین خط رفت و آمد میکنند.

تحرك مهندسی رزمی و چهار در این عملیات واحداث جاده های نظامی شایان توجه میباشد.

عراق در منطقه بین میدلسی نوار تفاعات مرزی توپخانه سنگین مستقر کرده بود که بعد از حمله بلا فاصله عقب نشینی کرده و از منطقه خارج شد و گویا تاد و شب بعد از عملیات فقط از طریق توپخانه های مستقر در کانی شیخ و همچنین توپخانه های مستقر در رفت شهر منطقه عملیات را میگوید.

وضعیت منطقه عملیات

منطقه ای که عملیات مسلم ایمن عقیل در آن انجام شده است منطقه ای کوهستانی و متشکل از تپه های سنگی - خاکی با ارتفاع کم و دره های کم عمق میباشد.

در این منطقه بجزیک رود کوچک آب دیگری به چشم نمی خورد دشمن مواضع پدافندی بسیار قوی و در منطقه ایجاد کرده بود. مواضعی متشکل از محوطه های محصور شده توسط سیم خاردار، میدان های مین جبهه و نوعی مین استوانه ای شکل که تا بحال در جبهه های دیگر مشاهده نشده بود.

دشمن برای احداث سنگسرها در این منطقه از آسفالت کن ها از نوعی که در کنگدن آسفالت خیابان های با کار گرفته میشود استفاده کرده بود.

منطقه مزبور در تهارنگ عمل و حمله به خود ندیده بود و هم زمان با عقب نشینی عراق در منطقه سهیل و دشت زهاب در این منطقه هم عقب نشینی کرده بود، بطوریکه مدت یک هفته جبهه خالی مانده بود و پس از یک هفته برادران شاهد قبیت نیروهای عراقی شده بودند ارتفاعات مرزی کله شوران و اروا- رین، گیسکه و کانی شیخ بالا ترین مناطق مرزی است و پس از این ارتفاعات اندک اندک منطقه ماهور شده و به دشت می پیوند. شهر مندلی در ۱۰ کیلومتری مرز قرار دارد و فاصله شهر مندلی تا بغداد ۱۰۰ کیلومتر است. بقول یک افسر عراقی پناهنده شده در شهر مندلی هم عناصر نظامی وجود دارند و هم عادی زندگی می کنند.

پس از شهر مندلی ارتفاعات کوه های حدود ۴۰۰ - ۳۰۰ متر وجود دارد و سپس منطقه کاملاً به دشت تبدیل میشود.

منطقه عملیات به لحاظ نزدیکی بودن به بغداد، وجود دهکده ها، وجود دیدگاه های مطبوعاتی برای توپخانه " نزدیک بودن به جاهای نفتی نفت خانه عراق"، حائز اهمیت

وضعیت امداد و انتقال مجروحین

در این عملیات بطور کلی تعداد شهدا و زخمی ها نسبت به حملات سابق کمتر بود. ولی در طول ضد حمله ها و فشارات دشمن زخمی زیاد شده بود.

مدت ۲۴ ساعت در بعضی جبهه ها زخمی ها را در سنگر نگهداشته بودند، زیرا هیچ وسیله ای برای انتقال آنها نداشتند، بعد از ۲۴ ساعت (و یا کمتر) تعدادی از مجروحین (حدود ۲۵-۳۰ نفر) را در ماشین های آمب (نفربرهای روس) گذاشته و بطرف پشت جبهه می آوردند که با آتش شدید دشمن روبرو شد و مجبور به بازنگشت میشوند.

اندک اندک با تثبیت مواضع آمبولانس ها بطرف جبهه رفته و زخمی ها را برهن گردانند زخمی ها ابتدا در جبهه پانسمان مختصری جهت جلوگیری از خونریزی میشوند، سپس به یک واحد امداد که پشت خط مقدم (در منطقه خط مقدم قبل از حمله) مستقر شده بود انتقال داده میشود. آنجا نیز پانسمان تعویض و آمبول مسکن و یا سم وصل میشود و با آمبولانس بطرف " تخلیه شهدا" فرستاده میشود.

تخلیه شهدا نام بیمارستان صحرایی مشترک ارتش و سپاه پاسداران است که در ۲۰ کیلومتری خط مقدم احداث شده بود. این بیمارستان در روز دوم آغاز عملیات توسط میگهای متجاوز عراقی بمباران شد که خوشبختانه به علت برخورد راکت ها با کوه ضرری متوجه بیمارستان نشد.

در این بیمارستان صحرایی به مجروحین رسیدگی شده، سرم و وسیله ای برای تنظیم نفس و یا خون وصل میگردند و با تشخیص فوریت توسط های کویترهای معمولی و یا

شوک، اتوبوس هایی که صدلسی شان را برداشته و در وسط آنها ابرهای ضخیم گذاشته بودند و ایا توسط آمبولانس به شهر باختران، بیمارستان پادگان ابودر فرستاده میشوند هر تیب سپاه خود دارای واحد امداد بوده و آمبولانس های مخصوص به خود را دارد.

بسیاری از راننده های آمبولانس ۲۴ ساعت غذا نخورده بودند و مرتباً مجروحین و شهدا را به

در بیابان مانده بود، دو نفر از برادران برای بازگرداندن جنازه اش وارد میدان مین میشوند پیرومرد هم بدنیا ل آنها بولج راه می افتد. بچه ها اصرار میکنند که لازم نیست تو بروی ولی او اصرار میکند که " برای ثواب من هم می خواهم بروم و بدنیا ل بچه ها براه می افتد ولی مثل بچه ها از " معبری" که مین ها را خنثی کرد بودند نرفته راه را گم میکنند و بایش روی مین رفته و از میچ قطع

آقای پرورش: من تصفیه اینجستین نمی شناسم که کسی با انجمن حجتیه مخالف بوده و او را به این تصفیه کرده باشند اگر نمونه او را در دست بگیرم تا بشناسم. من بارها نظرم را در مورد انجمن حجتیه عرض کردم و نظر مفصلی را در انجمن اسلامی معلمان بیان داشتم که تحلیلی از وضع انجمن کردم به این علت که انجمن را خوب میشناسم. خبرنگار پرسید: یکی از نمونه هایی که مورد تصفیه قرار گرفته است آقای مظفر نژاد هستند آیا ایشان را می

از قلمت عدد نترسید، عدد کارش نمی برد. افراد کم است باشند، کم در کیفیت ناقص باشند یا بویج و افراد کم است کم باشند، کم در کیفیت توان باشند و افراد امام خمینی

شناسید؟ آقای پرورش: ایشان معاون پرورشی است و تصفیه نشده اند بلکه حاجنا شده اند و دلیل حاجبایی همسان است که در تمام وزارت خانه ها انجام میشود و ارتباطی با انجمن حجتیه ندارد و برادران آقای دعاگو که هم اکنون آمده اند نیز موافق انجمن حجتیه نیستند و بارها نظرشان را اعلام کرده اند و خود من هم موافق حرکت انجمن حجتیه نیستم و باید عرض کنم در این زمینه به اعتبار آشنا - بی که با انجمن حجتیه داشته ام حدود ۷ سال در انجمن حجتیه بوده ام و حدود ۸ الی ۹ سال قبل از انقلاب هم از انجمن حجتیه به خاطر دیدگاه های سیاسی آن بیرون آمدم و چون میشناختم و تحلیلی کلی روی این زمینه داشتم و خط تشکیلاتی انجمن را با خط حرکت انفلاب یکسان نمی بینم و در تمام اساسنامه انجمن مواردی است که با خط انقلاب سازگار نیست زیرا خط انقلاب سازگار نیست زیرا خط انقلاب حاکمیت و لا یت فقیه است و آنها این ولایت فقیه را بصورت فقیه متوسط الید که ما معتقد هستیم در تمام اساسنامه معتقد نیستند و معتقدند مراجع مختلف در هر زمانی میتوانند برنامه خودشان را داشته باشند و از طرفی مرجعیت و زعامت را در تمام اساسنامه جد از هم میدانند و در حالی که ما در دیدگاه ولایت فقیه مرجعیت و زعامت را یکی میدانیم. یعنی کسی گوئیم ممکن است یک کسی زعمی را قبول داشته باشد به عنوان رهبر سیاسی، یک کسی را قبول داشته باشد به عنوان مرجع مذهبی. ما میگوئیم که ولایت فقیه یعنی کسی که در حقیقت هم زعامت دارد و هم مرجعیت و در یکی باید این چلو میگردد همان طوری که قانون اساسی افاده میکند و این تصفیه ها هیچ ارتباطی با انجمن حجتیه ندارد و این تحولاتی است که در همه جا انجام میگیرد.

پشت جبهه منتقل میگردند. در جاده های نظامی ترازه احداث تابلو هایی برای نشان دادن راه نصب کرده بودند ولی کافی نبود و یکی دو آمبولانس نیمه شب هنگام بازگشت از به طررف دشمن رفته که گویا اسیر و زخمی شده و فقط یک نفر راننده آمبولانس توانسته بود که فرار کند.

روی تابلو های راهنما که مسیر بطرف ۳ مداد پزشکی " را مشخص میکرد نوشته شده بود به این شکل و از این نظر که دعای کیل وارد رزم شد بود نقطه رشد زیادی است. همچنین در اکثر واحد های سپاه دعای قوعلی خدمتک جوارحی نوشته شده بود (یعنی اعضای من را در راه خدمت به خودت قوی کن - دعای کیل) سیر رشد باین شکل است که ابتدا دعای کیل خوانده میشود، کم کم معنای آن را هم یاد میگیرند بعد در عین حال که جان پرگانه برای نجات مجروح کوشش میکنند شعارشان یامن اسمه دوا، و ذکره شفا، میشود. مراحل آینده رشد این خط ایمن است که به تفری افتند رابطه کوشش خودشان برای نجات مجروح و شفا دهند بودن حجتیه را در بیاروند و که جواب صحیح به این سوال همان رابطه خدا و پدید می آید که اساس درک همه چیز و اساس همه رشد هاست.

در بیمارستان صحرایی مجروحین پیروشوی حال افتاد میبود و با اصطلاح " خیاره پلو" شده بود (بدن من ملو از تکه های خیاره بود) گاهی اوقات ناله میکرد و هنگام ناله کردن فقط می گفت یا مهدی یا مهدی این برادر جوان ۱۸-۱۷ ساله ای بود که و روستایی بنظر میرسید.

یک پیرومرد خراسانی که حدود ۸۰-۷۰ سال داشت و خیلی هم لاغر بود با تیب امام رضا (ع) به جبهه آمد و در خط مقدم می جنگید. یکی از برادران روی مین رفته بود و جنازه اش مدت ۲۴ ساعت

کیهان ۶۱/۶/۱۳
حجت الاسلام خامنه ای در دیدار با کلیه مسئولان واحد های حزب جمهوری اسلامی: ما از دیرباز معتقد بودیم که ک اندیشه و یک حرکت درست بدون تشکیلات و سازماندهی ممکن نیست، هم در دوران مبارزات ضد رژیم گذشته بر این اعتقاد بوده ایم و هم پس از پیروزی انقلاب این اعتقاد در دل ما راسخ تر شده است. اداره یک انقلاب بدون یک سازماندهی قوی و متشکل ممکن نیست.

کیهان ۶۱/۶/۲۱
به مناسبت توضیح و تشریح ولایت فقیه سمیناری بنابه دعوت حجت الاسلام عبادی امام جمعه گنبد به مدت سه روز رهنماید مینودشت برگزار شد.

کیهان ۶۱/۶/۲۸
یکی از خبرنگاران از آقای پرورش سؤال کرد اخیراً شایعاتی وجود دارد که تصفیه ها و بازسازی های در امور تربیتی مناطق میشود که بیشتر روی افرادی است که با انجمن حجتیه مخالف هستند نظر شما چیست؟ و همچنین نظر خود را در رابطه با انجمن حجتیه بیسان کنید.

کیهان ۶۱/۶/۲۹
حجت الاسلام ناطق نوری وزیر کشور: انتخابات میان دوره ای مجلس پس از تشکیل هیئتهای نظارت بر بقیه رصنحه ۱۱

اخبار داخلی

بنام خدای شهیدان

تاریخ همیشه پر جوش
دستخامین و مالومین جهان
و صوما و بعد بر است از نواز
وند بیبا و خاطرها و هر روز
شهادت و فغان مردان و زرتسان
بز رنگاست که عمر خور را بر آختا
و خدمت به مرتضی مفسین و استقلال
و آزادی آنها گذرا نده اند
همزمان با گسترش نهضت اسلامی
ایران و آغاز حرکتها نوین قهرامان
مردم و نوا حالی که چند ما از شهیدان
دکتر و ریاضی نگشتند بود ایران
ترتیب فقدان او و قیام میسخت
غیر از هایت مهد منطقی خمینی
لین جف سرعت نرسا ر ایران
بجهد و عاملی در مدت بخشیدن
به مبارزات تسلطی و ناستماعی
مردم مسلمان ایران
اولا با نوا ۱۳۵۰ روز وقوع عا نده
بود روزی که بقول امام ۳ مه مبدآینه
اسلام "بر سحرگاه بود بسوی مسجد
و خالی خود و تافت و دوستداران و
پاران خویشا نقلاب را در هم فقدان
خود تنها گذاشت مجالس و محافل
عزاداری و سوگواری ایشان تا این
به کانون های قیام و زمانه ای
آن شد و همینطور کانون ه و قیام
تجدیدیه عزاداری برای شهید شد
که این سنت شعبان و ائمه است که
شهادت خود عاملی است در جهت
بسج و سازماندنی نیروها و بهروا
و تعامل عزاداری و باس چرا کشتند
خود یک حرکت هدفت راست و شهید
ثابت تاریخ و پور خلق تصور دشمن
این حادثه همچون سایر مصیبتها
عامل باس و کندی حرکت انقلابی
مردم نشد
باید دانست که هدف مقطعی امیر
بالصم از گرفتن و ترور کارها و
رهبران یا صلاحیت و مکتبی هر انقلاب
اجا ناماس و به سردی و سستی کشاندن
آن است و نه دراز مدت نمز تربی
این است که بتدریج حرکت مردم را
بتضمدل و تضعیف کفانده و در
محتوای نهضت خط خود را احاکم کند
و جناحهایی از امید ریا الصم ترجیح
میدهند که نهضت ها و قیام ها مردم
را بهر فرمس و اصلاح طلبی طمعی
(سازد کاری) بکشانند، نه اینکه
آنها را ابتنا بطور کامل قطع و قطع
کنند که موجب قهرآمیز ترور ادکا
سلتر شدن حرکت بشود منظر نواز
بیمنت امید ریا الصم بریر خورد با
انقلاب اسلامی نیز چ نمانست که
ابتنا با به هایت رساندن افرادی
چون دکتر عربتی و حاج قاسمی
خمینی و مطهری و... نمی نمود
موجب ایجاد خلا و نهضتها بی به
حفاظ امده و ولوزیک و فکری در نرون
نهیات و نیروهای آن شد و و با لا
خره بتواند رشد و انجام انقلاب
را بتاخر بیان نازد بر ثانی با
بشهادت رساندن کارهایی چون
شهید رجایی شهید منتظر کوهپتو
...
مخواست به لحاظ سیاسی و
تسکلاتی بطور اخر نظام و حتی
نهضت را به ضعف بکشاندند دیگر

زرنگ و شهادت یک روحا الهی شهید مصطفی خمینی



فقهی و علمی:
بلحا علمی وطی نروس حوز
ایشان نبوغ و استعداد و شرف
خودشان را نشان داده بودند
در سنین جوانی بمقام اجتهاد و
تدریس رسیده بودند و آنطور که
گفته اند پانزده سال پس
کتاب اسفار ملائرا را تدریس
میکرده اند و حتی خاشیای سیر
الهیات آن زده اند

عشق به مستضعفین و انقلاب و
دور آن:

ببراز تبعید امام به ترکیه ایست
اولین کسی بودند که در محن حرم
معصومه (ع) با سخنانی آتشین
موجب انا مه حرکت و تشدید آفت
شدند که منجر به تبعید ایشان
به ترکیه شد و تا زمان تبعید در
ایران و سپس در نجف نیز بعنوان
مناور همرا و همراه و دل سوز امام
بودند و بعنوان یک رابط فصال
مبارزه با رژیم های طاغوسی
ممالک خودشان آموزش میدادند که
فغان ایشان برای آنها غیبی
محسوس بوده است موضوع شهید
در قبال مستضعفین در یک جمله
که خودشان در نوشتارها آورده اند
که گویای همه چیز است که: "من
تستم همه خلقهای ستمکار را میبوسم
و میبوسم"

رفتار و شیوه زندگی و مواضع
شاید:
ایشان تا آخرین روزها همچون
الاب ساده خیره خود را از امام
میکرفته اند و طح زندگی و...
ایشان حتی از طلاب دیگر ساده
تر بوده است که موجب تعجب
سایرین می شده در برخورد ها
ایشان قاطعیت صعه صبر و حوصله
و فکر باز در مسائل اجتماعی
و سیاسی و فکری کاملاً آشکار بوده
کاران از نستان ایشان در آرام
نبودند و حتی موضع شان و شخص
خودشان ملاکی بوده برای تمیز
افراد انقلابی از محافظه کاران
و گفته اند از این افراد بیست
دوری میکردند و لازم به گفتن
است که شهید و همسرشان دو
فرزند خود را در نگری بسیار
ما موران شاه از دست میدهند

بعد فلسفی و ایدئولوژیک

... در نجف اشرف بر توی از قرآن
را بحضور امام تقدیم کرده بودند
که مطالعه فرمایند بعد از مدتی
از فرزند شهیدان مرحوم حاج
آقا مصطفی شنیدم که امام تاکید
و تارش کرده اند از آن الهام و
آموزش بگیرند (مرحوم حاج آقا
مصطفی در آن امام مشغول نوشتن
تفسیری بر قرآن بودند) سفارش
امام در مطالعه بر توی از قرآن
تا بعد مطلق آن بقدری جدی بود که
مرحوم حاج مصطفی با توجه به
شیوه محتاطانه حضرت امام در
مورد افراد نوشته ها ایشان
تعجب کرده بود

بعد فلسفی و ایدئولوژیک
برای این که در این مقاله سعی
شده است تا به بررسی چندین
نقطه از تفکر و اندیشه شهید
آیت الله العظمی خمینی در
زمینه های فلسفی و ایدئولوژیک
پردازد و این موضوع را در
چهار بخش مختلف بررسی
کند: ۱- مبانی فلسفی
اندیشه شهید ۲- ایدئولوژی
انقلابی ۳- روش فلسفی
شهید ۴- تأثیر فلسفه بر
فکر و عمل شهید

بقیه از صفحه
پرامون ولایت فقیه
نحوه استمرار و جانشینی:
در صفحه ۵۴ کتاب امامت نوشتند
حجة الاسلام قرائتی تحت عنوان "راه
حق" میخوانیم:
"راه حق در شیوه تعیین امام همان
راهی است که قرآن بیان میکند زیرا ما
امامت را همچون نبوت و امام را همچون
پیامبر و لیل نیاز به امام را همانند
نیاز به پیامبر میدانیم و کار امام نیز
شیبه به کار پیامبر هدایت و رشد و نشان
دادن راههای سعادت واقعی جامعه
انسانیت است بنابراین همان آیه ای
را که در جزوه نبوت استفاده کردیم در
اینجا هم مورد استفاده قرار میدیم
و آن آیه این است "ان علینا الهدی"

"همانا بر ماست هدایت مردم" و همان
گونه که انتخاب پیامبر از طرف خدا
است و آیاتی در قرآن به این حقیقت
اشاره میکند تعیین امام هم که مربوط
به هدایت مردم و از پیمانهای الهی
است، باید از جانب خدا باشد.
در جای دیگری از این کتاب تحت
عنوان "انتصاب راه حق" میخوانیم:
"راه حق همان راه تعیین الهی است
که در قرآن وحدیث آمده که نمونه آن
ماجرای غدیر خم است."
در کتاب ولایت فقیه امام خمینی
میخوانیم:
"این توهم که اختیارات حکومتی رسول
اکرم (ص) بیشتر از حضرت امیر (ع)
بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر
گونه که انتخاب پیامبر از طرف خدا
است و آیاتی در قرآن به این حقیقت
اشاره میکند تعیین امام هم که مربوط
به هدایت مردم و از پیمانهای الهی
است، باید از جانب خدا باشد.
در جای دیگری از این کتاب تحت
عنوان "انتصاب راه حق" میخوانیم:
"راه حق همان راه تعیین الهی است
که در قرآن وحدیث آمده که نمونه آن
ماجرای غدیر خم است."
در کتاب ولایت فقیه امام خمینی
میخوانیم:
"این توهم که اختیارات حکومتی رسول
اکرم (ص) بیشتر از حضرت امیر (ع)

بسم الله الرحمن الرحيم
مقدمه :

بناست لکه ستاره

دکتر سید حسین فاطمی

بررسی زندگی شهید دکتر فاطمی
مردی که عاشق شهید مدرس بود و مردی که اسلام بطور فطری و ذاتی راهنمای عملش بود. مردی که جوهر جریان اصیل ملیت بود. نفت و اولین کسی بود که این پیش نهاد را به جبهه ملی آتزمان نمود. مردی که در سفارت امپراطوری بریتانیا کیمبر را بست. مردی که چندین بار از طرف رژیم شاه خائن دستگیر و زندانی شد. مردی که معتقد بود باید با محمدرضا خائن و دربار بعثت ایجاد فساد و وابسته بودن قاطعانه برخورد نموده و ریشه این فسادها را که دربار باشد از بین برد. مردی که امروزه از طرف بعضی جریانات شناخته شده بعثت عملکرد. های فوق مورد شدیدترین اتهامات میباشد و... از آن جهت ضرورت دارد که: اولاً - چه سره واقعی این مرد بزرگ را بشناسیم در ثانی بتوانیم با درک عمیق او و شیوهها و نحوه عملکردش موجب باروری تاریخ ملت عزیز خویش گردیم در عین حال از این تجاربات و دستاوردها در جهت رشد و گسترش نهضت اسلامی استفاده کرده با درک شرایط حساس زمان خود در مقابل توطئه های امپریالیسم ساده اندیش نگردیم.

فرازهایی از زندگی شهید فاطمی
روز عاشورای ۱۳۹۹ خورشیدی در روز شهادت امام حسین (ع) آزاده مردی در خانواده ای روحانی از نسل حسین بن علی (ع) چشم به جهان گشود که بنام نیاپش حسین "حسین" شناخته شد. پدرش آیت الله... سید علی محمد سیف العلماء بود و مادرش دختر حجت الاسلام خادم العلوم. سید حسین فاطمی در فضای روحانی خانواده رشد کرد

دانش ابتدایی و تحصیلات قدیمه را نزد پدر و دیگر افراد خانواده فرا گرفت. در سن سیزده سالگی به همراه برادر بزرگش به اصفهان رفت و در دبیرستانهای اقدسیه و صارمیه به ادامه تحصیل و کسب دانش پرداخت و در سال ۱۳۱۹ از دانشکده حقوق در رشته حقوق سیاسی لیسانس گرفت. هنگامی که تحصیل به نوشتن مقالات مردمی در روزنامه ها و مجلات آنروز تهران پرداخت. در سال ۱۳۲۲ هنگامیکه بیست و سه سال بیشتر نداشت برادرش را در انتشار روزنامه باختر که امتیاز آنرا داشت باری کسود بهین سالهای ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ بعثت انتشار سلسله مقالاتی که نشان دهنده احساسات و بینشش و درک عمیق این روزنامه نگار شجاع در مسائل و حوادث آنروز ایران بود و انتقاد تندى که در یکی از مقالاتش به مجلس رضاشاهی کرده بود. موجب شد که دوبار اسیر زندانیهای شاه خائن شود. در سال ۱۳۲۵، حسین فاطمی برای ادامه تحصیل و اخذ درجه دکترای راهی اروپا شد و از اروپا هم مقالات خود را به روزنامه های ایران میفرستاد و این رهگذر به هنگام تحصیل در خارج بفرگ مسائل داخلی بود هر چند از محتوای مقالاتش مطلع نیستیم. او پس از گرفتن درجه دکترای برای ادامه مبارزات خود به ایران بازگشت و برای قوام بخشیدن به مبارزه بن امان خود دست به انتشار روزنامه باختر امروز زد و اولین دکترو روزنامه نگار در ایران بود. دکتر فاطمی با انتشار این روزنامه در سال ۱۳۲۸ بهر از بهر به مبارزه در راه آرمانهای هم میهنان رنج دیده خود برخاست.

اعراض به انتخابات دروغین دربار

بدنهال تحصن دکتر صدق و نوزدهتن از یاران وی جهت آزادی انتخابات در دربار شرکت کردند و ناگفته نماند که شهید حاج مهدی عراقی هم در این تحصن شرکت داشت. دکتر فاطمی نخستین بار عنوان "جبهه ملی" را در روزنامه باختر امروز به صدق و یارانانش اطلاق نمود و از سال ۱۳۲۸ در بدو تشکیل "جبهه ملی" روزنامه باختر امروز را ارگان این سازمان سیاسی و ناشر افکار آن ساخت. دکتر محمد صدق روز دهم اردیبهشت ۱۳۳۰ که به نخست وزیری رسید و زمام امور کشور را بدست گرفت دکتر سید حسین فاطمی را بعنوان معاون خود برگزید. ششم آبانماه ۱۳۳۰ فاطمی بهنگام سخنرانی بر میزبان محمد مسعود روزنامه نگار مبارز و سر دبیر روزنامه مرد امروز که بدست عمال شاه ترور شده بود هدف گلوله های جوانی از فدائیان اسلام قرار گرفت که به سختی مجروح شد و تا آخر عمر از این زخمها در رنج بود بنظر میرسد در آن شرایط که نواب در زندان بود، این خط ترور خط القای دربار بوده است. در انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی او کاندیدای نمایندگی مجلس شد و از سوی مردم تهران به مجلس شورا رفت و در مهر ۱۳۳۱ موقعی که حسین نواب وزیر خارجه صدق حاضر به قطع رابطه

گروههای طرفداران این نهضت در میدان بهارستان تشکیل شده بود شرکت کرد. اما دریغ که کاروان حرامیان و یزیدیان زمان از راه رسید و دکتر صدق و یاران وی را اسیر سیاه چالهای رژیم وابسته و فاسد شاه گردانید. در این میان شهید دکتر سید حسین فاطمی با درایت و هوشیاری خاصی از بند زنجیر در خیابان رستو با شیوه پنهانکاری، زندگی مخفی اختیار نمود. کوشش حلقه به گوشان رژیم کودتا بسرای دستگیری دکتر فاطمی به جاسوسی نرسید و وی ماهها به حالت لغتفا در خانه هائی در تهران زندگی کرد.

زندگی مخفی

بعد از کودتای خونین ۲۸ مرداد در دکتر صدق و یاران وی اسیر سیاه چالهای رژیم وابسته شاه گردیدند. در این میان شهید فاطمی به دلیل درک عمیقش نسبت به دستگاه منفور پهلوی و ایمانش به مبارزه در از دست در مقابل کودتای ننگین رژیم که قصد از بین بردن آزاد یخواهان و سر کوب نهضت را داشت زندگی مخفی اختیار میکند. و از آنجائیکه هیچگونه سفیختی بین خود و دربار نمیدید حاضر به تن دادن به ارتش وابسته شاهنشاهی نمیکرد این شیوه جهت بقا بیشتر در امر مبارزه حرکتی نوین و بهشتاز بود این حرکت را باید بعنوان یک جهش در پروسه مبارزات چند ساله اخیر ملت ایران دانست. البته این شیوه توسط گروهها و جریانات دیگر نیز بکار برده میشد، اما بدلیل اینکه شیوه فوق اولین بار توسط فردی شناخته شده مانند فاطمی که وزیر امور خارجه صدق بود و از پایگاه

شاه، فاطمی و مکی را بدربار احضار نموده و آنان میگوید که شما نخست وزیر بشوید و من صدق را بردارم. که بعد از این ملاقات فاطمی ماجرا را میگوید، ولی مکی گمان میکند. نقل از برادر میثی

با انگلستان نشد، صدق از دکتر فاطمی خواست که پست وزارت خارجه را بپذیرد. او بید رنگ این امر را پذیرفت و مبارزه بنیادی خود با استعمار یعنی قطع رابطه با انگلستان را جامعه عمل پوشانید و دست امپریالیزم انگلستان را از ایران کوتاه کرد. شهید دکتر سید حسین فاطمی در کودتای نافرمانی که نیمه شب بیست و پنجم مرداد ۱۳۳۲ بدست در خیابان گارد شاهنشاهی بوقوع پیوست باز داشت شد. اما سحرگاه فردای آنروز از زندان آزاد شد و به خانه بازگشت. عصر همانروز در میهنک با شکوهی که توسط فراکسیون نهضت ملی و احزاب و

توده های وسیعی برخوردار بود انجام میگردد حائز اهمیت بوده و میتوانست الگوی بسیاری از رزمندگان آنزمان و بعنوان یک اصل اساسی در مبارزه ضد امپریالیسم ضد صهیونیسم، ضد سلطنتی راهنمای عمل مجاهدین و انقلابیون قرار گیرد. دکتر فاطمی بدین طریق توانست خود را ماهها از چنگال در خیابان پلید شاه دور نگه داشته و با جمع بندی از مبارزات آنزمان به تعمیق نهضت مردم بردارد و او نه برای فرار از مرگ بلکه برای تداوم مبارزه بود که به زندگی مخفی روی آورد و به این ترتیب با اختیار کردن بقدر صفحه ۲۹

لازمه انقلابی بودن تحمل سختی هاست امام خمینی

اسلامی در عرصه جهانی است که هر دو این حرکت در جهت گشادن انقلاب به خط سارزنگاری در سیاست خارجی و خط فشار در سیاست داخلی پیش می رود. بنا بر این برای مبارزه با توطئه امریکایی و ضد انقلاب داخلی باید به سیاست فشار در سیاست خارجی و در اراد سیاست داخلی در رابطه با مردم ادامه داده آنرا تقویت کنیم در این صورت هم حربه ضد انقلاب داخلی کند میشود و هم توطئه امریکا خنثی میشود.

کیهان ۶۱/۶/۱۵
یادداشت روز: در وقشروشنفکر و مقدس مآب با همان تصویر که از آنها عرضه کردیم در زمان شاه و در خفقان آریامهری از خاموش ترین اقلیت جامعه بودند. و تازه در اطلاق لفظ خاموشی برای این دو قشر، کمال انصاف و حسن نیت رعایت شده است چرا که آن دسته از روشنفکران و مقدس مآبانی که علاوه بر سکوت و سکون خود علاوه بر رژیم شاه دست بیعت داده بودند هنوز هم فراموش نشده اند برخی از انتشار روشنفکری که تاب مقاومت در برابر شاه را از دست داده بودند به کج خانه ها خزیدند و با برخی از آنان به رژیم شاه چراغ سبزشان دادند با سکوت و خمودگی

ارتکاب همه این اعمال، با اصطلاح خودشان قهرآمیز میکنند و بدین وسیله حکومت اسلامی را به واکنش های تند تری در قبال گروه های ضد انقلاب وادار نمایند. . . . باید اوضاع اجتماعی جامعه را پیش از وقوع این انفجار بررسی کرد. امام چند روز پیش فرمان دادند تا کلیه قوانین غیر اسلامی از دستگاه قضایی جمهوری اسلامی حذف شود بدینوسیله است که در صورت تحقق کامل این حرکت اسلامی بسیاری از مشکلات مردم در رابطه با مسائل قضایی رفع خواهد شد و در این صورت از میزان ناراضی مردم نسبت به وجود قوانین طاغوتی نیز کاسته خواهد شد. ضد انقلاب این حرکت را به زبان هدیه های خود تشخیص میدهد. خط امام مبارزه با زمینه ها و عوامل ایجاد ناراضی است و خط ضد انقلاب ایجاد و توسعه ناراضی است. این مسئله در رابطه با سیاست خارجی انقلاب اسلامی نیز صدق میکند. . . . آمریکا از طریق محاصره نفتی ایران در خلیج فارس میخواهد انقلاب اسلامی را در رابطه با اوضاع منطقه متغیر سازد و خط ضد انقلاب داخلی توسعه ناراضی مردم نسبت به موضع گیری های تهاجمی انقلاب

بهین سال ۶۰ طی پیامی از دادستانی انقلاب خواستند تا سریع در رسیدگی موضوع زندانیان گروه های کمپانی را که به لحاظ احکام اسلامی میتوان آنها را آزاد کرد آزاد کند. . . . یک روز پس از اینام دادستانی کل انقلاب با انتشار اطلاعیه ای از کلیه ادگا های انقلاب در سراسر کشور خواستار استیفاء زندانیان گروهها را تهیه کرده و قبل از عید نوروز آن را به سرکتر بفرستند تا ترتیب آزادی اشخاصی که می توان آنها را رهو کرد داد میشود در همان روز از سوی رئیس دیوان عالی کشور نیز اطلاعیه مهم در مورد عفو محکومین صادر شد. ضد انقلاب با مشاهده این حرکت و از ویسی آینده آن به فکر توطئه افتاد تا حاکمیت جمهوری اسلامی را از ادامه این خط منصرف کند لذا دیدیم در تیفق ۹ روز پس از سخنان امام در روز پس از انتشار اطلاعیه های دادستانی دیوان عالی کشور دست به یک انفجار همید در میدان عشرت آباد زد. در این انفجار عده ای از مردم به شهادت رسیدند و عده ای نیز مجروح شدند محل انفجار نشان داد که آنها هیچ هدف نظامی یا اقتصادی نداشتند بلکه صرفاً خواستند قضای جامعه را با

خود را متحد برای خدمت به مستضعفین بدانند انقلاب روزی پیاد خواهد است.

اطلاعات ۶۱/۷/۷
حجت الاسلام موحدی ساوخی: پس از انعقاد ۷ خرمه امت از مساجد درخواست کرد که یک تشکیلات اطلاعاتی متمرکز بوجود آید و امید امام و امت حضرت آیت الله منتظری نیز مکرراً از مجلس خواستار تشکیل چنین سازمانی بوده و اخیراً نیز حجت الاسلام والمسلمین آقای خامنه ای رئیس جمهور خواستند که این مسئله در کمیسیون ویژه طرح اطلاعاتی بررسی شود و طرحی نیز به مجلس ارائه شود.

اطلاعات ۶۱/۶/۲۱
مجلس شمعخانی قائم مقام سپاه پاسداران: طبیعی است که مواد متعلق به صدام بوده یا سایر افراد در هی منافقین به کمک سلطنت طلبان که به تهران رسیده و از این نوع موارد زیاد داشتیم که بعد از انفجار آنها را خنثی کردیم. . . . در اطراف مخابرات . . .

البته باید وضعیتهای موجود در گمانها را شناخت و علاج کرد و هرگز ساجد و فرصت طلبی را این مردم دلیر نخواهند بخشید. باید سواد سیاسی کلیدی و سنگین را به افراد متدین، لایق و با کفایت سپرد. آیت... منتظری

کیهان ۶۱/۶/۲۵
حجت الاسلام سید علی خامنه ای با اشاره به اینکه استکبار جهانی و دشمنان اسلام برای از بین بردن این انقلاب، از یکبار بردن طرحها - ضربتی مایوس شده اند، گفت آنها برای از بین بردن انقلاب اسلامی به طرحهای دراز مدت رو آورده اند اگر آنها بداندند که طرحی حتی ممکن است ۲۰ سال دیگر این انقلاب و جمهوری را ساقط کند، این کار را خواهند کرد و این طرحهای دراز مدت دشمنان، در همه زمینه ها اعم از سیاسی، نظامی و اقتصادی فرهنگ است و آموزش و پرورش باید از هم اکنون به فکر مقابله با این طرح های دراز مدت باشد.

ایستاد خانف صدام مأموریت پیدا کرده اند که همه جیبه های ماضیه وارد کند. . . . امروز مستقیماً منافقین خلق ملیت نظامی خود را در رابطه با جنگ و پیروزی های مادر جیبه ها رید و گروکی های بدست آمده از وضعیت نظامی ما وضعیت استقرار نیروهای ما مشخص کننده این ارتباط مستقیم است.

اطلاعات
عباس آخوندی معاون سیاسی وزارت کشور: معلوم است که یک حزب باید برنامه داشته باشد در آئین نامه اجرایی احزاب، اساسنامه و هدف هیئت موسسین منابع تأمین مالی، ارتباطات، نحوه عضوگیری و تشکیلات در نظر گرفته شده است احزاب باید هیات رهبری خود را معین کرده و موارد فوق را در نظر داشته و اعلام نمایند. تا معلوم شود که ارتباط داخلی و خارجی احزاب چگونه است؟

اطلاعات ۶۱/۶/۲۱
مجلس شمعخانی قائم مقام سپاه پاسداران: وزارت سپاه در وهله اول کارها هفتگی بین سپاه و دولت و این حده در کردن فرماندهی عالی ولایت فقیه را بعهده خواهد داشت و در وهله دوم تأمین نیازمندی های لجستیکی سپاه را بعهده می دهد. . . . شورای عالی سپاه نقش در وزارت سپاه ندارد این شورای که تنظیم کننده خط مشی سپاه پاسداران است در رابطه با هدایت سپاه نقش دارد و ممکن است یکی از اعضای این شورای وزیر سپاه باشد که این بعهده دولت است که به کسی را بعنوان وزیر سپاه معرفی میکند. شورای عالی سپاه فرستاده سپاه را امام منصوب میکنند و این شورای در رابطه با برنامه های سپاه تصمیم گیری میکند.

کیهان ۶۱/۶/۱۶
یادداشت روز: عده ترین هدف ضد انقلاب از ارتکاب به این اعمال جنایتکارانه گشادن حاکمیت جمهوری اسلامی به واکنش های تند است تا ضد انقلاب بتواند از این واکنشهای تند حربه ساخته آن را در سطح جهانی علیه انقلاب اسلامی بکار بندد. یادآوری یک نمونه میتوانست این خط ضد انقلاب را روشنتر سازد: امام خمینی در ۲۴

اطلاعات ۶۱/۶/۴
حجت وزیر در جمهوری اسلامی: و نشو به آن معنا که در کشورهای در شمول در ارد مطرح نیست بلکه این مردم هستند که نظام را نگه داشته اند و در مقابل شدت و سختی ها ایستاده اند. دولت فقط یک نقش کوچک و هماهنگ کننده بعهده دارد در کشور ما ولتی خارج از اراده شعلات مسلمان نخواهند بود و این ملت است که حکومت میکند و دولت خدمتگزار چنین ملتی است. . . . تازمانی که در کشور مسئولین

سخنی درباره نقد اجمالی نهضت مجاهدین خلق

در روزنامه جمهوری اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

چند مارک و اتهام در این روزنامه نصب نهضت مجاهدین کرده و این دستها مانع از چاپ جوابیه های ما در هر مورد شده است. توضیح اینکه در آخرین مذاکره ای که با شهید باهنر داشتیم ایشان تصریح کردند در کنگره ای که در حزب جمهوری اسلامی در پیش داریم بناسد که یک سوم افراد حزب تصفیه شوند و تصریح کردند که این تصفیه شامل انجمنی ها هم میشود. ایشان چندی بعد به شهادت رسیدند و تا آنجا که ما مطلعیم این آرزوی ایشان بعد از شهادتشان عملی نشد.

ابهام چهارم: همانطور که نویسندگان جزوه میدانند و خداشان هم میداند تمام صحبتها و نقطه نظرهای افراد جدا شده در یک محیط آزاد و در طی سلسله برخوردهای چهار ماهه به استماع خواهران و برادران رسید و توارهای آن هم موجود است و عین نقطه نظرهای منفصلین (جدا شدگان) بطور جداگانه چاپ شده و در اختیار خواهران و برادران و نیازمندان قرار داده شده که حتماً بدست آنها هم رسیده، این ابهام مطرح است که چرا نویسندگان جزوه از طریق کاتالهای که دارند این جزوه را برای روزنامه جمهوری اسلامی نفرستادند تا همراه با جزوه خودشان چاپ کنند.

در خاتمه ضمن تأیید و آرزوی صبر، از برادران حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تقاضا داریم اگر مصلحت انقلاب دیدند نامه ای را که در بهار امسال در یک ملاقات حضوری تقدیمشان کردیم در روزنامه حزب جمهوری اسلامی چاپ کنند.

همچنین امید داریم از مسئولین روزنامه بخواهند تا قانون مطبوعات را رعایت کرده و جوابیه های ما را به اتهامات گذشته روزنامه و نویسندگان جزوه مذکور به چاپ برسانند.

اخیراً روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ سلسله مقالاتی تحت عنوان "نقد اجمالی نهضت مجاهدین خلق" پرداخته است که به عده ای از هواداران آن! سابق شاخه تبریز منتصب شده است. بدون اینکه به مطالب خود این جزوه بخواهیم بپردازیم اجمالاً چند ابهام برای ما در این رابطه ایجاد شده است که بقرار زیر است:

ابهام اول: چرا وقتی انجمن حجتیه توسط روحانیون مبارز مورد سوال واقع میشود روزنامه جمهوری اسلامی معتقد است که حالا زمان جنگ است و نباید این گونه مسائل فرعی مطرح شود! چه شده در حالی که علاوه بر جنگ کفران فاس و اخراج فلسطینی ها از لبنان، ترور آیت الله اشرفی اصفهانی (و زیر سوال بردن شخصیتها و مسئولین خط امام) و توطئه های دیگر که وجود دارد روزنامه حزب جمهوری اسلامی به چاپ جزوای دست زده که علیه نیروی است که تا به حال ۱۵ شهید در جبهه های جنگ اسلام و کفر قربانی راه خدا و انقلاب اسلامی به برهبری امام خمینی نموده است.

ابهام دوم: با توجه به اینکه نویسندگان جزوه خودشان را هواداران (نه عضو) یک سال قبل گروهک نهضت قلمداد کرده اند چطور میشود که جناحی از روزنامه حزب جمهوری اسلامی به جزوه هواداران یک سال قبل؟! یک گروهک استناد حسته و مطالب عمدتاً نا صحیح آن را در روزنامه چاپ میکنند (با توجه به دیدگاهی که بعضی از آقایان نسبت به نهضت مجاهدین دارند پس چرا این گروهک را اینقدر بزرگ می کنند؟)

ابهام سوم: دست هایی است که تا به حال



و انفعالی گری این دست‌آورد روشن‌فکران میدان عمل شاه برای سرکوب و بی‌تعطیل کانونهای مقاومتی مبارزان بازرشده بود از طرفی مقدس مآبها هم به همین شکل برخورد میکردند و نتیجه عمل آنها برای جنبش مذهبی روشن‌فکری یکسان بود. این مقدس مآبها در زمان شاه سکوت میکردند و دیگران راهم به رعایت سکوت ترغیب میکردند. رژیم شاه هم با استفاده از سکوت این قشرها سرکوب کلیه واحد ها و کانونهای مذهبی میبرد اکت... آنها حتی به امام خمینی یعنی کسی که عبارت سکوت در مقابل ظلم را از

بر اساس این قرارداد از هفتصد و یکصد تنگ از سوی جمهوری اسلامی ایران به کشور برزیل اعزام خواهد شد.
کیهان ۶۱/۶/۲۶
حجت الاسلام خوینی ها: از مصیبت غسای عظمی وجود یابد اسرائیل است و از ابتلائات بزرگ ما یکی تفرقه و تشتتی است که در میان کشورهای مسلمان وجود دارد.

که خودمان تصمیم میگیریم برقرار کرده ایم.
کیهان ۶۱/۶/۲۵
لیبراسیون چاپ پاریس نوشته است: در حالیکه شرکت های بیمه انگلیس نرخ بیمه نفتکش های اعزام بنادر نفتی ایران در خلیج فارس را به هفت درصد رسانده بودند نرخ پیشنهادی ایران که دو هفته پیش بعرضان یک درصد اعلام شد نشان دهنده قدرت ایران بود و در محافل بیمه جهانی بعنوان شکست شرکت های بیمه انگلیس محسوب میشود. ایران با سپردن ۳۰۰ میلیون دلار علا ضمانت اجرای تصمیمات خود را فراهم کرده است.

از سوی آیت الله العظمی منتظری گفتند:
خواستار ایجاد تسهیلات لازم برای تولید کنندگان و بخصوص کشاورزان که مورد تاکید آیت الله منتظری نیز قرار دارند. و همچنین رسیدگی بیشتر در زمینه های اقتصادی و فرهنگی به نقاط محروم شد.
پیام حجت الاسلام خامنه ای در این سمینار: نکته اساسی و مهمی که باید در کلیه برنامه ریزی های کشور در مد نظر باشد جهت گیری است. برنامه ها بسود مستضعفان است. توجه به عناو خود کفایی ملی در کلیه برنامه های خود و کلان است. دکتر بانکی: اقداماتی را که در

قاموس زندگی مبارزاتی خود طرد کرده نصیحت میکردند که: "آقا اول کنید" امام علیه اصلاحات ارضی شاه موضع گرفت آنها سکوت کردند امام علیه حزب رستاخیز موضع سرسختانه گرفت آنها سکوت کردند و سفارش به سکوت کردند. امام علیه تغییر تاریخ ایران موضع گرفت آنها هم سکوت کردند و هم سفارش به سکوت و... امامه محض اینک که انقلاب به پیروزی رسید و آنها یعنی قشر روشن فکر و مقدس مآب احساس کردند که پایه و کما خهای سیاسی شاه فروریخت و امید آن آمدند و مطالبه را آغاز کردند... و در داخل ایران همین مقدس مآبها با اقدامات اساسی و اسلامی حکومت که عمدتاً در مسائل اقتصادی خلاصه میشود مخالفت میورزند. البته خوشبختانه قشر روشن فکر اکنون از سوی توده های مسلمان طرد شده و دیگر نمیتواند بصورت اوایل انقلاب عمل نماید. اما این مقدس مآبها هنوز هم حضور دارند اینها عمده ترین کارشان این است که نق بزنند و با این نق زنی کارشکنی کنند و گرچه تصور میشود که اینها در خانه ها نشسته اند اما بازتاب بر فرورد و عمل آنها طوری است که انسان فکر میکند اینها در همه جای نظام جمهوری اسلامی حضور دارند

کیهان ۶۱/۶/۲۲
حجت الاسلام خوینی ها: شما که مدعی مبارزه با اسرائیل غاصب هستید و میخواهید در کنفرانس قاهره بد اسرائیل زان آورید، اجازه بد هید تا ما دمکه و مدینه... میلیون مسلمان را علیه امریکا اسرائیل تجهیز کنیم و پشت سر ما اسرائیل غاصب مبارزه کنیم... ما از این چیزها ترسی ندارم، اما ما شما درگیر نخواهیم شد. امریکا در ایران هم خیلی تلاش کرد مردم را با کسان غیر از امریکا و شاه درگیر کند، اما امام ما فرمود "هدف امریکا و شاه است" و ما نابودی آنها بقیه هم جاو می شوند. امروز هم دست ما بسته است و ما نمیتوانیم با شما درگیر شویم، که امریکان نفس راحت بکشند... ما از امام دستور میگیریم و اصولاً دستورات شما برای ما از زنی نخواهد داشت... ما به آنچه که وظیفه شریعیان است عمل میکنیم.

کیهان ۶۱/۶/۲۲
موفقانه ای به منظور شروع مجدد پروژه سازهای دریایی کارخانه تعمیر و ساخت کشتی خلیج فارس برای مدت ۲۴ ماه به ارزش ۱۸ میلیاردین ژاپن بین مجری این طرح و مسئولین شرکت ژاپنی به امضای رسید.

دین جبارک بگردانها مهر است
کیهان ۶۱/۶/۲۲
موفقانه ای به منظور شروع مجدد پروژه سازهای دریایی کارخانه تعمیر و ساخت کشتی خلیج فارس برای مدت ۲۴ ماه به ارزش ۱۸ میلیاردین ژاپن بین مجری این طرح و مسئولین شرکت ژاپنی به امضای رسید.

اقتصادی

کیهان ۶۱/۶/۱۸
در جلسه هیئت دولت کلیات پیشنهاد وزارت نفت مبنی بر تقدیم ماده واحده راجع به کمک به کشورهای مستضعف که سیاستهای نه شرقی نه غربی را تعقیب میکنند به تصویب رسید و ادامه بحث در خصوص نحوه این کمکها و چگونگی فراهم کردن تسهیلات لازم در فروش نفت به آن کشورها به جلسات آینده موکول شد.

کیهان ۶۱/۶/۲۸
مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران: در پایان سفر هیئت بازرگانی برزیل به ایران قرارداد ادی به امضاء رسید که میزان آن حدود ۱۳۰ میلیون دلار است... از سوی دیگر مقامات نفتی برزیلی که همراه این هیات بودند با مسئولان وزارت نفت کشورمان مذاکراتی انجام دادند که منجر به عقد قرارداد نفتی بزرگی شد

کیهان ۶۱/۶/۲۳
از سوی هیات دولت طرح حذف بهره بانکی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده که در کمیته بررسی نظام بانکی تحت اقدام و بررسی است.

کیهان ۶۱/۶/۱۸
یک بولتن خبری به زبان فارسی تحت عنوان "مجموعه مهمترین اخبار ایران و جهان زیر نظر حجت الاسلام خوینی هانمانند امام و سرپرست حجاج ایرانی در جده منتشر شد.

حج

کیهان ۶۱/۶/۲۸
در جلسه هیئت دولت کلیات پیشنهاد وزارت نفت مبنی بر تقدیم ماده واحده راجع به کمک به کشورهای مستضعف که سیاستهای نه شرقی نه غربی را تعقیب میکنند به تصویب رسید و ادامه بحث در خصوص نحوه این کمکها و چگونگی فراهم کردن تسهیلات لازم در فروش نفت به آن کشورها به جلسات آینده موکول شد.

کیهان ۶۱/۶/۲۳
از سوی هیات دولت طرح حذف بهره بانکی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده که در کمیته بررسی نظام بانکی تحت اقدام و بررسی است.

کیهان ۶۱/۶/۱۴
در جلسه افتتاحیه مجامع هماهنگ کنند برنامه های بخشی منطقه ای: کردیم، اما جنگ این معادلات راه حجت الاسلام شبستری بنماینده گسی

روزنامه اطلاعات

۱۳۶۱ ه. ش
۱۴۰۲ ه. ق
۱۹۸۲ م

آبان اکتبر محرم

۱	شهادت حاج آقا مصطفی خمینی شنبه ۱	۲۳	۵
۲	آزادی ۱۱۲۶ زندانی سیاسی دوشنبه ۳	۲۵	۷
۳	تاسوعا - عاشورا	۲۷	۹
۴	چهارشنبه پنجمین	۲۸	۱۰
۵	وفات حضرت زین العابدین (ع) شنبه ۸	۳۰	۱۲
۶	آزادی آیت الله طالقانی در سال یکشنبه ۹	۳۱	۱۳
۷	تولد حضرت مسیح - اعلام جهاد دوشنبه ۱۰	۱	۱۴
۸	سالروز قیام دانش آموزان بر علیه سلطنت وابسته و سالروز تصرف لانه جاسوسی و سقوط دولت موقت و سالروز تبعید امام - بسته شدن حسینیه ارشاد توسط رژیم در سال ۵۱	۱۳	۱۷
۹	سقوط دولت موقت (۱۳۵۸) و لغو قرارداد دو جانبه ایران و آمریکا (۱۳۵۸)	۱۵	۱۹
۱۰	شهادت دکتر حسین فاطمی جمعه ۱۹	۱۰	۲۳
۱۱	سالروز آزادی انگولا جمعه ۲۰	۱۱	۲۴
۱۲	بوقلمونی روز شهادت امام سجاد جمعه ۲۱	۱۲	۲۵
۱۳	شهادت میثم تمار (۶۷۰ ه. ق) یکشنبه ۲۳	۱۴	۲۷
۱۴	شهادت ستارخان (۱۲۹۳) سه شنبه ۲۵	۱۶	۲۹
۱۵	پیام تاریخی امام بمناسبت چهارشنبه ۲۶	۱۷	۱
۱۶	ولادت حضرت امام محمد باقر جمعه ۲۸	۱۹	۳

غير قابل قبول است . يك مسلمان حرام است كه اسرائيل را به رسميت بشناسد .

اطلاعات ۶۱/۶/۲۲
عزیز الحق نایب و سخنگوی رهبر مسلمانان بنگلادش و همراه با تنی چند از علمای این کشور وارد شهر مقاوم آبادان شد . وی و همراهان پس از بازدید از مناطق تخریب شده توسط رژیم صدام و نیز یکی از بیمارستانهای آبادان که وحشیانه مورد هدف گلوله‌های توپ و خمپاره جنایتکاران بعثی قرار گرفته بود ، آثار جنایت بعثی صهیونیستی عراق را از نزدیک مشاهده کردند . . . عزیز الحق : این جنایات صدام نشان دهنده اینست که وی اصلاً مسلمان نیست . . . وی در مورد به رسمیت شناختن اسرائیل غاصب از سوی کشورهای مترجع عرب گفت : برای

اطلاعات ۶۱/۷/۴
دادگاه بخش جاگارتا روز شنبه عشرين محمد صفر عضو جنبش رادیکال اسلامی را به جرم براندازی و سعی در سرنگون کردن دولت و جایگزین کردن آن با يك دولت اسلامی به اعدام محکوم کرد .

اطلاعات
بیمت و دو سازمان اسلامی مالزی از امروز برای نشان دادن مخالفت خود با سیاست امریکا در مورد مسئله فلسطین کالاهای امریکایی را تحریم میکنند . . . گفته میشود که بالغ بر پانصد هزار نفر از این تصمیم پیروی خواهند کرد .

و بدین شکل بدام تروریستهای آمریکایی بیافتند و یا رهبری آنها را قبول نمایند و اینجاست که دشمن به هدف دوم خود میرسد که هم اینها مستهلک میشوند و هم بخشی از نیروی انقلاب .
برخورد مکتبی چیست ؟
در هر دو حالت به نفع عدم انقلاب و علیه امام حرکت میشود و تنها راه این است که صبر و متانت و هوشیاری انقلابی خود را از دست نداده نه منفعل شویم و نه به عکس العمل بیافتیم ، حتی اگر

بقیه از صفحه ۲۵ **حسین بن مطهر** . . . بطوریکه جوانان پر زور یزیدیان در برابر عظمت او باهايشان سست میشود ، ثبات یزیدیان آنچنان شکسته شد بود که به اوج فساد و وحشت رسیدند بطوریکه در مکه و مدینه لشکریان یزید آنقدر ربه ختران معصوم تاجا و زکرد بود که شرط بکار ترابطور رسمی از ازدواج با برداشتند تا علیه آنها افشاگری نشود . البته بعضی عافیت طلبان در مکه و مدینه میگفتند اگر امام حسین (ع) قیام نکرد بود یزیدیان اینقدر فساد نمی کردند ولی مای گوئیم این فساد و اوج آن دلیل بی ثباتی و سقوط آنهاست که اینقدر رفاشستی عمل می کردند . ویژگی حزب اللهی که هم در قیام امام حسین (ع) و هم در انقلاب اسلامی ما مشهود است وجود علی اصفراهای ششماهه تا حبیبیان مظاهرها هشتاد ساله می باشد و این نشان دهنده این مطلب است که جهاد در راه خدا مختص به طبقه خاصی نیست بلکه تمامی فطرت های خدا جوو حقیقت طلبید رتحقق این امر می گویند . امام خمینی نیز ریگی از سخنانشان می فرمایند : سالها باید زحمت کشید تا به فطرت خود برسیم حبیبیان در آن رسول اکرم (ص) تا امام حسین (ع) بی امان مبارزه کرد و معنی فطرت یعنی چشمه جوشان پاک را در یافتند شرایط فعلی ساخته شدن انسانهایی چون حبیبیان ما باید مطرح باشد چرا که مسئله انقلاب ما را نیز که هدف فروش و گسترش استوا حد است افراد همه جانبه ای چون حبیبی می توانند تد اومد هند . امیدواریم قدس عزیز را با پرورش افراد همه جانبه ای چون حبیب آزاد نمائیم ، امیدواریم بهاد رک عظمت حبیبیکه یکی از یاران امام حسین (ع) بود گریلا بی شد و اگر چه صد امیان نمی گذارند به زیارت امام حسین (ع) و یاران شرویم ثواب زیارت ایشان را ببریم . **فِيَالْيَتِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزُ مَعَكُمْ** ای کاش با شما بودم و با شما به رستگاری میرسیدم . (قسمتی از دعای عاشورا) **والسلام**

بیمای برای وی ارسال داشت . وزارت روابط خارجی فرانسه در بیروز ناظر نشان کرد که انتخاب امین جمیل به ریاست جمهوری لبنان وثیقه ای خوش یمن برای وحدت کشور قلمداد میشود . ولید جنبلاط رهبر حزب سوسیالیسم ترقیخواه لبنان که سرگرم دیدار از پاریس است ، از انتخاب امین جمیل اظهار تاسف کرد و افزود به یقین این گزینش راه حلی نیست که بتواند تفاهم را به لبنان بازگرداند

رشد
انقلاب اسلامی در منطقه

کیهان ۶۱/۶/۲۱
رژیم مصر محل د فن خالند اسلامیولی را از مردم مخفی نگاه داشته است .

کیهان ۶۱/۶/۲۲
ضیاء الحق گفت برداشت اسلام از دگرگسی با برداشتی که در کشورهای غرب حکمفرما است اندکی تفاوت دارد و افزود مردم در يك دسراسمی اسلامی باید حکومت را از خودشان بد انند و باید در آن مشارکت داشته باشند ولی اسلام به حکومت اکثریت اعتقاد ندارد . . . کارها باید طبق خواسته های مردم انجام گیرد ولی چنانچه اکثریت چیزی مخلف اصول اسلامی بخواهند این دیگر

کیهان ۶۱/۶/۱۴
روزنامه لبنانی الصغیر در شماره اخیر خود فاش ساخت در پیسی تهاجم وحشیانه صهیونیستها به لبنان موج بازداشت های سیاسی در پادشاهی سعودی بطور فوق العاده ای رو به افزایش گذاشته است . . . طی چهارماه گذشته بیش از صد تن از مخالفین رژیم پادشاهی سعودی سیاستها ی آن بازداشت شده اند که اکثریت آنان را نویسندگان ، روزنامه نگاران ، استادان دانشگاه و دانشجویان تشکیل میدهند و در بین آنان حتی يك کارمند بلندپایه آکادمی دریایی پادشاهی سعودی نیز وجود دارد .

بقیه دستهای مرموز بقیه از صفحه ۱
بد هیم اول خودمان را سئوال پیچ می کنند که این اخبار را از کجا بدست آورده اید ؟ مسلماً وقتی انقلابیون اصل منفعلس شدند راه برای جبهه رفاه و وابستگی باز میشود و در این صورت است که دشمن به هدف خود میرسد .
دوم اینکه دستهای مرموز آن است که اگر نتوانستند فردی یا نیروی را منفعلس کنند تلاش میکنند تا آن فرد یا نیرو را نسبت به جمهوری اسلامی کینه دار کرده و به عکس العمل و عمل متقابل و احیاناً عمل مسلحانه بکشانند

شهید فاطمی . . . بقیه از صفحه ۳۰
وابستگی به شرق و غرب دکتور فاطمی چنان برای دشمنان اجنبی و وابستگان به بیگانه عجیب و غیر قابل درک بود که هر يك به او مارک و تهمت میزد ، طرفداران قسار داد کنسرسیون و کودتاچیان در آن شرایط او را توده ای و کمونیست و حال که مدتی گذشت او را انگلیسی و آمریکائی میدانند و عده ای دیگر بوی و یاران او را توده ای و رومر جمع می گفتند .
فاطمی در زندان زمزمه میکرد : هرگز دل ما ز خصم در بیم نشد در بیم ز صاحبان در بیم نشد ای جان بگدای آنکه پیش دشمن تسلیم نمود جان و تسلیم نشد موحد چه در پای ریزی زرش چه شعیر هندی زنی بر سرش امید و هراسش نباشد ز کسی بر اینصفت بنیاد توحید و بس **والسلام**

عرب بپرتشدند رسمیت به سفارتخانه نه های مردم زدند . . . بطوریکه حتی محل لقامت خبرنگار خبرگزاری فرانسه در بیروت نیز از دستبرد مصوب نمانده است نظامیان رژیم اشغالگر قدس با خرید کردن شیشه های اتوبیل و شکستن درب آنها را بوضبط و اشیای قیمتی داخل اتوبیلها را بسرقت برده اند
راه مجاهد : مقایسه با غارتخانه های خونین شهر توسط مزدوران بعثی
اطلاعات ۶۱/۶/۳۱
شاه نهد در مهمام خود گفت از اینکه پارلمان لبنان امین رابعنوان رئیس جمهور جدید لبنان انتخاب کرده خوشحال است .
راد یو اسرئیل اعلام کرد که مناخیم بگین در بیروز مهم تبریک برای امین جمیل فرستاد .
بگین در این پیام برای امین آرزوی موفقیت کامل در انجام وظیفه تازه اش کرد .
حسین شاه اردن به مناسبت انتخاب امین جمیل به ریاست جمهوری لبنان

بقیه از صفحه ۱۱

به دفاع از آرمان آزادی قدس و پاسخ دادن به خواست های توده های خود هستند که در نتیجه میباید بطور جدی با اسرائیل یعنی جوهر امپریالیسم درگیر شوند که در نتیجه حاکمیتشان تهدید میشود . شق دوم این است که باید در مقابل آرمان فلسطین قرار گیرند و در مقابل تهاجمات اسرائیل سکوت نکنند که در اینصورت نیز از جانب توده های خود تهدید میشوند . بنابراین رژیمهای

و صهیونیسم اعمال این شیوه ها را مضر میدانند و نقش جناح عاقل و دوراندیش سرمایه داری را بازی میکنند . در حقیقت از این مرحله به بعد ریگان دیگر حرکات فاشیستی صهیونیسم را در جهت تحقق خط مشی خویش نه تنها مغید نمی بیند بلکه خطرناک نیز میدانند و ضمن سخنرانیها و مصاحبه های مخالفت خویش را آشکار میسازد .

شرایطی شده اند که این کشورها ایشان را ملزم به پذیرش آن میکنند و در یک کلام عملاً تنها مانده اند و از طرف دیگر توطئه های زیادی برای به سازش کشاندن آنها وجود دارد .

ح : یکی از این توطئه ها ، توطئه وجود دو قطب کاذب امپریالیسم و صهیونیسم (ریگان ، بگین) در منطقه است ، برای تشریح این دو قطب کاذب مثالی میزنیم :
دو جناح رژیم منحوس شاه

دو قطب کاذب یعنی این . یعنی اینکه ریگان به ظاهر "ضد صهیونیسم" ضد اسرائیل "ضد شکنجه و طرفدار صلح و آرامش معرفی شود و جناح رزمنده منطقه هم در تضاد با فاشیسم اسرائیل از ریگان تقاضای اعزام نیرو کند تا جلوی اسرائیل را بگیرد

عرب یا تکیه به جناحهای نفتی و ادعای این امر که این جناح با صهیونیسم در تضاد است ، هم سعی در فریب توده های خود و نمایش یک موضع ضد صهیونیستی دارند . و هم به این ترتیب از تهدید صهیونیسم مصون میمانند .

دو قطب کاذب یعنی این ، یعنی اینکه ریگان بظاهر "ضد صهیونیسم" ، ضد اسرائیل "ضد شکنجه و طرفدار صلح و آرامش معرفی شود . و جناحهای رزمنده منطقه هم در تضاد با فاشیسم اسرائیل از ریگان تقاضای اعزام نیرو کنند تا جلوی اسرائیل را بگیرد . دیدیم در این خیمه شب بازی ، جناحهای امپریالیسم خبری هم بیگار نبودند و طوری وانمود کردند که ریگان خط مشی برانداز نسبت به اسرائیل پیدا کرده ، تا بدینجا که ریگان مصاحبه مجددی نمود و گفت : از این مارکها به من نزنید من قصد براندازی اسرائیل را ندارم .

با توجه به این مطالب هدف از تشکیل کنفرانس فاس در حقیقت نتیجه گیری و تکمیل فحایع اسرائیل در لبنان بود . به این ترتیب که تمام کشورهای مرتجع و یاسا رفرمیست منطقه و حتی انقلابیون را حول یک راه حل سیاسی برای حل مسئله فلسطین گرد آورده و از این طریق از شکل گیری یک مبارزه قهر آمیز و جدی بر علیه موجودیت اسرائیل جلوگیری نمایند تا به این ترتیب بتوانند ثبات نفتی منطقه را حفظ نموده و به جریان چپاول نفت به سوی غرب لطمه ای وارد نشود .

پس از قتل عامهای وحشیانه در اردوگاههای "صبراو شاتیل" توسط اسرائیل ، ریگان در تداوم خط مشی نفتی ها ضمن یک مصاحبه رادیو تلویزیونی گفت : "اسرائیل دیگر نمیتواند به عنوان یک اردوگاه نظامی باقی بماند و این به سود خود اسرائیل هم نیست . " چرا که ریگان میدید خشم و تنفیری که از قتل عامهای اسرائیل در توده های منطقه ایجاد شده زمینه ساز قیامهای خونین آینده خواهد شد . که این مسئله سرمایه گذاری و ثبات برای چپاول نفت را مختل خواهد کرد . می بینیم که امپریالیستها به منافع دراز مدت خود توجه دارند و حال آنکه در طول سالها با کمک این خط مشی آمریکا ، بجای یک اسرائیل چند اسرائیل در منطقه ایجاد کرده و دیگر نیازی به اسرائیل به عنوان یک اردوگاه نظامی باقی نمی ماند ، بلکه منافع دراز مدت آمریکا حکم میکند که اسرائیل به عنوان یک قطب اقتصادی سیاسی درآید . و در منطقه حل بشود و جا بیفتد .

جالبه است که آمریکا علیرغم آنکه ظاهراً با اعمال شیوه های فاشیستی اسرائیل مخالفت کرده و دم از صلح و آرامش میزند . ولی وقتی سازمان ملل برای مجازات اسرائیل تصمیم به اخراج وی از این سازمان و محاصره اقتصادی وی میگردد ، آمریکا با این نظر مخالفت کرده و آن را وتو میکند . و همچنین نظر سازمان ملل را در مورد تعیین کمیسیونی از طرف این سازمان برای رسیدگی به جنایات صهیونیسم در لبنان را رد کرده و خواستار تشکیل کمیسیون از طرف دولت اسرائیل میشود . می بینیم که آمریکا از موضع تضاد بنیادی با اسرائیل نیست که با شیوه های فاشیستی ، وی مخالفت می کند بلکه برای حفظ منافع عمیقتر و دراز مدت تر امپریالیسم

ریگان این مخالفت را در پوشش ظاهری دفاع از صلح و محکوم نمودن اعمال فاشیستی قرار داد ، تا بتواند با جذب برخی نیروها مقاصد خویش را که همانا تضمین موجودیت اسرائیل و حفظ ثبات نفتی منطقه بود جامه عمل بپوشاند . او سعی داشت که با استفاده از تنفر و انزجاری که در افکار عمومی جهان نسبت به اعمال فاشیستی اسرائیل ایجاد شده بود خود را فرشته صلح معرفی نماید تا توده های منطقه از تضاد بین امپریالیسم و صهیونیسم ، به امپریالیسم که ظاهر صالح تری دارد پناه برده و انگیزه های مبارزاتی خود را از دست بدهند .

زیر خلق فلسطین آزمونی سخت و سرنوشت سبب ساز را می گذرانند :

در شرایط حساس فعلی ، خلق فلسطین و سازمان آزاد بیخس روزهای پرابهتلا و سرنوشت سازی را می گذرانند از یک طرف زیر فشار صهیونیستها قرار گرفته و لبنان را به عنوان یک امکان فعال برای شکل خویش از دست داده اند و با پخش شدن در کشورهای منطقه علاوه بر از دست دادن شکل خود ناچار به اطاعت از

تجلی این دو جناح امپریالیست ، در دوران رژیم فاسد پهلوی در زند انتهای رژیم مشاهده میشد . در بین بازجوهای ساواک دو جناح وجود داشت ، یک جناح ، جناح فاشیست که معتقد بود با ارباب و سرکوب ، شکنجه و فحش و ناسزا قادر به کسب اطلاعات از زندانی ها است ، و جناح دیگر از شیوه های مصالحت آمیز مثل تعارف کردن جای و بیسکویت استفاده میکرد تا اطلاعات لازم را بدست آورد . انقلابیون میدانستند که خط مشی هر دو جناح کسب اطلاعات است و نه دلسوزی و ترحم و اختلاف بنیادی بین دو جناح نیست . بودند کسانی که تصور میکردند جناح جای بیسکویت با جناح فاشیست تضاد بنیادی دارد و به همین دلیل اطلاعات خود را در اختیار این جناح میگذاردند حال آنکه هر دو جناح بهر حال در خدمت و رژیم وابسته بوده اند . (۱)

خلق فلسطین باید در این مرحله هشیار باشد که در زیر فشارهای فاشیستی اسرائیل به دام شیوه های ظاهراً صلح جوینانه امپریالیسم نیفتند و هراگاهی برای شیطان بزرگ نشوند :

خلق فلسطین باید بداند که اینها دو قطب کاذب هستند که هرگز امکان بهره بردن به خلق ها و نهضت آنها از تضاد های موجود بین خود نمی دهند ، راه حل تکیه به این تضاد های خارجی یک راه حل رفرمیستی و خواست امپریالیسم است

فلسطینی ها باید بدانند که این مقاومت و مردانگی ۷۷ روزه آنهاست که این تضاد را بین جناحهای امپریالیسم تشدید کرده است و آنچه اصالت دارد همین استقامت توده هاست و نه تضاد های غیر بنیادی در درون دشمن . بنابراین باید بیش از پیش در صد تکیه به خلقهای منطقه باشند بقیه از صفحه ۲۸

خط مشی "آزادی قدس" و خط "خرزنده فرهنگی"

و عاقبت طلب بطور خزننده تبلیغ می نماید که مبارزه با صهیونیسم ایجاد مختلفی دارد مثل بعد سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی طراحان این خط مشی می خواهند بطور خزننده این را فقط در بعد فرهنگی آن دنبال کنند . شهید هاشمی نژاد که در سخنرانی خود در مورد انجمن چند روز قبل از شهادتشان گفتند اینها دشمن اصلی را بهائیت گرفته اند . نه سلطنت و با بهائیت هم فقط در بعد فرهنگی مبارزه میکردند و نه در ابعاد سیاسی و اقتصادی و نظامی و گرن نخست وزیر با یکی از وزرای بهایی بود با آن کاری نداشتند چون حاکمیت بود باینها میدانند هویدا بهایی است ولی هیچ مبارزه ای علیه او نمی کردند و امروز در رست است که سلطنت و ازگون شده است حامیان صهیونیستی و امپریالیستی سلطنت که از بین نرفته اند . هشیار باشیم که خط خزننده و عاقبت طلب ، خط مشی آزادی قدس را مشمول خزندگی ننمایند و به رفرمیسم نکشاند .

و بایستی با مرحله بندی و اصال شیوه های صحیح آن را به ثمر رساند البته ممکن است حرکت دراز مدت باشد ولی نباید از قداست و اصالت آن کاست و به اشکال رفرمیستی آن تن داد . جهت تقریب به ذهن شیخ بهایی حدود ۴۰۰ سال قبل تلاشی کرد تا آب زرد کوه بختیاری را به زاینده رود وصل نماید . آب زرد کوه به کارون می ریخت و سپس به خلیج فارس و او می خواست این آب را به زاینده رود اصفهان وصل نماید تا در خدمت کشت و کار قرار گیرد مردم شروع به کندن کوه نمودند تا آنرا از این طریق به زاینده رود متصل کرده و به دهقانان برسانند . البته این پروژه متوقف شد ولی چون کار رستی بود ۴۰۰ سال بعد تونل کوهرنگ توسط حفر تونل زیرزمینی کوهرنگ آب زرد کوه به زاینده رود متصل شد که امروز مورد استفاده برنجکاران و دهقانان قرار گرفته است . آری خط مشی اگر صحیح باشد باید زمان بندی و مرحله بندی کرد و نه اینکه در سختی شرایط دست از آن برداشت . امروزها یک خط رفرمیستی

بنام خدا یکی از افتخارات انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی در این است که علاوه بر مواضع سیاسی ایدئولوژیک علیه صهیونیسم و اسرائیل ، خط مشی سیاسی نظامی "فتح قدس" از طریق کربلا را ارائه کرده است و در این ره شهیدای زیادی داریم . ارائه این خط مشی در شرایطی است که جهان و کشورهای منطقه در خط کمپ دیوید و طرح فهد و کنفرانس طائف و کنفرانس فاس و طرح ریگان قرار گرفته اند . این کشورها همه موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخته و یا خواهند شناخت . خط مشی فتح قدس واقعاً یک خط مشی "کربلایی" است و بیجهت نیست که امام در صحبت های اخیر خود از خط مشی امام حسین یاد میکند طرفداران آزادی قدس در برابر هواداران کمپ دیوید و عده های مومن و حق طلب ولی اندک می باشند که زیر فشار توطئه های مختلف قرار دارند . خط مشی آزادی قدس راهی است بسیار مقدس

والسلام

بقیه از صفحه ۲۰

زندگی مخفی اصل بقای و زنده ماندن را تحقق می‌دهد. او حتی در نامه‌های که به یکی از دوستانش می‌نویسد می‌گوید: "در تعیین خط مشی منافع شخصی ما را در نظر نگیرند... بلکه آن چیزی را در نظر بگیرند که ما بخاطر حفظ و رعایت آن... به این روز افتاده‌ایم. مصلحت مملکت و ملت را که می‌خواهد نهضت خود را نجات دهد... رعایت کنند".

دستگیری و شهادت فاطمی

دکتر سید حسین فاطمی روز - شنبه ششم اسفند ماه ۱۳۳۲ در آخرین محل اختفای خود واقع در میدان تجریش، کوی رضاییه پلاک ۲۱ بود. توسط سرگرد مولوی افسر فرمانداری نظامی دستگیر و به زندان لشکر و زورمن منتقل شد. زمانیکه سرگرد مولوی به اتفاق راننده خود با یک جیبیفرمانداری نظامی به خانه واقع در میدان تجریش رفت و در زد. شهید فاطمی که منتظر دکتر محسنی بود که برای تزریق داروی او برود در را باز کرد و در برابر خود یک لژیوم اسلحه بدست دید سرگرد مولوی به دکتر فاطمی گفت "حرکت نکن والا شلیک می‌کنم". دکتر فاطمی در پاسخ گفت من بیمار هستم و قدرت فرار هم ندارم. سرگرد مولوی زوق زده فریاد زد دکتر فاطمی هستی "راننده اشپورا متوجه کرد که اگر مردم بدانند ما بسیاری دستگیری دکتر فاطمی آمده‌ایم و این دکتر فاطمی است. شما او مرا تکه تکه می‌کنند هنگامیکه می‌خواستند دکتر فاطمی را از فرمانداری نظامی به زندان منتقل کنند جیبیفرمانداری نظامی را در آنجا پیاده کرد که مانند شیوه همیشگی اش عده‌ای از اجیر می‌کنند تا بنام مردم او را بکشند. آنها به دکتر فاطمی بی‌ورش بردند ولی خواهران شهید به سرعت خود را به روی برادر انداخت و فریاد زد "مردم حسین مرا کشتند" با آگاه شدن مردم نمایش رژیم بالا جبار تمام شد و پس از پخش ماجرای دکتر از رادیوهای دنیا شاه مجبور شد پزشکان مخصوص خود را برای نجات دکتر

بفرستد. روز دهم مهر ماه ۱۳۳۲ روزنامه‌های بدون مقدمه اعلام کردند هفته دیگر دکتر فاطمی در دادگاه فرمانداری نظامی محاکمه می‌شود یک هفته بعد محاکمه دکتر فاطمی و چند تن از یاران وی شروع شد و سپس از یک روز بعد اعتراض دکتر فاطمی به صلاحیت دادگاه محاکمه وی سری اعلام شد. در این محاکمه او به اعدام محکوم شد. ساعت چهار و هفت دقیقه سه‌شنبه ۱۱ آبان عده‌ای از افسران کادر پیشاپیش آنها آزموده و بختیار قرار داشتند به زندان رفتند و در آنجا عدم موافقت شاه را با درخواست فرجام او اعلام کردند. آزموده گفت وصیتی دارید بفرمائید شما که مکرر می‌گفتید "من از مرگ ابائی ندا رم و مرگ حق است" فاطمی نگذاشت حرفش تمام شود و گفت "آری آقای آزموده مرگ حق است و من از مرگ ابائی ندا رم از آنهم چنین مرگ پرافتخاری من می‌میرم که نسل جوان ایران از مرگ من درس عبرتی گرفته و با خون خود از وطنش دفاع کرده و نگذارد جاسوسان اجنبی برای کشور حکومت نمایند". من درهای سفارت انگلیس را بستم ظالم از آنکه تا

در بار هست انگلستان سفارت لازم ندارد. هنگامیکه فاطمی را برای اعدام می‌بردند آزموده از وی خواست اگر خواهش‌های دارد بگوید دکتر گفت خواهش‌های من دیدن خانواده و ملاقات با دکتر مصدق صحبت با افسران می‌باشد در این هنگام آزموده می‌گوید "هنوز هم دست از این مرد بر نمداری" و به او تنها اجازه می‌دهد که ۴ دقیقه برای افسران صحبت کند. سپس او را از زندان به محوطه زندان آوردند به او حتی اجازه ندادند با خانواده خود و دکتر مصدق وداع کند او پس از اعضاء و صیته‌هایش دکتر مصدق را وصی خود کرد به قاضی صکر گفت: "سعادت من در این است که مانند جد بزرگوارم که فرمود العوتو لا من رکوب العاری" من هم در برابر حق و حقیقت بدست بختیار عمر سعد و آزموده شمر، به امر شاه بیزید زمان شهید شوم. بعد قرآن را بوسید و به سجده افتاد و به سعادت شهادت نازل شد. در حالیکه ۴۰ درجه تب داشت، با شلیک گلوله بختیار به شهادت رسید و سپس تیر باران گردید. باید گفت پس از صدور حکم اعدام و قبضه از اجرای مراسم کوششهایی در خارج و داخل ایران جهت جلوگیری از اعدام انجام گرفت ولی صبح روز ۱۸ آبان ماه سفیر آمریکا در ایران به اتفاق کاردار سفارت انگلیس با شهید عبدالله هدایت رئیس وقت ستاد ارتش ملاقات کردند و شادمانه به سفارتخانه‌های خود باز گشتند و با رمز به وزارتخانه‌های آمریکا و انگلیس اطلاع دادند سر تپ آزموده و سر تپ بختیار را قانع کردند که اعدام فاطمی ضرورت دارد.

بدینسان انتقام قطع رابطه با انگلستان را از وزیر خارجه مصدق گرفتند. باید گفت علت تلاش آمریکا و انگلیس در از بین بردن فاطمی جوهره استقلال طلب و ضد امپریالیستی او بوده است که موجب ضربات سنگینی به آنان شده است.

فاطمی ضد امپریالیزم

مبارزه با اجنبی همیشه یکی از ویژگیهای مردم مستضعف و استقلال

و با اندک پول ناچیزی که بدولت جبار محمد رضامید هد ثروت خدای ملت را به یغما میبرد تازه آن مقدار ناچیز هم صرف عیاشی‌های دربار و خرید اسلحه برای ارتش کسه هدفش سرکوبی حرکت آزاد یخواهان بود بکار میرفت.

بسیج توده تنها راه مبارزه با امپریالیزم

دکتر فاطمی شیوه اصولی مبارزه با امپریالیزم را تنها در سایه بسیج و مقاومت ملت در برابر دشمن اصلی میدانست. او نه تنها شیوه پارلمنتاریسم را قبول نداشت بلکه معتقد بود که ملت باید با اتحاد و مقاومت دشمن را مجبور به تسلیم نماید.

او در مقاله بهروزی در سایه مقاومت در اسفند ماه ۱۳۳۱ می‌نویسد: "بخوبی میدانم که تنها با انتخاب روش مقاومت اتحاد آمیز، حریف چند قدم ناچار جلو خواهد گذاشت و به عقاید مشروع و قانونی ملت ما تسلیم خواهد گشت. و همچنین می‌گوید: "... با وحدت کلمه می‌توانند مبارزه را ادامه دهند و بحریف مجال استفاده از اوضاعی که بر اثر اختلاف بهش می‌دهند ندهند. و مذاکره را نیز به اعتبار مقاومت توده‌های بسیج شده‌ای که از او حمایت می‌کنند قبول

شهید فاطمی

"من همیشه گفته‌ام که حق این بود که پیش از بستن سفارت، کنسولگریها در شهرستانها و سفارت فقیه در تهران آن مرکز ننگ و رسوایی که انگلستان را خالق خود میداند و ساخته و پرداخته "آیرن ساید" کنل انگلیسی و "هاوارد" معروف است کربیده شود و دیب این خانه بحری اراده اجنبی‌ها را گل بگیرند."

طلب ما بوده است که این ویژگی در شهید فاطمی او را به مبارزه سیستماتیک با استعمار میکشاند. او در اکثر مقالات خود که در روزنامه‌های باختر و باختر امروز نوشته به دخالت اجنبی در سرنوشت ملت ایران اشاره کرده است. او نه تنها مبارزه با اجنبی را مقاومت در مقابل تجاوز دشمن میدانست بلکه معتقد بود که باید با تجاوز دشمن در تمامی ابعادش مبارزه کرد. دکتر فاطمی همیشه رضاخان را بخاطر قرارداد نفست سال ۱۹۳۳ که شصت سال آنرا تعدید کرده بود و سرسپردگیش به کمپانیهای نفتی محکوم میکرد. زیرا او خوبی جوهر وابستگی ایران به انگلیس را که قرارداد های نفتی بود درک کرده بود و همین دلیل اصلی ملت مستضعف و عدل طلب ما بود به دکتر مصدق می‌دهد. دکتر فاطمی بخوبی دریافته بود که نفست کالاشی است سیاسی که باید در اختیار مردم مستضعف قرار گیرد اما اجنبی حق مسلم ملت را غصب نموده

سیاست موازنه منفی

سیاستی که شهید فاطمی بعنوان خط مشی روابط خارجی کشور اتخاذ میکند سیاست عدم تمهید یعنی عدم وابستگی به ابرقدرتهای شرق و غرب است (موازنه منفی). در این مورد در سرمقاله باختر امروز تحت

جبهه مستضعفین، علیه مستکبرین، صدور انقلاب است

عنوان دولت ایران باید داشت شوروی را به فشار سیاسی تعبیر میکنند؛ چنین آورده است: ملت ما برای حفظ استقلال و حاکمیت خود با هر دولتی که بخواهد در امور ایران مداخله نماید نمیتواند سر سازش داشته باشد و با هر نوع استعماری بهر رنگ و عنان و نامی خواه سیاه و خواه سرخ مبارزه میکند و در این راه جز گناه ساختن ایستادی اجنبی از امور داخلی ایران هیچ غرض و قصدی ندارد ما تصمیم گرفته ایم در خانه و کشور خودمان آزاد و از هر تعدی و تجاوز خود خالت بیگانه اصین و راحت باشیم و برای ایرانی هر خارجی، خارجی است، فرقی بین استعمار روس و انگلیسی و آمریکایی نمیکند. این سیاست موازنه منفی امروز تحت عنوان شعار نه شرقی، نه غربی یکی از اصول اساسی انقلاب اسلامی بشمار میرود.

فاطمی همچنین با ملی شدن نفت جنوب که حزب توده آنرا به نفع شوروی و برای گرفتن امتیاز نفت شمال از ایران سر داده بود شدیداً مخالفت میکرد.

دکتر فاطمی از آنجائیکه پیرو سیاست موازنه منفی و استقلال همه جانبه کشورش بود این خطر را گسترش داده و برای اولین بار در کنفرانسی از سفرای ایرانی و کشورهای عربی در بغداد تشکیل میشود سیاست غیر تعهد (عدم وابستگی به شرق و غرب) را مطرح میکنند. او همچنین مخالفت و عدم اعتماد و اعتقاد دولت ایران را به دموکراسی عوامفریبانه غرب که نام بی سمای دنیای آزاد را بر خود گذاشته بود اعلام مینماید.

بستن جاسوسخانه انگلیس

دیگر از کارهای بنیادی فاطمی که ناشی از جوهره اصیل استقلال طلب او بود بستن جاسوسخانه انگلیس میباشد. فاطمی در سخنرانی ۴ دقیقه ای خود قبل از اجرای حکم اعدام به افسران میگوید: من میدانم چرا کشته میشوم... من برای آن کشته میشوم که اولین اقدام من در وزارت خارجه به دستور دکتر مصدق قطع رابطه با انگلستان بستن سفارتخانه آن دولت بود. مواضع فاطمی به قدری سردمداران انگلیس را به خشم آورده بود که "سردنیس" را به کاردار سفارت انگلیس خاطراتش نوشته است: که اعدام فاطمی وزیر امور خارجه مصدق در حقیقت به او آرامش داده است زیرا دیگر کسی جرات نخواهد کرد چنین پنجه به چهره سیاست انگلستان بزند. "زهی خیال باطل! چرا که بلافاصله شاهد اوجگیری نهضت های ضد امپریالیستی و ضد استعماری مردم مستضعف منطقه مانند حرکت توده های عراق، یمن جنوبی، مصر و... میباشیم

فاطمی ضد سلطنت

فاطمی مبارزات خود را علیه سلطنت و دربار همان اوان با نوشتن مقالاتی در باختر و باختر امروز و روزنامه های دیگر تهران شروع کرد و چندین بار اسیر زندانهای رژیم وابسته شاه گردید. اولین بار پس از شهریور ۱۳۲۰ دکتر فاطمی را به دستور انگلیس در اصفهان زندانی کردند و چندی در زندان بود. بار دوم "رزم آرا" او را بازداشت نمود. بار سوم "گارد شاهنشاهی" در کاخ سعدآباد و بار چهارم در خمیان فرمانداری نظامی او را دستگیر و به اعدام محکوم میکنند. شهید فاطمی تضاد اصلی اثر سلطنت و حامی آن انگلیس میداند. بر این رابطه درک او از مصدق عینی تر و انقلابی تر است و میگوید: "آقای مصدق چقدر باید صبورتحمل کرد تا کی باید شاهد فجایع و رسواییهای پنهانی و آشکار دربار بود." و در مورد دربار میگوید: "من همیشه گفته ام که حق این بود که پیش از بستن سفارت کنسولگریها در شهرستانها و سفارت فخریه در تهران آن مرکز فنگ و رسوائی که انگلستان را خالق خود میداند و ساخته و پرداخته آورید "کنلد انگلیسی" و "هاوارد" معروف است کوبیده شود و در باین خانه مجری اراده اجنبی ها را گل بگیند."

شهید فاطمی بدلیل درک عمیق اثر از ماهیت وابسته و فاسد سلطنت تضاد بین خلق و سلطنت را تضادی قهرآمیز میدانست و پس از کودتای نافرجام ۲۵ مرداد خواستار محاکمه و اعدام انقلابی شاه میگردد. او به شاه فراری میگوید "ایران تشنه انتقام است و میخواهد تو را که به هیچ چیز اوابقا نکرده، در روی میز شهنشاه دادگاه و آنگاه بر چوبه دار ببیند." در مورد شکست خوف رژیم در اذهان و تشریح ماهیت وابسته در بار بیان میدارد: "سیستم ظاهر فریب را آنطور به اعصاب میرسانیدند که اگر دست به ترکیب این هیولای شهوت بخورد تمام تار و پود ما از هم گسیخته میشود. خوب شد که تفضل و عنایت خدای ایران و حوصله به حساب و صبر و بردباری و مقاومت دکتر مصدق بالاخره این پرده پندار را پاره کرد و مردم دوست و دشمن فهمیدند که این آقا زاده خلف الصدق همان پدریست که بهیست سال ایران را غارت کرد نصف مملکت را بصورت املاک اختصاصی در آورد و مرض زمین خواری او شهره دنیا شد و عایدات سالها او سر به دهها میلیون گذاشت سرانجام روزیکه قرار شد از منافع کشور دفاع کند مردم بی پناه را به تانک و توپ و بمباران و دشمن قوی بلاتکلیف سپرد و خود با کامیونهای جواهرات فرار کرد."

تضاد فاطمی با دربار بدلیل

وابستگی و فساد آن بود. اما جریاناتی هم بودند که از موضع مطلق اندیشی، میخواستند احکام اسلام را یکباره بهاده نمایند به همین دلیل با دولت مصدق که مسئله کشف حجاب و مشروب فروشی و... را حل نکرده بود در افتادند و آنرا عامل فساد دانستند.

فاطمی ضد صهیونیسم

درک عمیق فاطمی از مفهوم استقلال او را به مبارزهای پیگیر و جهانی با استعمارگران و تجاوززین به حقوق ملتها و میدارد و به همین دلیل دستوری به نمایندگی ایران در سازمان ملل مینماید بر پشتیبانی بی تردید از ملت هایی که برای استقلال در نبردند میدهد. او با بستن خبرگزاری اسرائیل در ایران حمایت عملی خود را از ملت مستضعف فلسطین اعلام نموده و با تجاوز اسرائیل مبارزه میکند. و از به رسمیت شناختن دولت اسرائیل توسط ایران جلوگیری مینماید.

فاطمی و مکتب

ملی کردن نفت و وقایع سالهای ۲۰ یکی از نقاط عطف تاریخ ملت ما میباشد و راجع بآن صحبت های بسیار زیادی شده است. مساله ای که مورد بحث ما میباشد این است که با چه شیوه نگرشی میتوان اصولاً نفت را ملی کرد؟ و با بطور کلی فاطمی چه دیدگاهی داشته که بهیستاز پیشنهاد ملی شدن نفت میشود؟ اصولاً نفت ملی را بعنوان اصلترین نیاز مردم دانسته و آنرا جوهر وابستگی در آن زمان میدانند؟ و با دست گذاشتن روی آن مردم را بسیج نموده و تا مدت ها انگلستان را بزبان در آورد؟ همچنین حاضر نشد نفت شمال را به شوروی دهد؟ البته مساله فوق نیاز به بحث مفصل و جداگانه ای دارد که در کتاب دانشگاه مدرسان سری انتشارات نهضت مجاهدین خلق بحث مفصلی روی آن شده است (که در این مقاله مجال پرداختن به آن نیست و تنها اشاره میکنیم که با دیدگاه اسلام راهنمای عمل و حرکت جوهریه است که میتوان پس به عمق مساله نفت و... برد و تنها ضامن استقلال واقعی و همه جانبه کشور، اسلام میباشد. در مورد دکتر فاطمی باید گفت چنانچه از سیر مواضع اش بر میآید تنها در سایه مکتب اسلام و ارزشهای فطری و وجودی آنست که میتوان چنین عملکردهائی داشته باشد. و اصولاً ملاک مسلمان بودن پایبندی به ارزشهای اسلام میباشد و بقول علی (ع) در نهج البلاغه ملاک ایمان صبورتیقین و عدل و جهاد میباشد (حکمت ۳۰) چنانچه مبینیم در مصراعات خائن با

آنکه ادعای مسلمان بودن میکند اما خون مسلمانان را میریزد و شرپیمنداری عملا بعد از انقلاب در تمامی جریانات ضد انقلاب شرکت داشته است اگر چه ادعای مسلمانان بسیار مینماید. بار در لبنان بسیاری از گروهها که ادعای اسلامی بودن داشتند در مقابل حملات اسرائیل پرچم سفید نشان دادند. ولی مسلمانان طرفدار عبدالناصر (مراپتون) با آنکه ظاهراً ادعای مکتبی بودن نینمایند در لبنان ایستاده و مقاومت کردند فلسطینیها نیز سلاحهای خود را هنگام خروج بدانان برای تداوم مبارزه دادند و دیدیم که چگونه اسرائیل غاصب خواستار خروج آنها نیز از لبنان گردید.

حاصل برای نشان دادن این مساله که تا چه حد ارزشهای مکتبی در فاطمی ذاتی شده بود بهاره ای از عملکردهای وی در طول مبارزاتش اشاره مینمائیم:

- ۱- دید اخروی - عشق و ایمان شهید فاطمی به مبارزه دراز مدت و حرکت مستمر توده ها چنان انگیزهای در او بوجود میآورد که برای بقای مبارزه و تداوم آن شروع به فعالیت مینماید. ابتدا برای تعمیق نهضت زندگی شخصی اختیار نموده و سپس شروع به نوشتن وقایع تاریخی آن زمان میکند. وی در نامه ای که به یکی از شخصیت های آن زمان مینویسد میگوید: "بهر حال در دادگاه ما میتوانیم بر فرض که هیچکس هم نفی و صدای ما را خفه کنند در تاریخ و در پرورنده باقی خواهد ماند. و فردای روشن ممکن است مورد استفاده نسل های آینده و همین نسل قرار بگیرد." شهید فاطمی در قسمتی از خاطرات خود مینویسد: "من با اینکه مصمم بودم از اولین روز به تفضیل ماجرای این حادثه را که در سرنوشت مبارزات ملت ایران تاثیر فوق العاده ای خواهد گذاشت بنویسم، جز یاد داشت های مختصری از همان روز واقعه را هنوز موفق نشده ام به تمرکز قلم بردارم و قضیه را بنویسم اینک ببین خود اندیشیدم که عکس استاتاقی روی دهد و این فرصتی که موجود است هدر برود و قسمتی از حقایق که نه تنها جنبه امروزی بلکه نسل های آینده نیز بدان کمال علاقه و وابستگی را دارند، برای همیشه مستور بماند."

- ۲- سیاست نه شرقی، نه غربی همانطور که مدرس در مقابل قرارداد ۱۹۱۹ مقاومت نمود و تزنه روسیه، انگلیس، نه بنگه دنیا را مطرح نمود. فاطمی نیز با الهام از او ابتدا بهیستاز ملی کردن نفت بود و سپس در جاسوسخانه انگلیس را بست و در مقابل دخالت های شوروی و امتیاز نفت شمال مقاومت نمود.
- سیاست موازنه منفی و عدم بقیه در صفحه ۲۴

مراحل جنگ اسلام و کفر...

در جنگ و مبارزه شیهه های ساده در مقابل با تجاوز ارتش صدام که در ریختن ترس مردم از سلاحهای سنگین و ارتش کلاسیک مؤثر بود.

بسی وجود رزمندگان مومن؛ وجود رزمندگان با ارزشی چون محسن چریک، اصغر و صالی، علی قربانی، مجید حسینی و... در غروب همینطور رزمندگانی چون حسین علم الهدی، غیور اصلی، دروسونگر، علی نظرقایی در حمیدیه و افراد سپاه خونین شهر و... که موجب ارتقا شیهه های مقاومت گردید.

بهترین شیهه این رزمندگان جنگ با آرپجی هفتاد کاشتن مین و زدن شیخونهای مستمر علیه دشمن بود. اصالت این شیوهها در توقف پیشروی دشمن در غرب و جنوب کاملاً مشهود بود.

ناربا لیبای این مرحله :

طی این مرحله از نیروی بسیج شده مردم به اندازه کافی در مقاومت هرچه بیشتر و گسترده تر استفاده نشد. اخبار تجاوز ارتش صدام و پیشروی آن بطور واقعی به مردم انتقال داده نشد. رادیو و تلویزیون، رسانه های گروهی و روزنامه ها خبر سقوط چند شهر از جمله قصر شیرین، سرپل ذهاب و خونین شهر را تا مدت ها بعد پخش نکرد و همین امر از عوامل مهم بود که از حضور فعال مردم بسوی جبهه ها میکاست، طبیعت عدم پخش واقعی اخبار را باید در این دید که عده ای از مسئولین و ارگانها فکر میکردند که خبر سقوط شهرها موجب تضعیف روحیه مردم خواهد شد.

در حالیکه انقلاب اسلامی با نشان داده است که مردم با شنیدن هر حمله ای به انقلاب پشت بسیج شده و از دین و ناموس و انقلاب خود دفاع میکنند. زنان ما الگویشان حضرت زینب (ع) است که با دیدن شهدا بردرجه ایانشان افزوده میشود (زینب در آرزو خیمه بین نعمش اکبر آمد) اصولاً در عده های این اندیشه شفا، رسوخ کرده در حالیکه این خبرها دهن به دهن منتقل میگردند و راد یوهای خارجی هم میگویند و فقط ضرورش اینجاست که توده های خودمان برای رفع مصیبت بسیج نمیگردند و اعتمادشان هم به ارگانها و مسئولین ضعیف میشود یک تجدید نظر بنیادی در اینکار لازم است. همانطور که امام خمینی بااستشان خطاب به مسئولین، سخنی بدین مضمون فرمودند که:

اخبار را به مردم درست بگوئید، مخصوص اخبار جنگ را. از نارسائیهای دیگر این مرحله کوتاهی در امر سازماندهی نیروهای بسیج شده به سمت جبهه ها بود که این امر در غرب بیشتر به چشم میخورد و غرب تا چندی پیش، همواره در طول جنگ از کمبود نیرو شکایت داشت.

شروع مرحله جنگ و گریز:

پس از مقاومت مردمی و جلوگیری از پیشرویهای کفار بعثی و تثبیت مواضع رزمندگان اسلام مرحله جنگ و گریز آغاز شد.

در منطقه غرب بخاطر ویژگیهای خاص آن عملیات جنگی گریز و شیبخون وسعت زیادی داشت که شهای از آنها چنین است. شهید محسن چریک (سعید گلابخش) در کوههای دانه خشک شیبخونهای زیادی به دشمن میزند و این کار او باعث می شود دشمن نتواند به سمت پادگان ابوذر پیشروی کند و رعب و وحشت زیادی در دل دشمن کفر پیشه بوجود آورده بود شهید محسن چریک معتقد بود که پادشاه باید با تانکهای و طرحهای ضربتی مقابله کرد و قبل از اینکه آنها بخواهند تصمیم بگیرند غافلگیرشان کرد و بدین وسیله از اتلاف مهمات و فرسوده شدن نیروها جلوگیری کرد.

شهید اصغر و صالی نیز در جنگ و گریزهای بیابانی شبها به تانکها و خودروها و مخازن سوختی دشمن حمله کرده و آنها را منهدم میکرد.

شهید مجید حسینی علی و بارانش نیز در نفت شهرها نفوذ به خطوط پشت جبهه دشمن و مین گذاری جاده های تدارکاتی دشمن و نا امن کردن مناطق اشغالی خنثی کردن مینها حمله به دیده بان بعثی، و... در ضربه های زیادی به دشمن کافر وارد می آوردند.

در این مرحله برادران رزمنده سپاه و بسیج و... ضمن عملیات برادران دیده بان ارتش را نیز به همراه خود می بردند و همین امر موجب فعال شدن توپخانه و خمپاره های ارتش گردید.

در جنوب نیز مقاومت و عملیات جنگ و گریز توسط ۲۰۰ نفر از برادران پاسدار خرم آباد در حمیدیه بود که موجب شد دشمن ۵۰ کیلومتر عقب نشینی کرده و تانکهای زیادی از خود بجا بگذارد که در این عملیات خلبانان هوای نیز فعال بودند. در این مرحله از دیگر رزمندگان شهید سرهنگ آشوری بود که تهورات زیادی از خود نشان داد. در جنگ و گریزهای جنوب گروههای ۲۰ تا ۳۰ نفره شیبخون زده و هر بار ۲۰ تا ۲۰ تانک عراقی را شکار میکردند و عملیات انفجار سد از جمله عملیات شیبخونی بوده که به ثبات دشمن ضربه زد.

این جنگ و گریزها در سرتاسر

جبهه های جنوب، در خونین شهر، سوسنگرد، آلبوقریه (جنوب سوسنگرد) نمیده و اهواز صورت میگرفت.

جمع بندی مرحله جنگ و گریز و ارتقا آن به مرحله دوم جنگهای چریکی (تک محدود):

تغییرات تدریجی برای تک رزمندگان اسلام در مرحله اول ضمن مقاومت دشمن را مجبور به عقب نشینی و استقرار کردند و سپس با شیبخونها و جنگ و گریزهای مستمر دشمن را به عجز در آوردند.

در این مرحله رزمندگان اسلام گریه به دشمن ضربه وارد میازند ولی بطور طبیعی توان آزاد سازی مناطق اشغالی را ندارند اما در درگیریهای مستمر ضمن کسب توان بیشتر به شناسائی از منطقه و دشمن و با بدست آوردن غنائم جنگی، بتدریج به جمع بندی درگیریهای محدود با دشمن یعنی باز پس گرفتن قسمتی از مناطق

اشغالی میروند. ویژگیهای این مرحله:

- ۱- طی انجام عملیات جنگ و گریز، بعنوان عمل صالح زمان و جوشهادت و ایثار، انسانهای رزمنده های پرورش یافتند (کادرسازی) که از نظر نظامی نیز صلاحیت انجام تک های محدود را کسب مینمودند و به مرور نظمه شکل نیروهای تک زن ریخته شد.
- ۲- یکی از ویژگیهای این مرحله را بحق باستی کادرسازی دانست بطوریکه در بیشتر جبهه ها مقاومت و جنگ و گریزهایی که صورت میگرفت موجب پرورش افراد با صلاحیت می گردید که بعدها توانستند در تک های محدود و حتی گسترده پیروزیهای چشمگیری را نصیب امت اسلام کنند، نقش این کادرها در تک های محدود بخوبی مشخص است.
- ۳- ویژگی دیگر این مرحله از عملیات این بود که ضمن ضربه زدن به

دشمن شناسایی لازم از وضعیت منطقه و دشمن نیز بدست می آید که این صحیح ترین شیوه شناسایی است چون در عمل صالح و بطور متعربا تغییرات و تحولات نیروهای دشمن از هر نظر برخوردار می کنند و با این شیوه رزمندگان کمتر دچار ذهنیت میشوند.

۳- از ویژگیهای بسیار مهم این مرحله رابطه سپاه و سایر نیروهای مردمی با ارتش بود. در این مرحله نیروهای ارتش به همراه برادران سپاه و بسیج در عملیات شرکت میکردند ولی ارتش بطور عمده نقش فعالی نداشت. دیده بان جوان ارتش نیز به همراه سایر برادران حتی تا پشت مواضع دشمن میرفتند و دیده بان توپخانه و خمپاره اندازها را بعهده داشتند.

۴- شیبخونهای شبانه و غافلگیرانه در روحیه دشمن ترس و رعب بوجود می آورد و این زمینه را برای شکست هر چه بیشتر دشمن فراهم میساخت.

ادبیات انقلاب و مکتب

عرفان در سخن جناب اسد م و کفر

دعا را میخوانند ، اندک اندک جملات آن به از هانشان مانوس شده و معانی آن را هم دریافته اند . حال می بینیم بخشی از دعای کمیل وارد تابلوی راهنمای آمبولانس در جاده های پیچ در پیچ جبهه ها شده است و راننده آمبولانس تلاشگری که با مایه گذاشتن از جان و مال خود برای نجات مجروح حرکت میکند با این دعا برخورد میکند

اندک اندک به این فکر میافتد که رابطه کوشش و فعالیت من برای نجات مجروحان ؟ و شفا دهندگی و دوا بودن اسم خدا چیست چگونه در عین حال که من تمامی تلاش خود را برای نجات مجروحان می نمایم ، خدا شفا دهنده است و ذکر خدا چگونه مصیبت را آرام می بخشد . جواب صحیح به این سوالات درک صحیح رابطه خدا و پدیده ها می باشد که اساس درک و فهم همه مسائل است .

این رزمنده پس از غور در این نیایش علی (ع) به این نتیجه میرسد که عضو روانی است که نهضت حسینی است و رهبرش خمینی است و از یاد آشنای آنها لله " حرکتش را آغاز کرده و به یاد آشنای الهی راجعون می پیوندد . رابطه خود را با خدایش اینطور حس می کند که مامل خدائیم و از خودمان استقلالی نداریم . بسوی او برمی گردیم دستهای ماها سرها و چشمهای ما امانت خداست و باید در راه خدا بدیم . اینجا است که درد ورنج جراحت را اصلاً نمی فهمیم و شغای خدا همین است .

جنگ پیرکت علیه متجاوزان کمپ دیویدی باعث شده است که دعاخوانی از حالت قعود و اتاق های گرم و نرم خارج و به میدانها رزم بیاید و راهنمای عمل رزمندگان و جان برکفان شود .

والسلام

برکتی از عملیات پیروزمندانه مسلم این عقیل: آمبولانس با سرعت از جاده های خاکی نظامی که بتازگی در منطقه کوهستانی و بین تپه ها کشید شده بود می گذشت

جاده خلوت بود ، صدای انفجار توپهای دشمن و صدای شلیک توپخانه های خودمان که در جواب آنها شلیک میکردند سکوت شب را می شکست و اندکی هم هوا را روشن میکرد .

جاده نظامی دست انداز زیاد داشت و پسران مجروحی که از خط مقدم جبهه بطرف بیمارستان صحرایی انتقال می یافت مرتباً " بالا و پایین می پرید ، معلوم بود که خیلی زجر میکشید ولی اصلاً صدا پیش در نمیآمد ، هر وقت از او می پرسیدیم که حالت چطور است فقط می گفت : الحمد لله

آمبولانس سر چهارراهی رسید که پیدا کردن راه سمت بیمارستان صحرایی مشکل بود . سر چهارراه تابلو کوچکی زده بودند که با فلش جهت حرکت به سمت بیمارستان صحرایی را نشان میداد روی تابلو نوشته شده بود : با من اسمه دوا و ذکره شفا - بطرف امداد پزشکی . . .

با من اسمه دوا و ذکره شفا در این تابلو سوز چگونگی رشد انسانها در این انقلاب خبر می دهد چرا که علی (ع) دعای کمیل را خوانده است و او ابالشهدا و ابالعرفا بوده است ، علی (ع) هیچگاه شهادت و عرفان را از هم جدا نمیکرده است .

دیدم که دعای کمیل که سابقاً فقط در محیط های گرم و بی دغدغه شهری خوانده می شد ، ابتدا وارد شهرهای منطقه جنگی و بعد وارد سنگرهای دسته جمعی در خط مقدم شد . بچه های جبهه ابتدا این

خط سرخ انقلاب

از کربلا به قدس است

مراحل جنگ

بقیه از صفحه ۳۳

هدست آوردن غنایم جنگی و مهیات از دشمن و بکارگیری علیه خود او.

ضعفها و نارساییهای این مرحله :

۱- ضعف سازماندهی توده‌های مقاوم و بسیج شده مردم که در مرحله مقاومت وجود داشت در سیر خود به جای رسیدن به حرکتی جهشی و شبیخونی تا حدودی جنا از مردم در جبهه‌ها صورت می‌گرفت بدین معنی که فقط عده‌ای خاص از رزمندگان می‌توانستند این عملیات را انجام دهند و توده‌های جبهه‌ها شرکت فعال در این عملیات نداشتند و اینها بیشتر در حفظ سنگرهای خط مقدم جبهه و تدارکات شرکت فعال داشتند . همین امر خود جبهه‌ها را کمبود کادر با صلاحیت مواجه میساخت و با شهادت کادرهای با ارزش این کمبود بیشتر میشد و بالطبع از بسیج توده‌های جبهه برو در شهرها و پشت جبهه‌ها نیز میکاست .

۲- در این مرحله توطئه‌های زیادی برای جلوگیری از بسیج مردم بمسوی جبهه وجود داشت منجمله توطئه‌هایی که از طرف بنی صدر و یا از طریق درگیریهایی خیابانی در شهرها صورت میگرفت .

شروع عملیات تک‌های محدود مرحله دوم جنگهای چریکی :

بعد از مرحله جنگ و گریز در سیر آن تغییراتی در جبهه‌ها به وجود آمده رزمندگان اسلام به این جمع بندی می‌رسند که تنها ضربه زدن به دشمن کافی نیست و نیاز انقلاب و بسیج مردم مرحله متعالیتری را میطلبد . یعنی اینکه ما بتوانیم قسمتی از مناطق اشغال را از متجاوزین باز پس بگیریم . زمینه‌های تحقق این امر نیز تا حدود زیادی فراهم شده بود چون در طول جنگ هم کادرهای با صلاحیت پرورش یافته بودند هم شناسایی داشتیم و هم غنایم و مهیاتی از قبیل آرمی جی هفت و مین و ... بدست آورده بودیم . بدنبال آن بکمر تکیایی در غرب و جنوب صورت گرفت و به مرور این حمله‌ها رشد یوارتقا بیشتری پیدا کرد بهترین تکیای این مرحله در غرب مهارتند از تک افشار آباد ، تک اول حاجیان ، تک اول چغالوند و ... در جنوب نیز عملیات محدود زوالفقاریه (تپه‌های شهید رضا مؤذنی) در آبادان ، مهدی (عج) در سوسنگرد ، فرمانده کل قوا در دارخوین ، شهید رجایی و باهنر در کرخه نور و سردار چمران در کرخه نور و ... رامس توان نام برد .

از ویژگیهای بارزی که در تک محدود مشاهده میشود خود کفایی جبهه‌ها در انجام این تک‌هاست بطوریکه بر اثر کادر سازی مرحله جنگ و گریز جبهه‌ها از نیروی سازمانده و تک‌زن برخوردار شد و هر جبهه‌ای بطور مستقیم و خودجوش مراحل مختلف انجام تک را عملی ساخت .

جمع بندی مرحله تک محدود :

- ۱- بهترین جمع بندی در این مرحله را باید پیدا شدن رابطه اصولی بین ارتش و سپاه دانست این موضوع در تک دوم چغالوند و تک مهدی (عج) به خوبی مشهود است در این مرحله انجام و هماهنگی نیروهای سپاه با ارتش و سایر نیروها بیشتر شد
- ۲- در این مرحله هماهنگی زیادی بین جهاد سازندگی و نیروهای رزمنده بوجود آمد و کار بولد و زرها برای زدن خاکریز (بخصوص در جنوب) چشمگیر بود و نیروهای مارا در دفاع از مواضع خود پس از استقرار در زمینهای آزاد شده یاری میدادند .
- ۳- در این مرحله بسیج کمی نیروها بسط جبهه‌ها بیشتر شد و بر اثر پیروزیهای جبهه‌ها مردم به طرف جبهه‌ها بسیج شدند .
- ۴- این موضوع در بین بچه‌های جبهه تثبیت شد که ارتش بهت ضربه پذیری زیادی دارد و دیگر سلاحهای ارتش عراق وسیله‌ای برای ترس رزمندگان نبود .
- ۵- مرحله تک محدود دارای تمام ویژگیها و خصوصیات جنگ و گریز نیز هست یعنی در این مرحله نیز شناسایی ، کندن کانال ، شبیخون زدن ، مین گذاری جاده‌های تدارکاتی دشمن و ... وجود دارد و این مرحله در برگیرنده شیوه‌ها و جمع بندی دو مرحله گذشته نیز میباشد .

ضعفها و نارساییهای این مرحله :

- ۱- در این مرحله کادر سازی به شکلی که در مرحله جنگ و گریز بود وجود نداشت . در نتیجه بسیاری از نطفه‌های خود کفایی که در مرحله جنگ و گریز ساخته شده بودند در این مرحله بر اثر فشار زیاد از هم پاشید . چرا که فشار عده کارها و مسئولیت تک‌ها بر روی دوش این کادرهای ساخته شده از مرحله جنگ و گریز بود از آنجا که در اکثر تکیا فرماندهی عملیات به عهده این برادران بود با همه شهادت رسیدن آنها کمبود کادر برای فرماندهی جبهه‌ها و تک‌ها در این مرحله از جنگ بخوبی نمایان بود .
- ۲- یکی از ضعفها بزرگ این مرحله تدارک و حمله بزرگ هوپزه بود . این حمله در اواسط دیماه در کرخه نور و هوپزه صورت گرفت

که بدون توجه به رشد و هماهنگی رزمندگان طرحریزی شده بود . این حمله مرحله سوزی در جنگ بوده بدین صورت که ، در حالیکه انجام سپاه و ارتش بدان حسد نرسیده بود و ما هنوز توان لازم و کافی برای آزاد سازی قسمتهای زیادی از سرزمینهای اشغالیمان را نداشتیم ، صورت گرفت و موجب شهادت بهترین فرزندان امت مسلمان از جمله ۱۵۰ تن از بهترین رزمندگان سپاه و بسیج در هوپزه گردید که شهادت این رزمندگان جسور و مقاوم ضربه‌ای به نیروهای حق بود .

مرحله سوم جنگ چریکی مرحله تک‌های گسترده :

در مرحله تک‌های محدود زمانی جبهه‌ها به این جمع بندی رسیدند که با توجه به انجام نیروهای رزمنده جبهه‌ها و بسیج مردم و ضعف‌ها و ضربه‌هایی که ارتش بهت از نیروهای اسلام خورده است توان بیشتری کسب کرده و قادرند سرزمینهای زیاد تری را آزاد کنند و به این ترتیب به مرحله تک‌های گسترده رسیدند .

۱- استقلال جبهه‌ها ، در تک گسترده ، هر جبهه‌ای در عین اینکه جبهه‌های دیگر هماهنگی عمل میکند باید استقلالش حفظ شود . این باعث رشد خود جوش و خود کفایی جبهه‌ها میشود . هم مسائل حمله و هم تحمل پات کپا را بر احتی از این طریق میتوان حل کرد .

۲- هر جبهه‌ای مراحل جنگ (جنگ و گریز ، تک محدود) را طی کرده باشد و یا حداقل مراحل رشد جنگ در آن جبهه آموزش داده شود

۳- احتی المقدور از نیروهای خود جبهه در حمله استفاده شود

نیروهایی که از قبل در آن جبهه بوده‌اند و مراحل آمادگی برای حمله در آن جبهه را گذرانده‌اند ، از تمام شیوه‌های جنگ چریکی که قبلا مراحل آن گذشته است سعی کنیم در خدمت تک گسترده استفاده کنیم . مثلا اگر جنگ و گریز مرحله‌اش گذشته در یک تک گسترده بهیچتی از شیوه‌های جنگ و گریز استفاده کرد - بدین ترتیب که مثلا تارک‌هایی را میخواهند پاتک بزنند با کمین زدن از زمین بهریم یا جاده‌های دشمن را در خدمت تک گسترده نا امن کنیم .

۴- ضامن تحقق این محورها اشتوار حرکت در جبهه‌هاست . (متروح توضیح این محورها در مقاله جداگانه در راه مجاهد شماره ۵ چاپ شده ، به آن مقاله مراجعه نمایید .

مرحله تک‌های گسترده عدا با عملیات تامین الاثمه در شرق کارون آغاز شد که به شکستن محاصره آبادان و پاکسازی مناطق اشغالی

شرق رود کارون از جبهه‌های آنها - دان تادار خوین انجامید این مرحله با عملیات طریق القدس به منظر قضایا ن و عملیات مطلع الفجر در جبهه‌های گیلانغرب ادامه یافت . این مرحله در ابتدا از نارساییها و ضعفها برخوردار بود که در عملیات طرح العجربسه تاگامی نیروهای رزمنده ما در رسیدن به هدفهای تعیین شده انجامید اما برادران رزمنده با جمع بندی عملی تک‌گسترده بخصوص با بسیج مستمر رزمندگان بمسوی جبهه‌ها نبرد به پیروزیهای درخشانی در عملیات فتح المبین تابان شدند و اوج پیروزیهای این مرحله آزادی خونین شهر در عملیات بیت المقدس بود که جبهش نیروهای ما در تکمیل مرحله دفع تجاوز بود .

از ویژگیهای بارز مرحله تک‌های گسترده بسیج توده‌های شهادت طلبی با انگیزه آزادی کرلما و قدس عزیز بود . در این مرحله توده‌های عظیم رزمندگان عازم جبهه‌های نبرد شدند و نقش فعال و ایثارگرسپای این برادران بود که ضربه سنگینی به نیروی انسانی و تجهیزات ارتش عراق وارد کرد و امپریالیسم و صهیونیسم را به وحشت انداخته

۱- تعداد زیاد شهیدان

چند که نیروهای حق وقت شهید میدهند بر انگیزه‌ها و شتاب حرکت آنها افزوده میگردد و برکات زیادی بدست میآورند اما باید توجه داشت که هر رزمنده‌ای از نیروهای

نارساییهای مرحله تک‌های گسترده :

۱- تعداد زیاد شهیدان چند که نیروهای حق وقت شهید میدهند بر انگیزه‌ها و شتاب حرکت آنها افزوده میگردد و برکات زیادی بدست میآورند اما باید توجه داشت که هر رزمنده‌ای از نیروهای

۲- استقلال جبهه‌ها ، در تک گسترده ، هر جبهه‌ای در عین اینکه جبهه‌های دیگر هماهنگی عمل میکند باید استقلالش حفظ شود . این باعث رشد خود جوش و خود کفایی جبهه‌ها میشود . هم مسائل حمله و هم تحمل پات کپا را بر احتی از این طریق میتوان حل کرد .

۳- هر جبهه‌ای مراحل جنگ (جنگ و گریز ، تک محدود) را طی کرده باشد و یا حداقل مراحل رشد جنگ در آن جبهه آموزش داده شود

۴- احتی المقدور از نیروهای خود جبهه در حمله استفاده شود

نیروهایی که از قبل در آن جبهه بوده‌اند و مراحل آمادگی برای حمله در آن جبهه را گذرانده‌اند ، از تمام شیوه‌های جنگ چریکی که قبلا مراحل آن گذشته است سعی کنیم در خدمت تک گسترده استفاده کنیم . مثلا اگر جنگ و گریز مرحله‌اش گذشته در یک تک گسترده بهیچتی از شیوه‌های جنگ و گریز استفاده کرد - بدین ترتیب که مثلا تارک‌هایی را میخواهند پاتک بزنند با کمین زدن از زمین بهریم یا جاده‌های دشمن را در خدمت تک گسترده نا امن کنیم .

۵- ضامن تحقق این محورها اشتوار حرکت در جبهه‌هاست . (متروح توضیح این محورها در مقاله جداگانه در راه مجاهد شماره ۵ چاپ شده ، به آن مقاله مراجعه نمایید .

مرحله تک‌های گسترده عدا با عملیات تامین الاثمه در شرق کارون آغاز شد که به شکستن محاصره آبادان و پاکسازی مناطق اشغالی

شیوه‌های مردمی و خود کفایی رزمندگان ما حاکمیت سلاح ایمان و بسیج توده‌ها را بر تجهیزات نظامی ابرقدرتها نشان داد و دشمن از بیم گسترش این شیوه‌های اسلامی در منطقه و میان مستضعفین جهان ، دست به توطئه‌های گسترده‌ای در منطقه زد و به جنوب لبنان حمله نمود . با طی مرحله " دفع تجاوز " از میهن اسلامی ما راهی مرحله دوم از راهمان بسوی قدس یعنی آزادی کرلما میشویم . باید توجه داشت با شیم که این مرحله نیز همچون مراحل گذشته از ویژگیها و قانونمندیهایی برخوردار است که ما مسئول و موظفیم این قانونمندیها را بهتر شناخته و به آنها عمل نماییم .

نارساییهای مرحله تک‌های گسترده :

۱- تعداد زیاد شهیدان چند که نیروهای حق وقت شهید میدهند بر انگیزه‌ها و شتاب حرکت آنها افزوده میگردد و برکات زیادی بدست میآورند اما باید توجه داشت که هر رزمنده‌ای از نیروهای

۱- تعداد زیاد شهیدان

چند که نیروهای حق وقت شهید میدهند بر انگیزه‌ها و شتاب حرکت آنها افزوده میگردد و برکات زیادی بدست میآورند اما باید توجه داشت که هر رزمنده‌ای از نیروهای

نارساییهای مرحله تک‌های گسترده :

خود بوروکراسی و قدرت انتقال تجربیه داشته ، لکن جریان شهادت‌های بی‌سپرده میشود . چه باید کرد ؟

آیا باید بگذریم که با فاش شدن این خیانتها ، کودتای خزند ما گیرد ؟ آیا یکی از وجوه رشد فرمیسم خزند در اثر سهل انگاری نیست ؟

پیشنهاد :

پیشنهاد میشود که رزمندگان تجربیات خود را سینه به سینه نقل کرده و در خاطرات و یادداشتها و روایتها و مکتوبات شان بصورت مکتوب در آورند و این مکتوبات را در چند نسخه نزد خود و نهاد های انقلابی ویت امام و آستان العظمی منتظر ی و باران و سوسن سازان صدیق امام حفظ کنند .

به این شیوه وقتی نسلی شهید می‌شود تجربیات این نسل توسط وصیتنامه‌ها و خاطرات ثبت شده و به باقیمانده ن کارزار منتقل می‌شود ، خائنین به واسطه این افراد بر ملا و رسوا میشوند و انقلاب از انحراف خزند و حاکمیت تد رجیح منحرفین نجات پیدا میکند .

بقیه السیف ابقی عدا و او انکرو ولسدا حضرت علی (ع) والسلام

بقیه از صفحه ۳۲

خیانت با فراموش آماناسانی با بزرگ میشود

بنام خدای شهیدان

خود بوروکراسی و قدرت انتقال تجربیه داشته ، لکن جریان شهادت‌های بی‌سپرده میشود . چه باید کرد ؟

آیا باید بگذریم که با فاش شدن این خیانتها ، کودتای خزند ما گیرد ؟ آیا یکی از وجوه رشد فرمیسم خزند در اثر سهل انگاری نیست ؟

پیشنهاد :

پیشنهاد میشود که رزمندگان تجربیات خود را سینه به سینه نقل کرده و در خاطرات و یادداشتها و روایتها و مکتوبات شان بصورت مکتوب در آورند و این مکتوبات را در چند نسخه نزد خود و نهاد های انقلابی ویت امام و آستان العظمی منتظر ی و باران و سوسن سازان صدیق امام حفظ کنند .

به این شیوه وقتی نسلی شهید می‌شود تجربیات این نسل توسط وصیتنامه‌ها و خاطرات ثبت شده و به باقیمانده ن کارزار منتقل می‌شود ، خائنین به واسطه این افراد بر ملا و رسوا میشوند و انقلاب از انحراف خزند و حاکمیت تد رجیح منحرفین نجات پیدا میکند .

بقیه السیف ابقی عدا و او انکرو ولسدا حضرت علی (ع) والسلام

اهدان های غیبی بقیه از صفحه ۱۲
تقرب به خدا و حفظ مکتب اسلام بدانند

اهدان غیبی ، پدیده خاص

در بیشتر دیگر همانطور که گفتیم ایمان به غیب دارد ولی نقش بسیج توده های شهادت طلب را در این رابطه در نظر نگرفته و روی اینکه چگونه ایمان به غیب عامل پیروزی است نمی باشد و عمدتاً امداد های غیبی را عوامل استثنائی و غیر عادی قلمداد می کند . و به آن به عنوان معجزات غیر قابل درک می نگرند و نقش آنرا بعنوان یک شرط خارج مطرح می کنند که این باعث رشد نوعی ساده اندیشی در روزمندان می شود که تلاش و تدارک و سازمانده های نیروی خود بهای لازم رانده و انتظار دارند امداد غیبی و بهرزم آنها دستهای خارجی آنها را کمک کنند . ریشه فلسفی این تفکر همان است که خدا را خارج از اشیاء و امور دانسته و نقش خدا را در حرکت جهان پدیده ها در مواقع استثنائی و مقاطع خاص می بیند . این تفکر برای خطمی و استراتژی یک قلمرو قائل شده و برای خدا و امداد غیبی قلمرو و مقاطع خاصی را در نظر می گیرد در حالی که با بینش توحیدی تمام حرکات و تحولات را در رابطه با ایمان به غیب و امداد های غیبی بایستی بررسی کنیم نباید صرفاً در نزول باران و طوفان شن باری خدا را ببینیم در جریان حمله اول بازی دراز نقل می کنند که هوا گرم بود روزمندان بر اثر تلاش زیاد تشنه شده بودند و با باریدن باران هم هوا خنکتر شد موهوم از عطش روزمندان می گاهند و این خودش امکسانسی

خدا بودنند
وقتی جبهه حق تمام تلاش و کوشش خود را برای تحقق امر خدا قرار دهد . خدا بوسیله

اسبابش (بوسیله شن یا هر پدیده دیگر) همه پدیده ها را در خدمت این جبهه قرار میدهد (الذین جاهدوا فینا لنهبدینهم سبلنا ۰۰۰)

آرامش پویا و طمأنینه

کسی که در جهت تحقق آرمانهای الهی فطرتش بیدار شده به طمأنینه و آرامش پویا می رسد که در هر انسان مومن به غیب دید می شود و بدین جهت در برابر سختیها و ناملایمات مقاومت کرده و به یک ایمان استراتژیک دست می یابد که قادر است در هر شرایطی بر ضعف خود غلبه نموده و مایوس نشود .

بعنوان مثال در اوایل جنگ در طی یک حمله روزمندان مامتوجه می شوند که فشنگها یشسان تمام شده اما از آنجا که ایمان عمیقی به نصرت و یاری خدا داشتند آرامش خود را از دست نداده و با اسلحه های خالی به قلب دشمن بعشی نشانه رفتند و دشمن نیز مشاهده این وضع متزلزل شده و فرار برقرار تر جیح داد البته باید توجه داشت که این مسئله موجب سادگی پیش شدن جبهه حق نشود که بگوئیم با دستهای خود دشمن حمله کنیم یک مسلمان و یک نیرو مکتب سرخ حسینی باید در همه حال مجیز و هوشیار باشد اما هیچگاه نسبت به ابزار و مهمات وابسته نشده آن را صرفاً وسیله ای برای

می شود برای ادامه عملیات ، عده ای صرفاً همین نزول باران را امداد غیبی می دانند در حالی که از همان ابتدا این که این روزمندان از منزل خود قصد رفتن به جبهه ها را کردند و در جهت خدا حرکت کردند تمام قدمها و تمام لحظه ها تمام شرایطی که برایشان وجود داشته همه و همه امداد های غیبی بوده است این باران هم امداد غیبی بوده منتهی وقتی ما نقش این باران را درک می کنیم که در راه خدا حرکت کرد و مقدم رسختی ها بگذرانیم عده ای می گویند در فصل بارندگی زیاد وزمستان نمیتوان حمله کرد ولی اگر همین افراد قصد حرکت و حمله داشته باشند همین بارندگی راهی تواند به عنوان یک رحمت ببیند اگر ما خود مان حرکت نکنیم این پدیده ها را حتمی در تضاد با خود مان هم می بینیم مثلاً در یکی از عملیات عرب مهماتی که برای حمله تهیه کرده بودند چون حمله نکردند باران آنها را از بین برد . لذا ما هر چه در جریان عمل صالح در راه خدا با شتاب بیشتر تدارک و وقت و سازماندهی بهتری حرکت کنیم نقش پدیده ها و سایر شرایط را در جهت پیروزی خود بهتر خواهیم شناخت و نقش خدا را امداد های مقطعی تنزل نداده بلکه او را در هر کاری حاضر و ناظر بر تمام لحظات می بینیم "مازمیک ان رقیب و لکن الله رسی" (سوره ۸ - آیه ۱۷)

پیام "آدم" سوم

خداوند در قرآن مجید به هنگام خلقت آدم می فرماید :

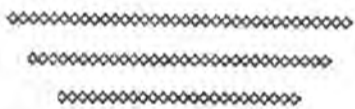
وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُسْفِكُ الدِّمَاءَ وَيُفْسِدُ الْبُيُوتَ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (بقره - آیه ۳۰)

و هنگامی که گفت پروردگارت به فرشتگان که در زمین جانشینی قرار خواهیم داد گفتند آیا آنرا در زمین فراریمد می که فساد جوید و خون بریزد در حالیکه ما ستایش و سپاس تو میگوئیم و تو را تقدیس می کنیم گفت من میدانم آنچه شما نمی دانید .

خبینیم که ملائکه و فرشتگان که تسبیح کنندگان درگاه خداوند و از عوامل امداد های غیبی بشمار میروند به فرمان پروردگار خویش برآمد سجده میکنند زیرا که خداوند آدم را خلیفه خود بر روی زمین قرار داده و این سجده یک سجده ظاهری نبوده ، بلکه ملائکه در برابر خلقتی سرفرورد می آورند که با فطرت بینهایت طلب و خدا اجسوی خویش قادر است بمقام خلیفه الهی در روی زمین برسد و منطوی و در برگیرنده همه پدیده ها شود و از آنها در جهت سیر تکاملی خویش استفاده نماید

ملائکه و فرشتگان که امداد ها و قوه های الهی هستند همه در اختیار "آدم" که در راه خلیفه الهی گام بر میدارد قرار میگیرند و تمام عالم در تسخیر چنین آدمی است . امیدواریم که در جهت "آدم شدن" و "آدم ماندن" گام برداریم که این بزرگترین امداد غیبی و رحمت الهی بر انسان خدا جو می باشد .

(توضیح بیشتر در شماره های آینده)



امام: حضرت سیدالشهدا (س) به همه آموحت گد در مقابل ظلم و ستم و حکومت جائر چه باید کرد

راه میجاهد بقیه از صفحه ۳۲

در ماجرای غدیر خم حضرت محمد (ص) مخاطب قرار داده شدند که "ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فاعلمت رسالتی واللله یعصمک من الناس واللله لا یهدی القوم الکافرین (مائده - ۶۷)

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است به خلق برسان و اگر اینکار را نکنی تبلیغ رسالت واد وظیفه نگردد ای خدا تو را از شر توطئه ها محفوظ خواهد داشت و خدا کافرین را هدایت نمی کند . در اینجا خدای تعالی پیامبر (ص) را مورد خطاب قرار می دهد که اگر در نصیب جانشین بحق بدلیل تشریح انقلابی از کارشکنی منافقان کوتاهی نمائی ، رسالت خدا را ابلاغ نکرده ای . در شرایطی که مجلس خبرگان در شرف تشکیل است این مسئله بهترین رهنمود برای ماست که به نظر ما تا کنون این معرفی انجام گرفته است (سرمقاله راه شماره ۱۱) والسلام

آبادان را از خطر اشغال نجات دهند .
۱- مجاهد شهید "هادی ملک - حسینی" (شهید عملیات رمضان) در یکی از نامه های گفته بود : " سازماندهی باید مبتنی بر مکتب اسلام باشد و در سیج انجام شود . سازماندهی در سگون بتدریج به همان سازماندهی خشک و مکانیکی تبدیل میشود .
در شماره "آینده بد نهاله" این بحث و بررسی شیوه "تهادگرای اسلامی" میرد ازیم .

از آنجا که عدم تسلیم به شیوه های غیر اسلامی و حفظ اصالت نهضت اصل میباشد و تا توجه به توطئه هایی که همیشه بر سر راه حفظ نهضت اسلامی و به حاکمیت رسیدن آن وجود دارد ، باید از شیوه امام حسن (ع) الهام گرفته و در صدد پاسخگویی به سوالات بنیادی زیر باشیم :
۱- رابطه صحیح و مکنبی بین نظام و نهضت چیست ؟
۲- تا چه زمانی باید برای حفظ نظام تلاش کرد ؟
۳- زمان مرز بندی نهضت از نظام چه موقع فرا می رسد ؟
۴- در صورتیکه قدرت حفظ نظام مبتنی بر نهضت اسلامی را نداشته ایم و نتوانستیم جریانهای نفوذی را منزوی نمائیم با چه شیوه ای، نهضت را از نظام مرز بندی کنیم ؟
۵- در تضاد بین امام حسن (ع) و معاویه ، کدامیک پیمنا و دیگری شرط است و به عبارتی "رابطه" مناس و شرط" بر اساس "اشهد بیری متقابل" به چه صورت است ؟ (مکتب ماده ۲۳) ادامه دارد

سازماندهی در مکتب بقیه از صفحه ۱۰
روزمندان شد .
عقب نشینی مشکوک از خونین شهر نیز در آبان ماه ۵۹ هجری شیوه انجام پذیرفت . قابل ذکر است که پس از به حاصره در آمدن آبادان ، ونفوذ یک گردان عراقی به جنوب رودخانه "بهمنشیر" و اشغال بخشی از ذوالفقار ، آبادان ، برادران مساجد این شهر با اتخاذ شیوه "دفاع تهاجمی" توانستند پیشروی دشمن را متوقف کرده و با انهدام یک گردان دشمن راتا کیلومتر عقب برانند و

در شرایط فعلی ، یکی از مهمترین وظایف نهضت این است که نظام را حفظ کند . و بدینال نهضت بگشاند یکی از مهمترین ظرافتهای خط امام خمینی این است که ضمن حفظ نهضت و ارائه خط مشی سیاسی - نظامی برای آزادی قدس ، سعی دارند به نظام تبیین داده و آنرا قانع کنند و همراه نهضت تعالی بدهند . نظیر آنچه در برخورد امام با ارتش در طول جنگ دیدیم . تقوای سیاسی و صبر و حوصله در این زمینه خیلی نیاز است . به جوانان پر شور و انقلابی توصیه می کنیم به محض دیدن چند نارسائی مبادا شکبائی خود را از دست بدهند و یک نسخه مکانیکی بنویسند که آقا باید نهضت از نظام جدا شود . مسئله عمیق تر از این حرفهاست ؟ توجه داشته باشند ، این نظام علیرغم نارسائیها با توطئه های کتب - دیوید اول ، طرح فهد ، کنفرانس فاس ، کنفرانس طسائف تروریسم آمریکایی ، جنگلکبهای سه جهانی ، و ارتجاع عرب مقابله می کند .
زمان مرز بندی نهضت از نظام را چگونه باید تشخیص داد ؟

همان دروغهایی که اتباع پیروز منتشر می کردند ، امروز همین عفو بین المللی به اصطلاح منتشر می کنند . انسان عذر دارد که بگوید مادر عمری زندگی می کنیم که تمام ارزشها فدای قدرتهاست .

دین‌گرای خط امام

بقیه از صفحه ۳۱

از بهشت و نعمت های آن و این بندگان خاص خدا را بجزکت در آورده و انگیزه ایشان می شود . به تعبیر امام : «عامل محرک آنان تحقق امر خدا و جلب رضایت او باشد دیدن خدا و لقاء الله است .

حضرت علی (ع) می فرمایند : عبادت کنندگان سه دسته اند بردگان ، آنهایی که از ترس دوزخ خدا عبادت می کنند ، تجار یعنی آنها که به خاطر نعمات بهشت خداوند عبادت می کنند و بالاخره احرار که خداوند را به خاطر بهشت و نه بخاطر جهنم بلکه به خاطر خود خدا عبادت می کنند .

امروز نیز می بینیم با اینکه صرف شهادت در میدان نبرد حق و باطل درهای بهشت را بر روی رزمندگان اسلام می گشاید ، رزمندگان که با وظیفه به میدان می آیند پس از اینکه یک پایش قطع می شود میدانند که شهید شده و به بهشت می رود ، حالا چه انگیزه های تبیین کننده تدویم حرکت اوست که پیکر پاک خون آلود خود را بر روی مینهای دیگری کشاند تا بآنکه تکه کردن بدن خویش از شهادت رزمندگان دیگر جلوگیری کند .

وقتی محرک انسان عشق به خدا و "لقاء او" باشد ، عمل به تکلیف الهی برایش اصالت پیدا کرده و در "دنیا هم آخرت را دیده" و "زندگی اخروی را تحقق می دهد" . بر این اساس است که حضرت علی در این دنیا هم به دیدار خدا نائل می شود و در آن دنیا نیز از نعمات بهشت می گذرد .

(رجوع شود به مقاله "لقاء الله" راه مجاهد شماره ۹)

استمرار ولایت فقیه

باتوجه به مطالب ذکر شده باید دید که چه کسی ایمن و یزیدگه را در رک کرده و با تمام وجود در آن فعال شده است و چه کسی می تواند تدویم دهنده این راه باشد .

در شرایط فعلی باید دید آن مرجعی که امید امام و امت است ، آن مرجعی که تمام نیروی خود را در مبارزه با کمپ دیوید بکار برده ، آن مرجعی که همه رزمندگان جبهه با خون خود او را تائید کرده و او را ادامه دهنده راه امام میدانند آن مرجعی که قبل از انقلاب در دوران تبعید امام با طاغوت مبارزه کرد و شکیبایی آریامهری را تحمل کرد . آن مرجعی که شجاع است و آگاه به زمان و فکر کمپ دیوید را خوب می شناسد و دو توطئه کمپ دیوید اول و دوم را خنثی کرده است ، آن مرجعی که امام ایشان را حکم برای حل اختلافات درون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دانستند ، آن مرجعی که امام و اسلام فقهتسی را در وجود ایشان تحقق یافته می بینند ، آن مرجعی که همیشه امید مستضعفین در حقان است و خط مشی خود کفایتی کامل اقتصادی را بابتکیه به روستا مطرح می کنند آن مرجعی که بنهضت های آزاد بیخش توجه کافی دارند کیست ؟

پاورقی ۱ : سوره "یس" آیه ۲۱

پاورقی ۲ : کتاب ولایت فقیه صفحه ۵۴ انتشارات کبیل

دیدگاه دو جریان فکری درباره اصل ولایت فقیه

بقیه از صفحه ۲

واجبات و مستحبات در خدمت اصل خلافت ولایت قرار گیرد و حتی اگر امام حسین با یزید بیعت میکرد یزید جلوی نماز و روزه ... رانمی گرفت ولی دیدیم امام حج را نیمه کاره گذاشتند و رفتند برای تحقق امت واحد و تحقق اصل حکومت و عدم بیعت با یزید .

ب- برداشت توحیدی

" از بحث فوق به نتایج توحیدی زیر می رسیم " :

- ۱- اصول فطری ، یقینی و استدلالی است و در حوزة تقلید نمی گنجد .
- ۲- در اسلام امامت یک اصل بدیهی و فطری است .
- ۳- اصل امامت لا ینفک از توحید است .
- ۴- اصل ولایت فقیه تجلی اصل امامت است .

ریشه یابی و تحلیل گروه عافیت طلب

بقیه از صفحه ۲

۳- در سیستم مدیریت غرب که چنین شیوه ای اتخاذ می کنند اصل بر رشد انسانها و کمال طلبی نیست بلکه بر آن سیستمها پراگماتیسم ، منفعت طلبی و استثمار بیشتر حاکم و محور کار می باشد .

در سازماندهی مکتبی اسلامی اصالت با رشد انسانهاست و هدف از هر شکل تقرب الی الله است . هر چند که مستقیماً به افزایش سرمایه و تولید نیانجامد . لذا شیوه مدیریت و تقسیم کار و رابطه رهبر و امت بنیاداً تفاوت با سیستم غرب دارد . اینجا رابطه رهبر و امت یک رابطه فطری و جوهری است و آنجا صرفاً یک رابطه تشکیلاتی و اداری .

در سیستم "تغویض اختیارات" و "اصل استثناء" نقش رهبر بعنوان یک عامل خارجی و کمک کننده در رهن بستنها ظاهر شده و پس از رفع بن بست دوباره کار مردم با مردم است .

در سیستم سیاسی این میشود که "حکومت مردم بر مردم باشد و در مواردی که کار به بن بست رسیده و مشکلات لاینحلی پیدا شده به رهبر رجوع میشود که تلفیق خط شریعتداری و امام خمینی است . و اما در ادامه مطلب (کتاب فوق) با ملاک قرار دادن "تاپلور" فنی وارد قرآن و تاریخ اسلام میشود . (صفحه ۷۷ تا ۱۷۱)

(... قرآن مجید این اصل کلی را (اصل استثناء) در زمینه بسط دانش دینی چنین بیان میکند ...)

و این روش همواره ادامه داشته و این "اصل استثناء" پیوسته در برنامه کارنامه (ع) بوده ، تا اینکه در قالبی نو در زمان غیبت حضرت بقیة الله (عج) ، "تعمیر پیشوای الهی" مطرح گردید و همانطور که در بخش پیش اشاره کردیم در این دوران امام (ع) رهبری مردم را به فقهای خود تفکداری با ایمان سپرده ، زمام امور شیعه را در غیبت خویش بدست باکفایت ایشان داد .

و بدینوسیله این "اصل استثناء" بار دیگر در قالبی نو که از ویژگیهای زمان غیبت امام (ع) بود - در رهبری شیعه - تجدید گردید .

۴- در این میان اعتقادات اسلامی هم تحریف شده است . مسئله کادرسازی و تربیت انسانها و تدویم و گسترش امامت در مکتب اسلام را با روش تقسیم کار در مدیریت فنی و ادارات بوروکراتیک اروپا یکی کرده است .

باین ترتیب در نتیجه این آموزشها جوانان پاک با عشق به خدا و اسلام ظاهرأ به خدا ، وحی و امام زمان (عج) ولایت فقیه معتقد است ولی محتوی این اعتقاد افکار غرب و روشهای علم کلاسیک است .

۵- با این تفصیل نتیجه میدهد که در دوره غیبت امر مردم با خود مردم است و آنها حرکت خود را میکنند تا موقعیکه به بن بست رسید امام زمان ظاهر میشوند .

ولذا بناظر آنها مردم در یک مرحله خودشان از عهد کار برمی آیند و فقط در انتهای قضیه که کارشان به معضل لاینحل و بن بست برخورد به رهبر نیازمند میشوند .

ضربه این تفکر انحرافی به نهضت اسلامی با این تبیین که امام زمان (عج) در امور استثنائی و مشکلات لاینحل نقش دارد و سایر امور را امت مستقلاً انجام میدهند بسیاری جوانان را آموزش دادند .

- ۱- ولایت حکومتی است که دوست و ولی انسانهاست و هر انسانها و نفس آنها تسلط واقعی دارد و نه تحمیلی و لذا ولی فقیه حاکم بر جان و مال هم هست نه تحمیلی بلکه باید برش آگاهانه امت است . نظریه بر شوکه رزمندگان جبهه از امام خمینی دارند .
- ۲- اختیارات ولی فقیه همان اختیارات امام معصوم است منتهی مراتبش فرق میکند .
- ۳- مایک امر بیشترند ارباب و آن امر خداست که امام زمان (عج) ولی فقیه و امت و همه در جهت تحقق امر خدا حرکت میکنند .
- ۴- اصل امامت و اصل ولایت فقیه را نمیتوان مشروط به رای اکثریت و با اقلیت بی ملاک نمود . و کلاً کثرت بردار نیست .
- ۵- اصل امامت هم بر امام معصوم و هم بر ولی فقیه حاکم است .

این جوانان با اوج گیری انقلاب و در پی فطرت حساس طلبشان به امر مبارزه روی می آورند و از خط ارتجاعی عدم دخالت در سیاست نجات یافتند . در عین حال همان کار برداشتها را با خود داشتند . وقتی خود عملاً اقدام به مبارزه کرده و تشکیلات درست میگردند و دست به عمل بیشتر میزدند ، بفکر حرکت دادن توده ها و وسیع آنها می افتادند . عملاً و بطور فطری با سیستم رهبری رزمنده آشنا میشدند . مسئولیت روزمره و لحظه به لحظه بیشتر را نسبت به توده ها درک میکردند . رابطه جوهری امامت و توده ها را میدیدند . برابر این سؤال که امام زمان (عج) بعنوان رهبر عالم چه نقشی در حرکت جامعه و انقلابات معاصر دارد ؟ مکانیسم این رابطه چیست ؟ ... تبیین واقعی و منسجم لازم می آید . علیرغم نیاز شدید در سالهای قبل از ۵۴ هیچ جواب منسجمی داده نشد .

تفکراتی که گروه عافیت طلب مدعی دفاع از ولایت امام عصر (عج) در بین جوانان رایج کرده بود اساساً "هدایت مستمر و تعیین کننده برای امام زمان (عج) جز در نهایت تاریخ قائل نبود .

تصور آنها از رهبری بی شباهت به سیستم رهبری حزب بود . نیست (توری بقا که میگفتند باید توده ها قیام کنند و شهید بدهند وقتی مردم به پیروزی نهائی رسیده و رهبران از خارج بیایند و رهبری انقلاب را بعهده بگیرند . این تعبیرها نه تنها قانع کننده نبود بلکه بیشتر جوانان رزمنده را متزجر میکرد . ولذا طبیعی بود که تبلیغات ضد مذاهب زمین پذیرش پیدا کند .

اینهمه نتیجه آن انحراف اولیه است که امر "سازماندهی و تشکیلات" و "سیاست" و ... را جزو مسائل علمی و مساوی و مستقل از مکتب بدانیم و برای علم محدود و خاص و استقلال قائل شویم .

کما اینکه رهبران جوان این گروه برای حل مشکلات تشکیلاتی خودشان به سراغ کتابهای مربوط به مدیریت و اصول سازماندهی که غربیها تدوین کرده اند می رفتند تا با استفاده از تجربیات آنها رهنمودهای بیابند . (رجوع شود به کتاب دانشگاه مدرس بحث مدیریت) در بین جوانان مبارز نیز همین انحراف نفوذ یافته بود .

آنها برای حل معضلات تشکیلاتی از دستاورد ها و تجربیات مارکسیستها استفاده میکردند که جنبه انقلابی و رزمندگی داشته که با عدم کادریهای ذیصلاح تدربجا" بار فلسفی که در پشت این تجربیات انقلابی بود در ذهنانشست و حوادث غیبارسال ۵۴ را پیش آورد .

اکنون باید دید از بود افراد گروه فوق بدلیل کار تشکیلاتی نسبت به رزمندگان ایشان گریزها " از جهت تجربه مدیریت و تشکیلات کار اطلاعاتی ارجحیت دارند ، لذ ایستهای مملکتی را به سرعت اشغال میکنند .

ولی بدلیل تفکرشان شیوه های سازماندهی و مدیریت آنها روشهای کلاسیک غربی بوده و نظام جمهوری اسلامی را تدربجا" بسط سیستم تشکیلاتی غربی و سپس غرب سوق میدهند (رجوع شود به مقاله سازماندهی و مکتب راهمجاهد شماره ۲ تحت عنوان نهادگرایی اسلامی جوهره شکل الهی)

فاعتبروا یا اولی الابصار (ادامه دارد)

- ۱۰- اصل ولایت فقیه هم بر ولی فقیه حاکم است .
- ۱۱- فرق است بین ولی فقیه و اصل ولایت فقیه .
- ۱۲- اصل ولایت فقیه فتاوی را نیست .
- ۱۳- ولی فقیه باید تحقق دهنده اصل ولایت باشد .
- ۱۴- اصل امامت و اصل ولایت فقیه غیر قابل تغییر و تبدیل است اما شخصی ولی فقیه قابل تغییر است (هم در جهت رشد و تکامل هم در جهت انحراف و انقراض)
- ۱۵- کلیه واجبات و مستحبات در خدمت اصل خلافت و اصل ولایت قرار میگیرد .
- ۱۶- اولی فقیه باید در کار اصول توحیدی تبهیت و پیروی کرد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

رابطه امام و امت

الفد رابطه امام و امت رابطه عدد يك با صفر نیست. عده‌ای معتقدند كه رابطه امام و مردم مانند رابطه عدد يك با صفر است.

در این نظریه مردم صفر تلقی شده و گفته میشود اگر هزاران صفر پهلوی هم باشند ارزشی ندارند مگر اینکه پهلوی يك قرار بگیرند.

این نظریه چند اشکال دارد: اول اینکه منطق ریاضی منطق تکرار و مساوی دیدن همه اشیا است و نمیتواند ملاک تبیین ما از توحید و امامت باشد.

دوم اینکه توده‌ها به هیچ انگاشته و صفر تلقی میشوند در حالیکه در ایدئولوژی امام خمینی توده‌ها بدون استثنا فطرت خدا جو دارند و صاحب تشخیص اند و هر فردی مرتبه‌ای از مراتب وجود است در اول رساله‌های علمیه نزد يك به این مضمون نوشته شده است كه اصول دین برای هر فرد بالغ یقینی و استدلالی است. منتها امام نیازمندترین افراد است و بالاترین مرتبه وجودی را در رابطه با خدا دارد و لذا توده‌های خدا جو و حق طلب فطرتا با امامت پیوند دارند و به او نیازمند میباشند.

سوم اینکه در شرایط فعلی قبول این نظریه موجب میشود كه با فقدان رهبر، توده‌ها احساس خلا نموده و ارزش وجودی خود را فراموش کرده و منفعل و از صحنه خارج شوند و گروه یا تشکیلات‌های عافیت طلب و رفرمیست این خلا را پر نمایند.

چهارم اینکه امامت را مشروط به پذیرش اکثریت می نماید همانطور كه ارزش عدد يك وقتی بالا می‌رود كه صف‌های بیشتری در كنارش قرار بگیرند در این رابطه ارزش ۱۰۰، از ۱۰۰۰ بیشتر میگردد. در حالیکه با دیدگاه قرآنی ۱۰۰ نفر مو من ارزششان از هزاران غیر مؤمن بیشتر است.

بدر رابطه امام و امت رابطه راننده خیره و مسافر نیست. عده‌ای معتقدند امام همچون راننده‌ای خیره و مردم بمان مسافری آن راننده اند. در این رابطه گفته میشود وقتی ما چنین راننده‌ای را یافتیم دیگر مسئولیتان به پایان رسیده است و با خیال راحت و تخت میتوانیم در طول سفر استراحت کنیم.

در این نظریه چند اشکال به چشم میخورد: اول اینکه مسئولیت پیمودن راه صرفا بعهده راننده و بعبارت دیگر امامت جامعه قرار نمیگیرد و بدین وسیله مسئولیت از مسافری یعنی امت ساقط

بماند. عده‌ای معتقدند امامت و یا اعمال ولایت فقیه يك نوع دیکتاتوری بوده و امت بگونه دیکراسی و حکومت مردم بر مردم است. بقول این نظریه رابطه امام و امت تلفیقی میشود از دیکتاتوری فدرالی و دیکراسی غربی، تلفیقی میشود از مرکزیت و دیکراسی. در صورتیکه این نظریه به هیچ وجه بیان کننده رابطه صحیح امام و امت نیست. در اسلام هم امام و هم امت تسلیم خدا و قرآنند و تسلیم اصول واحدی هستند كه این اصول نه در انحصار امام است و نه در انحصار امت، بلكه قانون الهی وحی است.

با این تفاوت كه امام درجه نیازمندی و تسلیم به اصول و قانون الهی بیشتر است.

بدون تن دادن به قانون واحد و یا اصول واحد كه ملاك و ملاط رابطه صحیح امام و امت است، نه امام میتواند امت را آموزش دهد و نه امت میتواند از امامت انتقاد كند.

بدون تبیین واقعی از انسان و قبول نفس منطوقی یا بدام دیکتاتوری می افتیم یا بدام لیبرالیسم (برای فهم بیشتر مطلب به مقاله نفس منطوقی راه مجاهد شماره ۶ مراجعه شود).

والسلام

میشود. اگر راننده بعلت پر كارش خواب فرا بگیرد و تصادف كند، هیچيك از مسافری مسئولیت آنرا قبول نكرده و همه تقصیر را بگردن راننده میگذارند. در حالیکه هوشیاری و بیدار ماندن مسافری موجب بیدارتر ماندن و هوشیارتر بودن راننده میشود و از تصادف احتمالی جلوگیری میشود و اگر هم تصادفی رخ داد این مسافر هوشیار و بیدار است كه میتواند به كمك راننده شتافته و خود و دیگران را بسرعت نجات دهد.

دوم اینکه راحت طلبی و خیال تختی بعد از زحمت فراوان برای پیدا كردن رهبر موجب عافیت طلبی ظریفی میگردد كه معمولا بعد از تحمل سختی به انسان دست میدهد. باید توجه داشت كه هوشیاری و نظارت بر راننده خیره و مراقبت از جاده نفسی رانندگی او نیست و در اجتماع هوشیاری و مراقبت از خط مشی امام نفی قبول امامت و رهبری او نیست بلكه از وظایف ماموم است. (به خطبه های ۲۰۷ و ۲۰۳ نهج البلاغه در مورد رابطه امام و امت توجه شود)

ج- رابطه امام و امت رابطه دیکتاتوری و دیکراسی نیست. عده‌ای معتقدند امامت و یا اعمال ولایت فقیه يك نوع دیکتاتوری بوده و امت بگونه دیکراسی و حکومت مردم بر مردم است. بقول این نظریه رابطه امام و امت تلفیقی میشود از دیکتاتوری فدرالی و دیکراسی غربی، تلفیقی میشود از مرکزیت و دیکراسی. در صورتیکه این نظریه به هیچ وجه بیان کننده رابطه صحیح امام و امت نیست. در اسلام هم امام و هم امت تسلیم خدا و قرآنند و تسلیم اصول واحدی هستند كه این اصول نه در انحصار امام است و نه در انحصار امت، بلكه قانون الهی وحی است.

با این تفاوت كه امام درجه نیازمندی و تسلیم به اصول و قانون الهی بیشتر است.

بدون تن دادن به قانون واحد و یا اصول واحد كه ملاك و ملاط رابطه صحیح امام و امت است، نه امام میتواند امت را آموزش دهد و نه امت میتواند از امامت انتقاد كند.

بدون تبیین واقعی از انسان و قبول نفس منطوقی یا بدام دیکتاتوری می افتیم یا بدام لیبرالیسم (برای فهم بیشتر مطلب به مقاله نفس منطوقی راه مجاهد شماره ۶ مراجعه شود).

والسلام

بقیه "اشرفی استنباطی" بقیه از صفحه ۱

گفتند چرا ائمه جماعت در سیاست دخالت می‌کنند... البته مبارزات چهارمین شهید محراب با جریانهای انحرافی پر کسی پوشیده نیست بهترین هدیه ما به روح پیر فتوح شهید، بخش از بیانیهای است كه امام در مورد ویژگیهای ایشان صادر فرمودند. امام امت در مورد ایشان فرمودند: چه سعادت مندند آنانكه عمری را در خدمت به اسلام و مسلمین بگذرانند و در آخر عمر تاریخ به فیض عظیمی كه دلها خستگان لقا الله آرزو میکنند، نایل آیند. چه سعادت مند و بلند اخترند آنانكه در زندگی خود كمر همت به "تهذیب نفس" و جهاد اكبر" بسته و پایان زندگی خویش را در راه هدف الهی با سر فرازی به خیل شهدای در راه حق پیوستند. چه سعادت مند و پیروزند آنها كه در نشیب و فرازهای پست و بلند بهای حیات خویش به "دامنه شیطانی" و وسوسه های نفسانی نیفتاده و آخرین حجاب بین محبوب و خود را با محاسن غرقه بخون فرقی نموده و به قرارگاه "مجاهدین نفس سبیل الله" راه یافتند.....

بقیه از صفحه ۳

بهر احوال گذشته - بدین صورت كه بعضی از برادران وارد شدن در مرحله تكهای گسترده را به معنی نفی و بی ارزش بودن مراحل گذشته دانسته و از آن شیوه‌ها در این مرحله استفاده نمی‌كنند و صرفا صخواستند كه با بسیج كسی و انبوه نیروها به جنبه زمینه‌های پیشروی را فراهم آورند و این امر باعث تعداد زیاد شهدا و ناكامی در پاره‌ای عطیات بود.

به امید آزادی قدس از طریق كربلا

به امید به‌كارگیری هر چه بیشتر شیوه‌های اسلامی در راه این نبرد مقدس

آیا حاضریم انتقادی كه به دیگران می‌كنیم به خودمان هم بكنیم؟ در شرایط فعلی عمل صالح ایمن است كه با "بقیه السیف" گاز را اسلام و كفر و تئوریسم، برخورد سازنده نمود و تا آنجا كه امکان دارد به آنها كلك نمود و ولو آنكه برخورد غریب و متقابل هم نشود.

در شرایط فعلی در رابطه بانارسانه‌ها و انتقاداتی كه وجود دارد باید در درجه اول برخورد سازنده و برادرانه كرد و صورت مقام بود و مسر و ظرافت انتقاد را حفظ نمود. مبادا انتقاد از موضع تضاد قدرت باشد

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

شرح دعا :

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَثِّرْ عِدَّتَهُمْ

بروان مقدس محمد و آل محمد رحمت فرست و بر شمار سربازانمان که از مرزهای ما پاس میدارند بیفزای . این دعا ، دعای مجاهدانی است که هدفشان تشکیل جبهه ، واحد مستضعفین علیه مستکبرین است و تنها راه تحقق این امر را در صدور انقلاب اسلامی و ترویج شیوه‌های اسلامی در بین مستضعفین میدانند . دعای مجاهدانی است که معتقدند تنها از این طریق و در پی پیوند با مستضعفین جهان است که می‌توانند بر شمار کیفی و کمی سربازانشان اضافه کنند نه از طرق غیر الهی دیگر .

وَأَشْحَذْ أَسْلِحَهُمْ وَأَخْرِسْ حُوزَهُمْ

و حربه آنان را بر ضد دشمن کارگر کن و سنگرشان را از آسیب شکست در امان گیر . این دعا ، دعای رزمندگانی است که باتکیه بر ایمان در جبهه‌های حق علیه باطل می‌جنگند و ایمان قاطعشان هر روز بر بردگی سلاحشان می‌افزاید نه مدرنتر و پیچیده‌تر بودن سلاحشان .

وَأَسْلَحْ حَوْمَهُمْ وَأَلَيْتْ جَمْعَهُمْ وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ وَوَعَدَ بَيْكُنَا أَبَدًا مُؤَيَّدَةً وَأَعْضُدْهُمْ بِالْقَبْرِ

و جمعیتشان را بهنگام دفاع از پریشانی ایمن ساز و به تدبیر خویش صفوفشانرا به هم بپیوند و رشته وحدت و وصلتشان را از هم مگسل و هدفشان را همواره یکتا گردان .

دعا

بسم الله الرحمن الرحيم

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَثِّرْ عِدَّتَهُمْ وَأَشْحَذْ أَسْلِحَهُمْ وَأَخْرِسْ حُوزَهُمْ وَأَسْلَحْ حَوْمَهُمْ وَأَلَيْتْ جَمْعَهُمْ وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ وَوَعَدَ بَيْكُنَا أَبَدًا مُؤَيَّدَةً وَأَعْضُدْهُمْ بِالْقَبْرِ وَالْقَبْرِ أَلَيْتُ لَهُمْ فِي الْحَكْرِ

ترجمه :

بروان مقدس محمد و آل محمد رحمت فرست و بر شمار سربازان ما که از مرزهای ما پاس میدارند بیفزای و حربه آنان را بر ضد دشمن کارگر کن و سنگرشان را از آسیب شکست در امان گیر و جمعیتشان را بهنگام دفاع از پریشانی ایمن ساز و به تدبیر خویش صفوفشانرا بهم بپیوند و رشته وحدت و وصلتشان را از هم مگسل و هدفشان را همواره یکتا گردان و در سایه صبر و صولت پیروزشان فرمای و حمله‌های نظامیشان را همیشه با پیروزی مقرون دار .

دعای مرزداران اسلام : صحیفه سجاده

این دعا ، دعای صدیقینی است که حول یک شعار واحد خواهان رسیدن به پیوندی برتر هستند و وحدتشان بر اساس پیوند ایدئولوژیک ، استراتژیک است و از این پیوند است که در یک تشکیلات واحد الهی قرار

میگیرند . دعای کسانی است که تشکیلات را نه هدف بلکه وسیله‌ای برای رسیدن اهداف الهی میدانند . این دعا ، امروز دعای کسانی است که پاسدار شعار استقلال ، آزادی ، حکومت اسلامی هستند و در کنار هم برای تحقق اهداف اسلامی انقلاب می‌کوشند .

وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ بِالْقَبْرِ

و در سایه صبر و صولت پیروزشان فرمای .

این دعا ، دعای مومنی است که صبر را ، استقامت در راه خدا می‌دانند نه در گوشه‌نشینی و عافیت طلبی .

دعای صابرینی است که در میدان عمل و در عین سختی ها از شیوه‌های اسلامی عدول نمی‌کنند و دچار واکنش و عکس العمل نشده و با دشمن مقابله به مثل نمی‌کنند . بلکه خط مشی درازمدت اتخاذ میکنند و خداوند با چنین صابرینی است . (ان الله مع الصابرين)

وَأَلَيْتُ لَهُمْ فِي الْحَكْرِ

حمله‌های نظامیشان را همیشه با پیروزی مقرون دار . این دعا ، دعای مبارزانی است که هدفشان تحقق امر خدا و سنت انبیا است .

دعای مبارزانی است که کید و مکر دشمن بساطل را با کید متین یعنی عمل به شیوه‌های الهی استفاده درست از شرایط پاسخ می‌گویند و بهمین خاطر است که حمله‌های ایشان کارگر می‌افتد . بدرتیکه حمله مومنان عمل به شیوه‌های اسلامی است .

مقاومت لبنان و دو قطبی کاذب ...

بقیه از صفحه ۲۸ ی : جایابی اعداد در منطقه

جایابی اعداد یکی دیگر از توطئه‌هایی است که در راه خلق فلسطین قرار دارد ، از آنجا که خلق فلسطین در جریان لبنان از طرف کشورهای عربی هیچگونه یاری نشد ممکن است این عدم توجه رژیم‌های عرب در بین جناح‌های مختلف فلسطینی نسبت به آنان کینه ایجاد کند و صهیونیسم فراموش شده و ارتجاع عرب بعنوان دشمن اصلی در نظر گرفته شود . ملت فلسطین باید بداند که با ارتجاع عرب تنها باید در دل مبارزه با صهیونیسم که دشمن عمده است مبارزه کرد .

در شرایط حاضر خلق فلسطین و نهضت آزاد بیخیش می‌باید با در نظر داشتن دشمن صهیونیستی به عنوان دشمن عمده جوهر قهرآمیز مبارزه اش را فراموش نکرده و از آن دست برد ندارد و هرچه بیشتر در صدور افشای ماهیت کثیف امپریالیسم در حمایت از صهیونیسم بکوشد تا این شبهه و ابهام را که امپریالیسم امریکا و ریگان میتواند به عنوان قاصد صلح به کمک آنان بشتابد از بین برود و راه را برای آغاز شیوه‌های سیاسی کاری که در نهایت منجر به شناسایی موجودیت اسرائیل خواهد شد ، ببندد .

پروردگارا ، پیوند و انقلاب تثبیت شده در قلبهای معنی انقلاب اسلامی ایران بر رهبری امام و انقلاب فلسطین را عمیق تر و مستحکم تر بفرما . پروردگارا ، دستهایی را که میخواهند این پیوند را بگسلند رسوا نما . پروردگارا ، صبر و مقاومت ملت فلسطین را بیافزا تا بتوانند هر چه بیشتر از آرمان آزادی قدس تا نابودی صهیونیسم دفاع نمایند . با دورد به شهدای فلسطینی

باد رود به شهدای انقلاب اسلامی ایران و انقلاب فلسطین و شهدای لبنان . . . فالذین هاجروا و اخرجوهم و یارهم و اوتوا فی سبیلی و قاتلوا و قتلوا لکن عنهم سبقتهم و لا دخلنهم جنات تجری من تحتها الا نهار . . . پس آنانکه هجرت کردند و از دیارشان آواره شدند و در راه من (خدا) آزار و شکنجه شدند و کشتند و شهید شدند از این طریق گناهشان را می‌پوشانیم و در بهشت برین جایشان میدهم . . .

والسلام علی من اتبع الهدی

توضیح : (۱) - برای توضیح و ریشه‌یابی ایدئولوژیک آنچه که در لبنان به وقوع پیوست به کتاب توطئه و دو قطبی کردن کاذب انقلاب (شرح مکتب راهنمای عمل شماره ۴۱ - ۴۰ مراجعه شود) .

كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا

بسم الله الرحمن الرحيم

فرارسیدن ماه محرم ، ماه تکبیر ، ماه پیروزی خون بر شمشیر و غلبه فقه قلبیه بر فقه کثیره به اذن خدا و شهادت سرور آزادگان حسین بن علی (ع) و مجاهد مردانی که بر سلاحهایشان ، عقایدشان را حمل میکردند بر امام زمان (عج) و هر همه مستضعفان علی الخصوص بر حسین زمان خمینی بت شکن و مشتاقان زیارت مرقد مطهر آن حضرت در کربلای ایران را تبریک و تسلیت عرض می‌نمائیم ، باشد که حسین (ع) چراغ هدایت مادر رضایت به رضا ، الله ، در راه آزادی قدس از طریق کربلا باشد امید داریم در شماره آینده " راه مجاهد " بتوانیم در این باره مطلبی داشته باشیم .

السلام عليك يا ابا عبد الله . . . والموالی لولیک والمعادی لعدوکم قصد حرمتک و استجار بعمهدک و تقرب الیک بمقصدک (قسمتی از آن دخول مرقد امام حسین (ع) سلام بر تو ای اباعبدالله . . . آن غلامیک دوست دارد دوستان شما و دشمن دشمنان شما است . قصد آستان شمارا کرده و به زیارتگاهت پناه آورده

بروانه رسمی انتشار راه مجاهد



جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و ترابری
معاونت امور راه
معاونت راه

آرامی لطف الهی
توزیع : هر شماره ۲۰۰ تومان / ۱۰۰۰ تومان / ۳۰۰۰ تومان
پروانه انتشار : راه مجاهد ، پخش ملی ، ایدئولوژی
توزیع : مشهد ، تهران ، قم ، تبریز
شماره : ۲۱۵۲ / تاریخ : ۱۳۶۱ / ۱۰ / ۲۰
پایه چاپ : دفتر بهارستان قم / تهران / مشهد

پیشگامان

دوره چاپ : هر شماره ۲۰۰ تومان / ۱۰۰۰ تومان / ۳۰۰۰ تومان
نشریه نهفت مجاهدین خلق ایران
زیر نظر شورای نویسندگان
صاحب امتیاز و مدیر مسئول :
مهندس لطف الله میثمی
صندوق پستی : ۷۱/۵۴۴

این دوازدهمین شماره ، راه مجاهد است که با اهداف مذکور در آئین نامه منتشر شده است .
کلیه انتقادات و پیشنهادات و طرحهای خود را در جهت بهتر شدن کیفیت نشریه ، هر چه سریعتر در اختیار ما قرار دهید .
با تشکر ، راه مجاهد